



با خط درشت و در یک ستون، ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

شماره ۴۳۶. یکشنبه ۱ فروردین ۱۴۰۰ - ۲۱ مارس ۲۰۲۱

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیائیهها

در این شماره می خوانید:

انتظار سیری ناپذیر مقام معظم - مهدی سامعص ۲

حداقل دستمزد یک پنجم خط فقر یعنی عادی کردن فقر - زینت میرهاشمی.....ص ۴

چالشهای معلمان (اسفند ۹۹) - فرنگیس بایقره.....ص ۶

دانشگاه در ماهی که گذشت (اسفند ۹۹) - کامران عالمی نژاد.....ص ۱۱

کارورزان سلامت (اسفند ۹۹) - امید برهانی.....ص ۱۶

زنان در مسیر رهایی (اسفند ۹۹) - اسد طاهری.....ص ۲۲

رویدادهای هنری ماه (اسفند ۹۹) - فتح الله کیائیهها.....ص ۲۶

چریک/ داستان کوتاه - م. وحیدی.....ص ۳۱

بهار می آید - م. وحیدی (م. صبح).....ص ۳۴

جوانه در جوانه - م. وحیدی (م. صبح).....ص ۳۵

متن سخنرانی زینت میرهاشمی در کنفرانس بین المللی ۸ مارس، روز جهانی زن.....ص ۳۶

برخی از بیانیه های «کمیته برگزاری تظاهرات انقلاب اکتبر» (بهمن و اسفند ۹۹).....ص ۳۷

روز جهانی زن؛ گذشته و حال - گردآوری و تالیف: اسد طاهری.....ص ۴۰

جنبش رنگین کمان بیشماران (اسفند ۹۹) - گردآوری و تنظیم: پویا رضوانی.....ص ۴۴

قرینه های موازی - امید آدینه.....ص ۵۹

پیام شادباش سخنگوی سچفا به مناسبت عید نوروز و آغاز سال ۱۴۰۰.....ص ۷۵

یادواره شهیدان فدایی / رفیق نسرين پنجه شاهی - گردآوری و تنظیم: امیر ابراهیمی.....ص ۷۶

شهدای فدایی در فروردین ماه.....ص ۷۷

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

انتظار سیری ناپذیر مقام معظم

مهدی سامع

نامگذاری خامنه ای در ابتدای هر سال موجب سرور و شرف فعالان شبکه های مجازی و موردی برای ساختن جوک بین مردم می شود. به هر میزان که این نامگذاریها غیر واقعی و آغشته با خالی بندی باشد، دست مردم برای تولید طنز بازتر می شود. به راستی اگر در سالی که ولی فقیه آن را «جهش تولید» نامگذاری کرده بود میزان تولید کشور افزایش قابل ملاحظه ای نداشت و جهش مثبتی هم در اقتصاد صورت نگرفت، اما قابل انکار نیست که تولید «طنز» و در مواردی «هرزه نگاری» در این سال به مدد نامگذاریهای مقام معظم، جهش قابل ملاحظه ای داشته است. در سال «جهش تولید» به موازات تولید طنز، شاهد جنبه دیگری از جهش بودیم که ولی فقیه آن را به میزان «انتظار» نمی داند.

خامنه ای در پیام نوروزی برای سال ۱۴۰۰ که در روز شنبه ۳۰ اسفند ۱۳۹۹ و در آستانه تحویل سال جدید رسانه ای شد، سال جدید را سال «تولید، پشتیبانیها، مانع زداییها» نام گذاری کرد و در مورد سالی که با فقر و فلاکت مردم به پایان رسید گفت: «جهش تولید در بخشهایی تحقق پیدا کرد، اگر چه در حد انتظار نه.»

به نظر می رسد که در مورد تولید «جوک» هیچ مشکلی وجود نداشته و بیش از حد انتظار ولی فقیه به بازار عرضه شده و بنابراین سوال این است که در چه زمینه ای «تولید» در «حد انتظار» خامنه ای نبوده است؟

ولی فقیه در بخشی از پیامش گفت: «چه دولت کنونی و چه دولت آینده، باید با حمایتهای همه جانبه قانونی، دولتی و حکومتی از تولید و رفع موانع آن، همت کنند که امسال جهش تولید به معنی واقعی تحقق یابد.»

باید به طور قطع و یقین بر این نکته تاکید کرد که ولی فقیه نظام بیش از همه از بحران اقتصادی و فلاکت مردم خبر دارد و می داند که «جهش» نه در تولید که در حوزه های دیگر جامعه اتفاق افتاده که البته در حد «انتظار» نبوده است. با این حال ذکر چند نمونه از اخبار و گزارشها در ماه اسفند خالی از فایده نیست.

یک عضو اتحادیه تولید کنندگان و صادرکنندگان فرش دستباف ایران، در روز جمعه ۲۹ اسفند ۱۳۹۹ ماه، در گفت و گو با خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران، سال ۹۹ را ضعیف ترین سال صادرات فرش ایران از زمان انقلاب سال ۵۷ در کشور نامید. او صادرات فرش دستباف کشور در ۹ ماهه سال ۹۹ را ۵۸ میلیون دلار اعلام کرد و اضافه نمود که این آمار می توانست ۵۰۰ میلیون دلار باشد.

- سایت العربیه در روز شنبه ۳۰ اسفند ۱۳۹۹ گزارشی از رسانه های رژیم ایران منتشر کرد. بر اساس این گزارش مرکز پژوهشهای مجلس ارتجاع اعلام کرده که بیش از ده درصد جمعیت فعال کشور از بازار کار خارج و غیرفعال شده و بنابراین نرخ بیکاری کشور به ۱۸،۴ درصد رسیده است.

- طبق تعریف رسمی، شاغل کسی است که حداقل هفته ای یک ساعت کار کند. طبق این تعریف در مجموع ۲۳،۴ میلیون شاغل (جمعیت فعال) در پاییز ۱۳۹۹، ثبت شده است.

توجه به میزان جمعیت فعال نشان می دهد که بیکاری ابعاد بسیار گسترده تر از آمار رسمی دارد، چرا که اگر از جمعیت ۸۵ میلیونی کشور، ۵۰ میلیون را آماده کار فرض کنیم، مشخص می شود که ۲۶ میلیون زن و مرد ایرانی، بیشتر زنان، فاقد هرگونه کار، حتی یک ساعت در هفته، هستند.

- یک گزارش سالانه برای سنجش شادی در کشورهای جهان برای چهارمین سال پیاپی نشان می دهد که نام رژیم جمهوری اسلامی پس از مالی و قبل از اوگاندا، در رتبه ۱۱۸ دیده می شود. قابل توجه خامنه ای این که در این رده بندی اسرائیل در رتبه ۱۲، آمریکا در رتبه ۱۹، امارات در رتبه ۲۵، و عربستان سعودی در رتبه ۲۶ قرار دارد. (صدای آمریکا، شنبه ۳۰ اسفند ۱۳۹۹)

- شامگاه روز جمعه ۸ اسفند ۱۳۹۹ استاندار اصفهان در جلسه شورای اداری استان گفت: ۶۰۰ هزار نفر به صورت مستقیم از زاینده رود ارتزاق می کنند اما در حال حاضر زنده رود به مرده رود تبدیل شده است. (ایرنا)

- در مورد همه گیری کرونا، دکتر هاشمیان فوق تخصص ICU بیمارستان مسیح دانشوری تهران گفت: «مدیریت کرونا غیرعلمی بود و به طور کلی از فرصتها استفاده نشد و تغییری در جهت مدیریت نبود. وقتی فرماندهی در جنگ پاسخگو نباشد، فرماندهان عوض می شدند که در کرونا تغییری در مدیریت صورت نگرفت. از تجربیات پزشکان و کادر به موقع استفاده نکرد، هم در جنبه کاهش مرگ و میر و هم در جنبه اقتصادی ضربه خورد. هنوز هم روند واکسیناسیون مشخص نیست. سرعت واکسیناسیون کم است. نمکی که پزشک نیست و سابقه حضور در بیمارستان و ICU و بین بیماران بدحال را ندارد، می توانست با منتقدان میزگرد بگذارند اما فرار رو به جلو و مبارزه با کادر درمان را پیش گرفتند. برای هیچ چیزی برنامه ریزی نمی شود. تا زمانی که برنامه ریزی علمی و کامل نداشته باشید، وضعیت همین است.» (تسنیم، پنجشنبه ۱۴ اسفند).

یک رسانه حکومتی در مورد مخالفت پزشکان کشور با مدیریت وزیر بهداشت نوشت: «او در یک سال گذشته نشان داده بیش از آنکه مدیر بحران اپیدمی باشد یک کارگردان سیاسی است که برای جلب نظر یک کانون سیاسی خاص تلاش می کند.» (مستقل، چهارشنبه ۲۰ اسفند) و یک روزنامه دیگر نوشت: «هزینه های درمان کرونا کمرشکن است آن هم برای خانواده های بی بضاعتی که چندین عضو خانواده درگیر بیماری می شوند. به همین دلیل کرونا جان فقرا را بیشتر می گیرد... با وجود این که آمار فوتیها و مبتلایانی که از سوی وزارت بهداشت اعلام می شود پایین است اما یک تخت خالی در بیمارستانهای تهران پیدا نمی شود.» (جهان صنعت، چهارشنبه ۲۰ اسفند)

در مورد تولید کلان تضاد در هر م قدرت و نقشه خامنه ای برای نمایش انتخابات آینده می توان به گفته ها و نوشته های بسیار از کارگزاران نظام استناد کرد که مثنوی هفتاد من کاغذ شود. از آن بگذریم و فقط به اظهار نظر احمد چمران، خبرنگار روزنامه مستقل در روز سه شنبه ۵ اسفند توجه کنیم. او می نویسد: «۲۸ خرداد انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ برگزار می شود. انتخاباتی که از هم اکنون حواشی زیادی دارد. البته نه فقط از نوع تبلیغات سالم و فراگیر، بلکه در بسیاری موارد از نوع تخریب. یا شاید بهتر است بگوییم از حیث «تیشه به ریشه» زدن به مقوله انتخابات قابل تفسیر است.» این چند نمونه برای پاسخ به سوالی که در ابتدا مطرح کردم کافی است. بر اساس همین نمونه ها آن چه «جهش» داشته نه «تولید» برای نیازهای مردم، بلکه تولید بی حقوقی، تبعیض، فقر، گرانی، بی آبی، اندوه، دروغ و پنهانکاری (به طور مثال در مورد قربانبان کرونا)، مرگ، زندان، شکنجه، اعدام و فلاکت عمومی بوده که «جهش» بی سابقه ای داشته و درست در همین حوزه ها است که مقام معظم شکوه سر داده و آن را در «حد انتظار» ندانسته و لابد وقتی رو به دولت آینده حرف می زند، انتظار دارد دولت جوان حزب الهی آن چه همه جنایتکاران دارند را یک جا داشته باشد. خامنه ای برای مهندسی یک شعبده بازی جدید برای برگماری یک گماشته به طور مطلق گوش به فرمان خیز برداشته است. او بیهوده فکر می کند که با یک حزب الهی گوش به فرمان می تواند بحران را مهار کند. اگر شلاق بر پیکر مردم محروم و طناب دار بر گردن جوانان شورشی چاره ساز بود، در سالی که به پایان رساندیم شاهد هزاران حرکت اعتراضی در کف خیابان نبودیم. جامعه انفجاری در تب و تاب تحول شعله ور می شود و انفجار خشم، انتظار ولی فقیه را به کابوس تبدیل خواهد کرد.

فرا سوی خبرها

سوختبران؛ شلیک به بشکه باروت - منصور امان.....ص ۷۰

اعدام ۴ زندانی سیاسی و چرایی آن - زینت میرهاشمی.....ص ۷۱

پیام ارسال پرونده ج.ا به شورای حکام - منصور امان.....ص ۷۲

شتاب گرفتن چرخ تروریسم تصادفی نیست - منصور امان.....ص ۷۳

نخورید و نیاشامید؛ جشن نوروز به روایت "سبک زندگی اسلامی" - منصور امان.....ص ۷۴

حداقل دستمزد یک پنجم خط فقر یعنی عادی کردن فقر

زینت میرهاشمی

شورای عالی کار و کمیته مزد، حداقل دستمزد برای سال ۱۴۰۰ را ۲ میلیون و ۶۵۵ هزار تومان تعیین کرد. این رقم که تقریباً یک پنجم خط فقر است در حالی تعیین شد که وزن دستمزد در تولید زیر ۱۰ درصد برآورد شده است. امسال هم نمایش شورای عالی کار مانند سالهای پیش در فقدان نماینده واقعی کارگران اجرا شد و سند بردگی و فقر کارگران را با توافق نماینده دولتی کارگران امضا کردند. بازیگران این نمایش اسم «چانه زنی» را بر روند تصمیم گیری حداقل دستمزد در شورای عالی کار گذاشتند.



مسیر توافق برای حداقل حقوق از پیش به وسیله کمیته دستمزد هموار و پایه «چانه زنی» را برای شورای عالی کار آماده کرده بود. چیدمان میز چانه زنی به شکلی است که هر سه طرف، نماینده دولت، نماینده کارفرمایان و به اصطلاح نماینده کارگران، با اندکی اختلاف این هدف را دنبال می کنند که رقم حداقل

دستمزد کمتر از رقم تعیین شده به وسیله کمیته دستمزد تعیین شود.

کمیته دستمزد، نهاد حکومتی وابسته به شورای عالی کار متشکل از نمایندگان سرمایه دار بزرگ (دولت) و نماینده کارفرمایان و نماینده دولتی کارگری، در ۴ اسفند «سبد معاش خانوار متوسط را ۶ میلیون و ۸۹۵ هزار تومان» اعلام کرد. به گفته رئیس کمیته مزد این عدد بر اساس نرخ تورم و برای «چانه زنی» در شورای عالی کار تعیین شده است. نقش کمیته دستمزد، قانونی کردن فقر و عادی سازی آن برای نیروهای کار است. رژیم هم با وجود نمایندگان دولتی کارگری مدعی مشارکت و توافق کارگران در تعیین حداقل دستمزد می شود.

وقتی خط فقر بر اساس ارزیابی کارشناسان اقتصادی ۱۱ میلیون تومان اعلام شده و نیروهای کار خواستار حقوق پایه بالاتر از ۱۲ و نیم میلیون تومان هستند، با رقمی که کمیته دستمزد برای چانه زنی اعلام کرده، سرنوشت حداقل حقوق همانی است که شورای عالی کار تعیین کرد.

بخش مضحک این نمایش، ژست اپوزیسیون گرفتن خانه دولتی کارگر، شوراها اسلامی کار و اعضای کمیته دستمزد است. البته آنها در امر حفظ نظام صادق بوده و به اجماع شورای عالی کار تن می دهند.

محمد رضا تاجیک، عضو کمیته دستمزد در حالی که حقوق کارگران در سال آینده را «۸ تا ۱۰ میلیون تومان» مناسب می داند می گوید: «اما باید عددی را اعلام کنیم که شرکای اجتماعی مان هم قبول کنند. امسال تورم خیلی زیاد بود.» (نود اقتصادی ۱۸ اسفند)

مخالفت‌های ظاهری نمایندگان دولتی کارگران، در حقیقت برای آرام کردن اعتراض‌های نیروهای کار است. آنها می خواهند کارزار حداقل حقوق ۱۲ و نیم میلیون تومان را از کف خیابان به میز چانه زنی بی نتیجه منتقل کنند.

تنها همبستگی و گستردگی جنبش مطالبه گر افزایش دستمزد و تداوم آن می تواند به واقعی شدن دستمزد یاری رساند. اشتراک در قدرت و ثروت بین نمایندگان دولت و سرمایه داران آنچنان قوی است که تنها با زبان خیابان می توان جنبش افزایش حقوق مناسب را پیش برد.

پوشاندن فقر و فلاکت

حرفهای ربیعی و روحانی در روز سه شنبه ۲۶ اسفند، علاوه بر این که از جنس دروغهای همیشگی است، حرکتی شرم آور جهت پوشاندن فقر، فلاکت و بیکاری است. روحانی با گزارشی دروغ از عملکرد دولت خود تلاش کرد به کلید زنگ زده و فراموش شده خود اعتبار ببخشد.

روحانی که به دروغ علت همه مشکلات را خروج ترامپ از برجام و تحریمها اعلام می کند، خود را فاتح ونزوئلایی نشدن ایران دانست و در مبارزه با فساد، پولشویی و تامین مالی تروریسم نسبت به کشورهای همسایه بهترین نمره را به خود داد. سلطان دروغ در رابطه با «شفاف سازی و اطلاع رسانی» با وقاحت تمام گفت که «کار بزرگی» صورت گرفته است.

در جدال باندهای حکومتی و نزدیک شدن به نمایش انتخابات، وضعیت نابسامان اقتصادی، فساد و رانت خواری گسترده و فقر و فلاکت مردم به سطح کشیده شده است. فساد کلان و آشکار از مرز فساد ساختاری به سرعت عبور کرده و همه اهالی حکومت علیه یکدیگر پرونده دارند. بخش کوچکی از این پرونده ها در جنگ درون قدرت و ثروت از تاریکخانه برون آمده و دانه های متوسط قربانی می شوند، اما دستگیر شدگان، انگشتی از آنها به خاطر دزدی قطع نمی شود. نمونه بارز آن طبری و بابک زنجانی و برادر روحانی و ... است.

سخن پراکنی ربیعی در روز سه شنبه ۲۶ اسفند، تلاشی مذبحانه برای راست جلوه دادن موفقیت‌های ادعایی دولت روحانی به زبان عدد و رقم بود.

ربیعی از تامین اجتماعی ۳ میلیون روستایی و عشایر/ رسیدن سهم اشتغال روستائیان از ۳ به ۲۹ درصد/ تلاش صد در صد برای رفع بازماندگی روستائیان در حوزه آموزش/ تعلق حدود ۳۸ درصد مشاغل ایجاد شده از سال ۹۶ تا ۱۱ ماه اول سال جاری به زنان/ ایستادگی در برابر هدف تحریم برای کاهش آزادیهای سیاسی و مدنی/ و ... حرف زد و دروغ به هم بافت. بر اساس گفته رئیس کمیته امداد، «بیش از ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر تحت پوشش این نهاد قرار دارند و در سال ۹۹ نسبت به سال قبل ۴۵ تا ۴۶ درصد افزایش یافته است.» عضو اتاق بازرگانی تهران گفته است که «زنان در اقتصاد ایران ۵ درصد سهم دارند.»

گنده گوئیهای ربیعی و روحانی در حالی است که هنوز مشکلات فاضلاب و آب آشامیدنی مردم خوزستان و استانهای مرزی را نتوانسته اند حل کنند.

برخی از حقایق به نقل از رسانه های حکومتی

بر اساس داده های آماری حکومتی، ۲۷ میلیون ایرانی زیر خط فقر مطلق هستند و درآمد یک میلیون خانوار ایرانی فقط از یارانه نقدی است. خانوارهای ۴ دهک پایین درآمدی زیر خط فقر مطلق هستند که درآمد آنها بین ۴۰۰ تا ۹۰۰ هزار تومان است. این خانوارها ۳۳ درصد جمعیت ایران را تشکیل می دهند.

سحام نیوز به نقل از اتاق بازرگانی تهران و مرکز آمار اعلام کرد که: از ۲۴ سال قبل تاکنون میانگین نرخ تورم جهان تک رقمی شده اما در ایران این نرخ هم اکنون به بالاترین رقم از سال ۱۳۷۵ تاکنون رسیده و در پایان سال ۱۳۹۹ حداقل نرخ تورم ۳۶٪ است.

یک مجلس نشین به نام آصفری به وضعیت فاجعه بار مردم اعتراف کرد و با نگرانی نسبت به خشم مردم به خاطر گرانی هشدار داد و گفت: «همین امروز کارگران کارخانه هپکو به خاطر این که شب عید هستش دو ماه هست که حقوق آنها را نداده اند تجمع کردند با کفن آمدند روی ریل راه آهن. مسأله گرانی صدای گلایه مندی مردم را بلند کرده، اینجا آقای جوکار هم دارند می گویند مردم شهرهای مختلف ما نسبت به گرانی اعتراض دارند چرا بایستی یک شبه تخم مرغ چند برابر قیمت افزایش پیدا کند؟ مرغ چند برابر قیمت افزایش پیدا بکند در حالی که ما داریم سوبسید می دهیم آخر چه دستهایی در کار هستش؟» (خبرگزاری مجلس، یکشنبه ۳ اسفند ۱۳۹۹)

در همین روز وبسایت اقتصادسراسرآمد در مقاله ای با عنوان «چالش خط فقر ده میلیونی» نوشت: «خط فقر به ده میلیون تومان رسیده و تهیه کالای اساسی برای خانواده های کم درآمد سخت تر شده است. رشد نجومی قیمت روغن، مرغ، تخم

مرغ، گوشت، برنج و قند آن چنان سریع اتفاق افتاده که کارشناسان و کمیسیون اقتصادی مجلس نیز سر درگم فقط روی کاغذ محاسبات خیالی خود را طرح می‌زنند و بی برنامه روزهای سخت اقتصادی را پشت سر می‌گذارند. در سخنرانی‌ها همه مشکلات اقتصادی را گردن تحریم‌ها می‌اندازند و دست‌دلای، احتکار تاجران و نبود نظارت بر بازار را نمی‌بینند. ... با توجه به سهم بالاتر خوراکیها در سبد هزینه خانوارهای فقیرتر، نرخ تورم بالاتر خوراکیها و آشامیدنیها در سال‌های اخیر بیانگر بدتر شدن وضعیت معیشتی خانوارهای با درآمد پایین‌تر نسبت به سایر خانوارها است. تورم ۶۰٫۷ درصدی در سال ۹۲ به ۸۵٫۳ درصد در پایان سال ۱۳۹۸ رسیده است و علیرغم افزایش درآمد اسمی خانوارها قدرت خرید هر فرد ایرانی نسبت به سال ۹۰ حدود یک سوم کاهش یافته است.»

بر اساس گفته مجلس نشین از خوزستان؛ یک سوم جمعیت شهر اهواز، «فاقد امکانات لازم و شرایط معمول زندگی شهری» است. محرومیت مردم سیستان و بلوچستان و استان خوزستان، مدرسه‌های کپری و سفره‌های خالی و ... مواردی است که با عکس و گزارش به طور مرتب در رسانه‌های حکومتی پخش می‌شود. مردم به طنز می‌گویند؛ هنوز جمعه نشده که روحانی از فقر و تنگدستی مردم با خبر شود.

بر طبق این مثل که؛ دروغ را آنقدر باید بزرگ گفت که طرف باور کند، این بار در شرایط نابسامان اقتصادی و وضعیت فلاکت‌بار معیشتی صدق نمی‌کند. دروغهای روحانی و ربیعی خیلی بزرگ هستند، اما غارتگری و فساد و جنایتهای آنان بزرگتر از دروغهای آنان است که حتا با آب زمزم هم پاک نمی‌شود.



چالش‌های معلمان (اسفند ۹۹)

فرنگیس بایقره

بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان سراسر ایران در محکومیت کشتار اخیر سوختبران سراوان

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان سراسر ایران روز دوشنبه ۱۱ اسفند، پیرامون کشتار سوختبران سراوان بیانیه‌ای منتشر کرد. متن کامل بیانیه به قرار زیر است.

به نام خداوند جان و خرد

بلوچستان این روزها سوگناک‌تر از همیشه روزگار می‌گذراند. مردمی فراموش شده و به حساب نامده از سوی حاکمان که در منتهای فقر و تنگدستی و بیکاری روزگار پر از رنج و شکنج را طی می‌کنند، در میان بهت و ناباوری، تصویری دردناک‌تر از همیشه را این بار عیان دیدند و بر آن سخت‌گریستند و شوریدند. آری در صحنه‌ای دردناک چند نفر از زحمت‌کشان این سامان که برای لقمه نانی به حمل سوخت مشغول بودند، به ضرب مستقیم گلوله نیروهای نظامی سراوان به شهادت رسیدند.

حاکمیت سالهاست که اداره کشور و سامان آن را با گسترش اختلاسهای

که دیگر در حساب اعداد نمی‌گنجد، به دست چپاولگرانی سپرده که از تمام آزادیهای اساسی برای از بین بردن منابع ایران بهره‌مندند و دست هیچ‌کسی هم برای قطع تعدیهای آنان کارگر نمی‌افتد. در میانه همه این غارتگریها وجود کلاسها و مدارس کپری در مناطق مختلف سیستان و بلوچستان همچون: زاهدان، خاش، میرجاو، زابل، بنجار و در جنوب استان یعنی بلوچستان همچون: چاه‌بهار، سرباز، ایرانشهر و نهایتاً سراوانی که این روزها داغ‌دار شده است، حکایت از



قصور مضاعف حاکمیت در مهیا کردن حداقلی ترین امکانات حقوق شهروندی در طی سالیان سال برای این منطقه محروم و مستضعف بوده است.

دریغا و شگفتا در منظر چشم مردم بلوچ، قطار قطار کامیونهای سوخت در نهایت آزادی به کشورهای همسایه گسیل می شود اما هم وطنان به ستوه آمده برای لقمه نانی جزئی، چنین به تیر مستقیم گلوله از پای در می آیند.



نظامی که در بدو تأسیس خود با شعار حمایت از محرومان و تأسیس بنیاد مستضعفان و کمیته امداد امام خمینی، مدعی حمایت از محرومان بود، امروز بیشترین وجه همت خود را در برخورد با محروم ترین و مظلوم ترین قشر سرزمین ما نهاده است. کولبران را به حال خود رها کرده و در سرمای سخت یکی از پس دیگری تلف می شوند و گاه

آنها هم به تیر مستقیم مأموران گرفتار می آیند. متأسفانه با گذشت زمان و دیدن تصاویر دردناکی که بر کولبران و سوختبران رفته، حاکمیت روند برخوردهای خود را شدت بخشید که در آخرین مورد بنا بر پاره ای از گزارشها ده نفر از سوختبران سراوان به ضرب مستقیم گلوله مأموران از پای در آمدند و پس از این واقعه که موجی از اعتراضات بلوچهای مظلوم را در پی داشت، با قطع اینترنت دست به سرکوب معترضان زده شد که هنوز از چند و چون میزان این سرکوب و کشته ها و زخمیهای احتمالی خبر دقیقی در دست نیست.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان سراسر ایران با عرض تسلیت خدمت خانواده های جان باختگان اخیر سراوان، انتظار دارد مقامات تصمیم ساز در لایه های فوقانی قدرت با تجدید نظر در روند سرکوب اقوام و اقلیتهای قومی و مذهبی، به جای ادامه روند خشونت بار برخورد با معترضان، تغییر رویه های نامناسب پیشین را با بازخوانی دقیق چگونگی شکل گیری این اعتراضها، در دستور کار قرار دهند و با تجدید نظر اساسی در روشهای آزمون شده پیشین خود که به شکاف حداکثری حکومت_ملت منجر شده، با در پیش گیری رشته کوششهای مردم سالارانه، به رغم در هم شکسته شدن جدول ارزشهای انسانی و اخلاقی، به رنج و اندوه قوم دردمند بلوچ و سایر رنج دیدگان مستمر از کارگر تا کولبر و دانشجو و معلم و روزنامه نگار و کنشگران مدنی و فعالان محیط زیست و انجمنهای مردم نهادی چون جمعیت امام علی پایان دهند. اگر حاکمیت نخواهد بپذیرد که راه حل پایان دادن به شکاف ملت_حکومت نه سرکوب معترضان بل شنیدن صدای آنهاست، دیری نخواهد گذشت که نتایج و عواقب خطرناک این نشیندننا گریبان حاکمان را چاک چاک خواهد کرد و از قول سعدی باید به آنها گوشزد کرد: مکن که مظلومه خلق را جزایی هست.

امسال ۳۰ درصد دانش آموزان از تحصیل بازماندند

فقر، کرونا و سیاستهای حکومت، آسیبهای جدی به دانش آموزان کشور وارد کرده است. محمدرضا محبوب فر، ویروس شناس و کارشناس وزارت بهداشت در این باره گفت: از یک طرف شاهد این مساله هستیم که تعداد زیادی از کودکان ایرانی از تحصیل بازمانده اند آنها هم به دلیل گسترش فقر در سطح کشور و عدم دسترسی خانواده ها به تجهیزات اینترنتی برای رسیدن کودکان شان به آموزشهای آنلاین. متأسفانه بسیاری از کودکان ایرانی و در حال حاضر ۳۰ درصد از جمعیت دانش آموزی کشور از تحصیل بازمانده اند.

وی در پاسخ به این سوال که از این ۳۰ درصد چه تعدادی وارد بازار کار می‌شوند؟ گفت: به نظر من همه این کودکان این پتانسیل را دارند که به بازار کار کشانده شوند. با توجه به فقر مضاعف، بسیاری از خانواده‌ها نمی‌توانند از لحاظ آموزشهای آنلاین و خرج و مخارج تحصیلات پشتیبانی کنند و فرزندان‌شان مجبورند در خانه بمانند. اما من بعید می‌دانم این اتفاق بیفتد و چون خانواده‌ها فکر می‌کند حالا که بچه‌های‌شان تحصیل نمی‌کنند باید کار کنند. بعید می‌دانم از این ۳۰ درصد کسی در خانه‌ها بماند و وارد بازار کار یا کوچه و خیابان نشود.

وی با اشاره به این که در گذشته ایران سه قشر فرودست، متوسط و فرادست یا ثروتمند وجود داشت، گفت: در حال حاضر به جرات می‌گویم جامعه ایران به دو طبقه سقوط کرده و به طبقه دارا و ندار تبدیل شده است. در حال حاضر بیش از ۸۰ درصد جمعیت کشور با خط فقر ۱۱-۱۰ میلیون تومانی، زیر خط فقر زندگی می‌کنند. در این شرایط مشخص است که خانواده‌های ایرانی از لحاظ قوت و غذا، سرپناه و مسکن و... با مشکل مواجه شده‌اند و چیزی به نام "قشر متوسط" که تعداد زیادی از جامعه را تشکیل می‌دادند در ایران نمی‌توانیم شناسایی کنیم.

بیانیه در محکومیت نحوه رفتار با اسماعیل عبدی



اسماعیل عبدی، فعال صنفی معلمان محبوس در زندان اوین از روز یکشنبه ۱۷ اسفند دست به اعتصاب زد. وی روز چهارشنبه ۲۰ اسفند، پس از تامین خواسته‌اش به اعتصاب غذای خود پایان داد. روز شنبه ۲۳ اسفند، آقای عبدی از زندان اوین به زندان رجایی شهر کرج منتقل شد. انتقال آقای عبدی بدون اطلاع قبلی و با دستور دادستان تهران صورت گرفت اما یکشنبه شب ۲۴ اسفند دوباره به قرنطینه زندان اوین بازگردانده شد و روز سه‌شنبه ۲۶ اسفند از زندان اوین به زندان رجایی شهر کرج منتقل شد.

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) روز دوشنبه ۲۵ اسفند، پیرامون برخورد ظالمانه با آقای اسماعیل عبدی بیانیه‌ای صادر کرد. متن کامل بیانیه به قرار زیر است:

به نام خداوند جان و خرد

کانون صنفی معلمان برخورد غیر انسانی و غیرقانونی ماموران در انتقال اسماعیل عبدی از زندان اوین به زندان رجایی شهر، در تاریخ ۲۳ اسفند را شدیداً محکوم می‌نماید و آن را اقدامی برخلاف ابتدایی‌ترین اصول اخلاقی و حقوق شهروندی و مدنی می‌داند.

ارسال گزارش خلاف واقع درباره عبدی، جابجایی بی‌دلیل، برخوردهای درون زندان، محرومیت از تماس با خانواده، برای اثبات خصومت با عبدی کافی نبود برخورد درجه‌دار نیروی انتظامی و یکی از کارکنان اجرای احکام دادرسی (!؟) عمومی و انقلاب کرج نیز به کلکسیون رفتارهای غیرقانونی و کینه‌توزانه با عبدی اضافه شد. اقداماتی که نه تنها با تمامی موازین حقوقی داخلی بلکه با میثاق‌های بین‌المللی پذیرفته شده در نظام نیز مغایرت دارد.

کانون صنفی معلمان این گونه اقدامات ضدقانونی را شدیداً محکوم نموده و ناشی از ضعف و استیصال مرتکبان در برابر صبوری و پایداری اسماعیل عبدی و خانواده‌اش در برابر گشودن پرونده جدید برای او پس از پایان دوران محکومیتش می‌داند. بر این باور است که این شیوه برخورد اگر چه به قصد اهانت به اسماعیل عبدی و کنش‌گران صنفی و جامعه معلمان صورت می‌گیرد، اما بیش از آن هتک حیثیت و مشروعیت دستگاه‌های مسئول را به بار خواهد آورد. لذا اکیداً از مسئولان دستگاه قضایی می‌خواهد ضمن برخورد فوری با خاطیان، شرایط آزادی بی‌قید و شرط اسماعیل عبدی را که سه ماه از پایان دوران محکومیتش نیز گذشته را فراهم نمایند؛ باشد که گواهی شود بر عملی شدن یکی از بی‌شمار شعارهای تاکنون غیرعملی!

حرکتهای اعتراضی معلمان

تجمع معلمان و مربیان کشور مقابل مجلس



روز شنبه ۲ اسفند، جمعی از معلمان و مربیان کشور (خرید خدمات، نهضت سوادآموزی، حق التدریس سالهای ۹۲ تا ۱۴۰۰ و مربیان پیش دبستانی، سرباز معلمان و معلمان برون سپاری سالهای ۹۱ تا ۱۴۰۰) برای اعتراض به عدم تبدیل وضعیت دست به تجمع مقابل مجلس زدند.

همزمان شماری از معلمان خرید خدمت شهرهای قزوین، کرمان و یزد روز شنبه ۲ اسفند مقابل وزارت آموزش و پرورش در تهران تجمع کرده و خواستار تبدیل وضعیت و استخدام بدون آزمون شدند.

از آغاز دی ماه تا نیمه بهمن ماه حداقل ۱۵ تجمع معلمان خرید خدمتی در شهرهای مختلف برگزار شده اما تاکنون به خواسته های آنان از جمله «تبدیل قراردادهای شان از موقت و ساعتی به قرارداد رسمی، پرداخت مطالبات مزدی معوقه و افزایش دستمزدها» رسیدگی نشده اند.

یکی از معلمان در این تجمع گفت: دستمزد معلمان خرید خدمات، از حداقل مزد وزارت کار کمتر است؛ از بیمه کامل نیز بی بهره اند و خواسته های آنها پرداخت به موقع مطالبات، برخورداری از حق بیمه و دستمزد همسان با معلمان «رسمی» است.

روز سه شنبه ۵ اسفند، تجمع معلمان و مربیان کشور برای اعتراض به عدم تبدیل وضعیت دست به تجمع مقابل مجلس ادامه یافت.

چهار روز تجمع مربیان پیش دبستانی ایذه

مربیان پیش دبستانی سال ۹۷ شهرستان ایذه، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان، روز یکشنبه ۳ اسفند، مقابل دفتر مجلس نشین شهرستان های ایذه و باغملک تجمع و تحصن کردند.

مربیان معترض گفتند: تا زمانی که کسی پیدا نشود و به حرف ما گوش کند، به این تحصنها پایان نخواهیم داد. متأسفانه در شهرستان ایذه افرادی هستند که می ترسند ما با نماینده شهرستان روبه رو شویم و تلاش دارند تا جلوی تحصنهای ما را بگیرند و ما را خسته کنند تا کوتاه بیاییم.

روز سه شنبه ۵ اسفند، مربیان معترض برای سومین روز، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

روز شنبه ۹ اسفند، مربیان پیش دبستانی ایذه در ادامه اعتراض به بلا تکلیفی استخدامی مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند.

تجمع معلمان حق التدریس در تهران



گروهی از معلمان حق التدریس در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان، روز سه شنبه ۱۲ اسفند، مقابل ساختمان وزارت آموزش و پرورش دست به تجمع اعتراضی زدند. معلمان حق التدریس به نحوه اجرای قانون استخدامی خود اعتراض دارند و خواستار حذف آزمون اصلح و صدور حکم قبل از آزمون هستند.

تجمع معلمان تازه استخدامی مقابل مجلس

روز یکشنبه ۱۷ اسفند، جمعی از معلمان تازه استخدامی، مقابل مجلس شورای اسلامی، تجمع اعتراضی برگزار کردند. این معلمان دلیل تجمع خود را اعتراض به پایین بودن میزان حقوق دریافتی عنوان کردند. همچنین رتبه بندی معلمان را تبعیض آمیز دانسته و خواستار همسان سازی حقوق شدند. معلمان ضمن رو نمایی از بنرهای اعتراضی با سردادن شعارهایی از قبیل، “معلمان جوان، قربانی مسئولان” و “عدالت ضعیف است معلم فقیر است” خواستار رسیدگی به مطالبات شان شدند.

تجمع فرهنگیان استان فارس

گروهی از فرهنگیان استان فارس در محوطه اداره کل آموزش و پرورش شیراز دست به تجمع زدند. دلیل تجمع این فرهنگیان که روز دوشنبه ۱۸ اسفند برگزار شد، اعتراض به وضعیت موجود در آموزش و پرورش، بی توجهیهای وزارت، مجلس و دولت به حذف سنوات خدمتی فارغ التحصیلان دانشسرای شاغل و امکانات آموزشی است. روز چهارشنبه ۲۰ اسفند، معلمان شهرستان شیراز با برگزاری تجمع اعتراضی در این شهر، خواستار رسیدگی به مطالبات شان شدند.

تجمع فرهنگیان گیلان مقابل اداره آموزش و پرورش

روز چهارشنبه ۲۷ اسفند، جمعی از فرهنگیان در شرف بازنشستگی گیلان برای اعتراض به مصوبه حذف فاصله سنوات خدمتی دست به تجمع مقابل اداره کل آموزش و پرورش استان در کلانشهر رشت زدند.

(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: کانال صنفی معلمان ایران در تلگرام، ایسنا، رکنا، ایلنا، عصر جنوب، تکوید، هرا، پیام)

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

کمک مالی به سازمان چریکهای فدایی خلق ایران از طریق PayPal
به آدرس **bedostan@gmail.com**

دانشگاه در ماهی که گذشت (اسفند ۹۹)

کامران عالمی نژاد

بازداشت پویا جانی پور فعال دانشجویی سابق



با گذشت چند روز از بازداشت پویا جانی پور در روز یکشنبه ۳ اسفند ۱۳۹۹، خانواده این فعال دانشجویی سابق، در باره سرنوشت او ابراز بی اطلاعی و نگرانی عمیق کردند.

یکی از بستگان پویا جانی پور گفت: که ماموران لباس شخصی بدون نشان دادن حکم دادستانی با هجوم به منزل آقای جانی پور در کرج، او را دستگیر کردند و برخی وسایل شخصی وی از جمله تلفنهای همراه و کامپیوتر لپ تاپ را نیز توقیف و با خود بردند.

یکی از بستگان آقای جانی پور گفت که دادگاه انقلاب کرج به خانواده اش گفته است که از طرف آنها حکم بازداشتی صادر نشده است. این منبع گفت اداره اطلاعات نیز از سرنوشت وی ابراز بی اطلاعی کرده است.

پویا جانی پور فارغ التحصیل رشته عمران دانشگاه علم و صنعت، در سالهای اخیر به کتاب فروشی آنلاین مشغول بوده است.

او در دوران دانشجویی به عنوان دبیر کمیسیون اسکان شورای صنفی دانشگاه فعالیت داشت و پس از سیل سال ۱۳۹۷ در استان گلستان با تشکیل یک گروه امدادرسانی برای کمک به سیل زدگان داوطلب شده بود.

لیلا حسین زاده به ۵ سال حبس تعزیری محکوم شد



روز دوشنبه ۴ اسفند، شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران لیلا حسین زاده، فعال دانشجویی را به پنج سال زندان و دو سال ممنوعیت از فعالیت در فضای مجازی محکوم کرد.

خانم حسین زاده در پرونده جدید خود به «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور» متهم شده است.

امیر رئیسین، وکیل مدافع او در توثیقی نوشت: مصداق این اتهام «راه اندازی یک تجمع کوچک از دانشجویان» و حضور لیلا حسین زاده در

این تجمع است که به منظور تبریک تولد و یاد کردن از محمد شریفی مقدم، دانشجو و درویش زندانی، تشکیل شده بود. لیلا حسین زاده از جمله دانشجویان دانشگاه تهران بود که در جریان اعتراضهای دی ماه ۹۶ بازداشت و پس از دو هفته با قرار وثیقه آزاد شد. در پی بازداشت سال ۹۶، این فعال دانشجویی به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به ۳۰ ماه زندان و دو سال ممنوعیت خروج از کشور محکوم شد.

لیلا حسین زاده در مرداد سال ۹۸ برای اجرای این حکم بازداشت و به زندان اوین منتقل شد. او در اسفند همان سال مشمول عفو قرار گرفت و آزاد شد.

جزئیات جذب دانشجوی خارجی شهریه پرداز در مقاطع تحصیلات تکمیلی

دانشگاه علوم پزشکی مشهد روز شنبه ۹ اسفند اعلام کرد، برای اولین بار بورس تحصیلی یک ساله به دانشجویان بین المللی شهریه پرداز بدو ورود در مقاطع تحصیلی دکتری تخصصی (PhD) و کارشناسی ارشد اعطا می کند.

بر اساس این شیوه، بورس تحصیلی به دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و PhD غیرایرانی شهریه پرداز (غیر بورسیه وزارت بهداشت) به حداکثر ۱۰ درصد از دانشجویان تحصیلات تکمیلی اعطا می شود.

داوطلبان باید از بخش سوابق آموزشی ۴۰ امتیاز، از بخش سوابق پژوهشی ۳۰ امتیاز، از بخش مهارت‌ها ۱۵ امتیاز و از بخش مصاحبه ساختارمند ۱۵ امتیاز کسب کنند.

ابتلای ۳۰ درصد دانشجویان یا خانواده‌های آنها به کرونا



معاون دانشجویی دانشگاه تهران روز شنبه ۹ اسفند از فوت ۶ دانشجوی این دانشگاه بر اثر ابتلا به کرونا و پیروس خبر داد و گفت: حدود ۳۰ درصد دانشجویان و یا خانواده‌های آنها به بیماری کرونا مبتلا شده‌اند. سعید حبیبی، معاون دانشجویی دانشگاه تهران به تشریح فعالیتهای دانشجویی دانشگاه تهران در دوران شیوع کرونا پرداخت و گفت: با توجه به اینکه کرونا تمامی حوزه آموزشی، شخصی و خانوادگی را تحت الشعاع قرار داده، دانشجویان را نیز با مشکلات عدیده‌ای مواجه کرده و حتی در عرصه حوزه دانشجویی متأسفانه شش نفر از دانشجویانمان را از دست داده‌ایم، اما مشکلات ایجاد شده باعث نشد ما پیشرفت و توسعه در عرصه علم و دانش را متوقف کنیم.

تجمع فارغ التحصیلان مهندسی پزشکی دانشگاه آزاد بروجرد



فارغ التحصیلان رشته مهندسی پزشکی دانشگاه آزاد بروجرد روز یکشنبه ۱۰ اسفند، برای اعتراض به عدم تعیین تکلیف گرایش در مدرک تحصیلی شان، مقابل دانشگاه علوم پزشکی استان لرستان تجمع کردند. این دانشجویان با در دست داشتن پلاکاردهایی به مطالبه‌گری از مسئولان دانشگاه علوم پزشکی لرستان و آزاد بروجرد برای لحاظ شدن گرایش در مدرک تحصیلی صادره پرداختند و درخواست شرکت در طرح نیروی انسانی و آزمونهای استخدامی مهندسی پزشکی با گرایش بیوالکتریک را داشتند.

تجمع دانشجویان و کارکنان دانشگاه صنعتی بیرجند



جمعی از دانشجویان، کارکنان و اساتید دانشگاه صنعتی بیرجند برای اعتراض به ادغام با دانشگاه بیرجند دست به تجمع مقابل استانداری خراسان جنوبی زدند. در این تجمع اعتراضی که روز چهارشنبه ۱۳ اسفند برگزار شد، حدود ۲۰۰ نفر از دانشجویان، اساتید و کارکنان دانشگاه صنعتی حضور داشتند. دانشجویانی که در دانشگاه صنعتی در حال تحصیل هستند اعتقاد دارند که

این دانشگاه دارای سطح بالاتری است و این ادغام از سوی وزارت علوم موجب کاهش اعتبار و سطح علمی دانشگاه و تبدیل آن به پردیس خواهد شد.

قابل یاد آوری است که براساس ابلاغ وزارت علوم به دانشگاه بیرجند، این ادغام در راستای اجرای ماده ۳ مصوبه سیاست‌ها و ضوابط اجرایی حاکم بر آمایش آموزش عالی در کشور انجام می‌شود.

سامانه «آموزشیار» سردرگم تر از همیشه!

سامانه آموزشیار دانشگاه آزاد که تمامی فرایندهای مربوط به انتخاب واحد، پرداخت شهریه، صدور گواهی‌های مورد نیاز دانشجویان، انتقالی دانشجویان و ... در آن انجام می‌شود، روز ۲۶ مرداد فعالیت خود را به صورت آزمایشی آغاز کرد و فعالیت رسمی اش از ۱۰ شهریور شروع شد.



این سامانه آموزشی از ابتدای مهرماه ۹۹ به عنوان سامانه انتخاب واحد دانشجویان معرفی و سایر سامانه‌های دانشگاهی از دسترس خارج شد؛ اما بیش از ۸ ماه از آغاز به کار این سامانه می‌گذرد و همچنان دانشجویان با مشکلات زیادی چه برای انتخاب واحد و چه واریز شهریه مواجه هستند.

جالب است بدانید که این سامانه بدون رفع مشکلات

زیرساختی ناشی از طراحی آن به عنوان سامانه جامع دانشگاه آزاد معرفی شده است.

روز شنبه ۱۶ اسفند، سخنگوی دانشگاه آزاد در پاسخ به اینکه سامانه آموزشیار مشکل اساسی دارد و دانشجویان نمی‌توانند ثبت نام، انتخاب واحد و یا واریز شهریه داشته باشند، گفت: من در جریان مشکلات زیر ساختی نیستم، اما در مجموع این سامانه مشکلی ندارد؛ به دلیل اینکه حجم ورودی دانشجویان به سامانه زیاد است، ممکن است اختلالاتی داشته باشد؛ اما تعداد زیادی از دانشجویان تاکنون توانستند ثبت نام و انتخاب واحد خود را انجام دهند.

بیانیه فعالان دانشجویی به مناسبت روز جهانی زن

روز یکشنبه ۱۷ اسفند، فعالان دانشجویی کشور به مناسبت ۸ مارس، روز جهانی زن بیانیه ای با امضا ۱۲ تشکل و جمعی از دانشجویان سراسر کشور با عنوان «۸ مارس روز تلاش، اعتراض و مبارزه برای تحقق یک جامعه انسان محور، برابر، سکولار، آزاد و مرفه برای زنان و همه آحاد جامعه» منتشر کردند که بخشهایی از آن چنین است:

هشت مارس، روز جهانی زن امسال در حالی فرا می‌رسد که از سال گذشته تا کنون شاهد پیشرویهایی قابل ملاحظه ای در جنبش‌های جهانی زن در ایران بوده ایم که مانند بیش از چهار دهه اخیر، اعتراضات و مبارزات گسترده و شکوهمند انسانهای شریف و برابری طلب بسیاری را برای تحقق کرامت و حقوق انسانی زنان در جامعه و برخورداری از هویت مستقل اجتماعی و انسانی برای آنان را شامل می‌شده است.

زنان در ایران برای رسیدن به ابتدایی ترین حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شان با یک مقاومت بسیار شدید از جانب حاکمیت مواجه هستند. حاکمیت در تلاش بی وقفه است تا به هر روش ممکن مانع از رسیدن زنان به حقوق شان شود؛ روشهایی که قهر آمیز ترین آنها در قامت وقیح حبسهای طولانی مدت و انواع شکنجه فعالان مدافع حقوق زنان ظاهر می‌شود. البته این درجه از سرکوب مداوم، خود موید دو گزاره است؛ اول اینکه هویت و بنیان عقیدتی اینان، ضد زن است و دوم اینکه مبارزان جنبش زنان و فعالیتهای مداومی که لحظه ای قصد توقف ندارند، توانسته در لایه های مختلف جامعه ریشه دوانده و پیشروی کند.

بر این بستر بوده که طی یک سال گذشته، مبارزات زنان علیرغم تعرض و سرکوب شدید، قله های جدیدی را فتح کرده و دست آوردهای پیشین خود را هم قدرتی نو بخشیده؛ به نحوی که به رغم شیوع کرونا و سوء استفاده حاکمیت از این

وضعیت برای سرکوب جنبشهای اعتراضی، شاهد آن بوده ایم که در تمام عرصه های اجتماعی علیه حاکمیت سرکوبگر، زنان و به خصوص فعالان جنبش زن و زنان دانشجو نقش تعیین کننده ای داشته اند؛ از تجمعات بازنشستگان تا دادخواهی از جانبباختگان هواپیمای اوکراینی و آبان ۹۸ و قربانیان حکومت به وسیله اعدام و شکنجه افرادی نظیر نوید افکاری، بهنام محجوبی و روح الله زم؛ از حمایت کارگران هفت تپه و اعتصابات سراسری مراکز نفتی و پتروشیمیها در تابستان تا اعتراض نسبت به خشونت و آزار و تجاوز جنسی سازماندهی شده حکومتی علیه زنان؛ تا مبارزه بی وقفه علیه حجاب اجباری، برای حق دوچرخه سواری زنان، علیه قوانین ضد زن، برای پایان دادن به قتل‌های ناموسی و کودک همسری و مشابهات آنان که زندگی در ایران برای زنان را به جهنمی زمینی بدل کرده؛ در همه این موارد، زنان نه تنها حضور و نقش پررنگی داشته، که حتی از سازماندهندگان این اعتراضات به حق و انسانی بوده اند. نقش ما دانشجویان اما در این روند اعتراضی بسیار برجسته بوده و هست. پس از اعتراضات باشکوه ۲۳ اردیبهشت ۹۸ در دانشگاه تهران علیه حجاب اجباری که منجر به تغییری کاملاً ملموس در فضای سیاسی دانشگاه به نفع دانشجویان رادیکال و پیشرو شد؛ پس از اعتراضات سراسری آبان و دی ۹۸ که دانشجویان و علی الخصوص دانشجویان زن در آن نقش کلیدی ایفا کردند، شاهد آن بودیم که در دوران شیوع کرونا نیز دانشجویان این بار با طرح و ورود رادیکال به مساله «تجاوز» و تعرض جنسی به زنان در سلولهای انفرادی به عنوان بخشی از ساختار سرکوب نظام حاکم ایستادند و تا همین امروز در هر عرصه پیکار زنان با حکومت، جایگاه و موقعیت مبارزاتی ویژه ای را به خود اختصاص می دهند. در خاتمه دانشجویان خواسته ها و مطالبات بر حق و برابری طلبانه خود را اعلام کردند.

تجمع دانشجویان علامه طباطبایی



شماری از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی در تهران روز چهارشنبه ۲۰ اسفند، ضمن اعتراض به جنایت سپاه پاسداران در حق مردم سراوان اقدام به کاشت نهال به یاد جانبباختگان این جنایت کردند. آنها در جریان این تجمع اعتراضی بیانیه ای را قرائت کردند که در زیر می خوانید:

خبر کشتار سوختبران سراوان که به دلیل سالها ظلم، تبعیض و بی عدالتی و در پی

تامین معیشت، سوختبری می کردند و به دنبال آن کشته شدن ۲۳ نفر از معترضان به این حادثه در حالی مخابره شد که اینترنت در این مناطق بکلی قطع و راههای ارتباطی محدود شده بود. رفتار مشابهی که یادآور سرکوب و خشونت نظام مندی است که طی سالهای گذشته تفنگ را یگانه ابزار پاسخگویی به اعتراضها و نیازهای مردم رنج کشیده می داند. سراوان مانند بسیاری از شهرهای مرزی ایران از حقوق اولیه معاش انسانی بی بهره است و مردم مظلومی که با بی کفایتی حاکمیت، برای تامین نان شب شان بالاجبار به شغل‌های پر خطر کولبری و سوختبری تن داده اند، حال با دستگاه سرکوب حاکمیت حق حیات شان نیز از آنها گرفته می شود. تصاویر و فیلمهایی که از سراوان مخابره شده است گویای وضع اسفبار معیشت مردم و گزارشهایی که خبر از کشتار مردم معترض می دهد حکایت از این مساله دارد که در بر همان پاشنه قدیمی می چرخد، همان تبعیضها و بی عدالتیهایی که در دهه های گذشته سرچشمه نارضایتی و وقوع اعتراضهای پراکنده در کشور شده بود با حفظ ماهیت، اما با انباشت خشم بیشتر مردم، مولد دی ۹۶ و آبان ۹۸ شد.

تصمیم گیری برای حضور در دانشگاه به دلیل شرایط به وجود آمده از پاندمی به شدت سخت و جانکاه بود، کشتار مردم آن هم در شرایطی که اصحاب قدرت مفتضحانه درگیر سیرک انتخاباتی خود هستند، ما را بر آن داشت که به عنوان عضو

کوچکی از میلیونها انسانی که تحت ظلم و بی عدالتی قرار دارند بار دیگر در دانشگاه حضور پیدا کنیم و نسبت به این حجم عظیم ظلم و جنایت فریاد سر دهیم.

دانشجویان ۴ و نیم برابر بیشتر از مردم عادی به کرونا مبتلا شدند



مجید صفاری نیا، سرپرست دفتر مشاوره و سلامت وزارت علوم روز دوشنبه ۲۵ اسفند گفت: از زمانی که کرونا شیوع پیدا کرد، فعالیتهای گسترده ای توسط دفتر مشاوره و سلامت سازمان امور دانشجویان و مراکز مشاوره دانشگاهها صورت گرفت.

وی افزود: بر اساس آمارهای یک گزارش که از ۲۳۰ هزار نفر از دانشجویان دانشگاههای ۱۰۰ درصد دولتی به دست آمده، آمار دانشجویان مبتلا به کرونا ۵ و نیم درصد بود. او ادامه داد: یک گزارش هم از دانشگاههای پیام نور، علمی کاربردی و غیرانتفاعی تهیه شد که آمار مبتلایان بیشتر بود و به ۷ و نیم تا ۸ درصد می رسید.

سرپرست دفتر مشاوره و سلامت سازمان امور دانشجویان افزود: میانگین جمع این دو آمار نشان می دهد که ۶ و نیم درصد دانشجویان مبتلا به کرونا شده اند که در مقایسه با جمعیت عادی کشور ۴ تا ۴ و نیم برابر بیشتر مبتلا شده اند.

وزیر علوم ایران: مهاجرت ۹۰۰ استاد دانشگاه در سال ۱۳۹۸

سه شنبه ۲۶ اسفند، منصور غلامی، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری درباره مهاجرت استادان دانشگاه در سال ۹۸ گفت: «بر اساس آمار وزارت علوم از دانشگاهها اخذ کرده است ۷۴۰ عضو هیات علمی از کشور مهاجرت کرده اند و احتمالاً این آمار مهاجرت ۹۰۰ استاد دانشگاه، تجمیعی بین وزارت علوم و وزارت بهداشت بوده است».

غلامی معتقد است که برای مهاجرت فرهیختگان از کشور دو دلیل وجود دارد: شرایط اقتصادی و آمادگی کشورهای دیگر برای پذیرش این افراد که به گفته او «دارای رزومه علمی بالایی هستند».

به گفته وزیر علوم استادان ناراضی به شکلهای گوناگونی از کشور خارج شده اند: «برخی مرخصی گرفته اند، برخی همه چیز را رها کرده اند و برخی برای فرصت مطالعاتی اعزام شده اند، اما در کشور مقصد مانده اند».

دی ماه سال جاری هم ناهید خداکرمی، رئیس کمیته سلامت شورای شهر تهران گفت، بر اساس آمار سازمان ملل، در بین ۷۲ کشور در حال توسعه، ایران از نظر فرار مغزها رتبه سوم را داراست.

در همین رابطه در آبان ۱۳۹۸ سورنا ستاری، معاون علمی و فناوری رئیس جمهور ضمن بیان این که سالانه تا ۴۰ هزار تن از تحصیل کردگان ایران را ترک می کنند گفت: «بحث فرار مغزها از آن کلاههای گشادی [است] که سر کشور گذاشته اند و من می دانم که این یک حرکت سازمان دهی شده است. یک شبکه ای دارد این را به جامعه ما تزریق می کند».

(منابع استفاده شده برای تهیه این مجموعه: رادیو فردا، خبرگزاری دانشجویان ایران، تسنیم، خبرنگار (دانشجویان ایران))

کارورزان سلامت (اسفند ۹۹)

امید برهانی

چند گزارش از رسانه های رسمی در سال ۱۳۹۹

در گزارش پایانی سال ۱۳۹۹ کارورزان سلامت، نگاهی به چند سرفصل خبری مهم از ماههای آغازین و میانی این سال، همراه با چند خبر اختصاصی اسفند به خوانندگان ماهنامه نبرد خلق ارایه می شود.

کدام کشورها بیشترین حقوق را به پرستاران می دهند؟

پرستاری یکی از شغلهای دشواری است که این روزها با مشکلات و سختیهای زیادی همراه شده است. حقوق پرستاران، به خصوص در این برهه زمانی، بسیار کم تلقی می شود؛ زیرا این میزان حقوق در برابر خدماتی که انجام می دهند بسیار ناچیز است.



پرستار ممکن است در بیمارستان، کلینیک خصوصی یا محل درمانی دیگری مشغول کار باشد و هر روز آن متفاوت با روزهای قبل باشد. پرستاران مسئولیتهای مختلفی دارند و بسته به سطح تحصیلات و تخصصهای مورد نیاز حقوق متفاوتی دریافت می کنند؛ به عنوان مثال پرستارانی هستند که در اورژانس بیمارستان کار می کنند و غالباً باید با موارد تروماتیک رو به رو شوند.

اطلس جهانی گزارش می دهد که این بیماران ممکن است نیاز به بستن زخم داشته باشند و همچنین به بیمارانی که در حوادث خطرناک حضور داشته اند مشاوره دهند. از سوی دیگر، پرستارانی که کارهای مراقبت در منزل انجام می دهند اغلب با بیماران سالخورده ای مواجه می شوند که نمی توانند برای مراجعه به پزشک یا بیمارستان به راحتی از خانه خود بیرون بروند. گاهی این نوع پرستاران مراقبتهای سالمندی مثل حمام کردن فرد، تعویض پانسمان زخم و کمک به خوردن داروهای این افراد را بر عهده می گیرند.

حقوق پرستاران در سراسر جهان بسیار متفاوت است. اعتماد آنلاین در روز پنجشنبه اول خرداد ۱۳۹۹ گزارشی در مورد کشورهایی که بیشترین میانگین حقوق سالانه به پرستاران پرداخت می کنند را منتشر کرد.

*پرستارانی که در دانمارک مشغول کار هستند به دلیل دانش و مهارت شان در کار، حقوق عالی دریافت می کنند. آنها به طور متوسط ۲۰۰ هزار دلار در سال درآمد دارند. هزینه زندگی در دانمارک بسیار بالاست و رتبه چهاردهم را از بین ۲۰۹ شهر در نظرسنجی سال ۲۰۱۸ کسب کرده است. به همین دلیل حقوق و دستمزد مردم در کشور بالاست تا نیازهای زندگی روزمره را برآورده کند. دولت دانمارک به شهروندان خود مزایای بسیاری از جمله خدمات بهداشتی، مرخصی زایمان و مراقبت از کودک با کمک مالی دولت ارائه می دهد.

*لوکزامبورگ گرچه از نظر جغرافیایی کوچک است، اما با داشتن بنگاه اقتصادی قدرتمند این امر را جبران می کند. این کشور یکی از بالاترین سرانه های تولید ناخالص داخلی در جهان را دارد و مرکزی جهانی برای بانکداری یا سرمایه گذاری خصوصی است. لوکزامبورگ بین بلژیک، آلمان و فرانسه قرار دارد و دومین و بالاترین درآمد سالانه، حدود ۱۶۵ هزار دلار، به پرستاران خود ارائه می دهد. در این کشور مانند دانمارک هزینه های زندگی بالاست و به همین ترتیب حقوق بالایی برای تامین هزینه های روزمره مردم در نظر گرفته شده است. طبق یک گزارش معتبر، تقریباً نیمی از ساکنان لوکزامبورگ از کشورهای دیگر اتحادیه اروپا به آنجا رفته اند.

*ایرلند به منظور رونق بخشیدن به بنگاههای اقتصادی بر خدمات تکنولوژی پیشرفته و علوم طبیعی توجه بیشتری نشان داده است. حقوق پرستاران نیز به خاطر رونق اقتصادی افزایش یافته و به طور میانگین و بنابر نوع پرستاری ۱۰۰ هزار دلار در سال برای کار در ایرلند به پرستاران داده می شود.

*کشورهای شمال اروپا حقوق خوبی به پرستاران خود می دهند. نروژ به پرستاران امکان می دهد که در سال بیش از ۱۰۸ هزار دلار درآمد داشته باشند، اما مثل سایر کشورهای موجود در این لیست هزینه بالایی برای زندگی دارد. *پرستارانی که در هلند زندگی و کار می کنند می توانند در مقایسه با همتایان جهانی خود دستمزدی بالاتر از متوسط بگیرند. هلند می تواند کشوری جذاب برای پرستاران باشد. درآمد پرستاران در این کشور حدود ۱۰۷ هزار دلار در سال است.

موج جدید مهاجرت پرستاران

چندین ماه است که پرستاران دوشادوش یکدیگر با کرونا مبارزه می کنند و این موضوع به مرور زمان باعث ایجاد فرسایش روحی بین کادر درمانی بیمارستانها شده است. علاوه بر این مشکلات امنیت شغلی پرستاران نیز سالهاست که این قشر را مورد آزار و اذیت قرار می دهد.

با شیوع ویروس کرونا، هزاران پرستار و بهیار جان خود را در روند رسیدگی به بیماران در معرض خطر قرار داده اند اما بدون هیچ چشم داشتی در حال خدمت به بیماران هستند، با این حال عدم توجه و بی مهری مسئولان باعث شده تا موج جدید مهاجرت پرستاران آغاز شود.

بسیاری از وعده هایی که به پرستاران داده شده است، عملی نشده و این موضوع فرصت خوبی است تا کشورهای اروپایی برای جذب پرستاران و مهاجرت آسان آنها به دلیل کمبود نیروی انسانی اقدامات لازم را انجام دهند.

آرمین زارعیان، رئیس هیات مدیره نظام پرستاری تهران در روز یکشنبه ۲۰ مهر در مورد مهاجرت پرستاران گفت: وضعیت کادر درمان و مخصوصا پرستاران در هشت ماه مبارزه با ویروس کرونا به سمت فرسایشی شدن رفته است. بسیاری از پرستاران مدتهاست که خانواده خود را ندیده اند. حتی مراسم عروسی خود را لغو کردند تا در کنار مردم باشند.

رئیس هیات مدیره نظام پرستاری تهران بیان کرد: تا امروز نزدیک به ۲۰ هزار پرستار به بیماری کرونا مبتلا شدند. موضوعی که خودش نشان از فداکاری پرستاران در مقابله با کرونا است اما در مقابل شاهد عدم استخدام نیروهای قراردادی ۸۹ روزه بودیم و هیچ حمایت جدی نسبت به پرستاران صورت نگرفت.

زارعیان با اشاره به جذب نیروهای پرستار به کشورهای خارجی گفت: از زمانی که ویروس کرونا در کشورهای اروپایی شیوع پیدا کرد، به دلیل کمبود نیروهای متخصص در بیمارستانهای اروپایی شرایط ورود پرستاران را در این کشورها فراهم شد. به طوری که نمره زبان برای پذیرش برداشته شده است و پرستاران به راحتی جذب این کشورها می شوند. وی در پاسخ به این سوال که پرستاران ایرانی در کدام کشورها جذب می شوند، گفت: کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی و استرالیا بیشترین درخواست جذب پرستاران ایرانی را دارند که با توجه به شیوع ویروس کرونا و بهتر بودن شرایط مهاجرت پرستاران درخواستها مبنی بر مهاجرت پرستاران طی چند ماه اخیر افزایش چشمگیری داشته است. البته طی چند ماه اخیر بیش از هزار پرستار درخواست خروج از کشور را داشتند.

وی در مورد کمبود نیروی پرستار در تهران گفت: با توجه به اوج گیری کرونا در تهران و شلوغی بیمارستانها از بیماران کرونایی، تهران بزرگ نزدیک ۷ هزار پرستار کم دارد.

همه گیری کرونا در میان پرستاران

تا روز سه شنبه ۲۶ مهر، حدود ۶ هزار پرستار به علت ابتلا به بیماری کووید ۱۹ در مرخصی استعلاجی به سر می بردند. این خبر را حمیدرضا عزیزی، معاون سازمان نظام پرستاری اعلام کرد. او گفت: پرستاران به عنوان مدافعان خط اول مبارزه با کرونا واقعا جان خود را کف دست گرفته اند و برای مراقبت و نجات بیماران فداکاری می کنند. حدود ۷۰ هزار پرستار

طی ماههای گذشته در کشور در خط مقدم این دفاع ملی بودند و بیش از ۳۱ هزار نفر آنها به بیماری کووید ۱۹ مبتلا شده اند، حدود ۲۶ هزار نفر آنها درمان شدند اما از این تعداد ۵۴ نفر تا پایان مهر ماه جان باخته اند و البته اکنون حدود ۵ تا ۶ هزار پرستار به علت ابتلا به بیماری کووید ۱۹ در مرخصی استعلاجی هستند. وی ادامه داد: در مورد دسترسی به وسایل پیشگیرانه مانند ماسک، شیلد (محافظ صورت)، دستکش و لباس محافظ پرستاران، وضعیت نسبت به ماههای اول اپیدمی کرونا بهتر شده اما همچنان در برخی بیمارستانها گزارش هایی داریم که این اقلام به صورت سهمیه بندی به پرستاران داده می شود، این مساله شایسته نیست زیرا حداقل هایی که باید در اختیار یک رزمنده مدافع سلامت داده شود، همین لوازم حفاظتی است و باید با گشاده دستی بیشتری این اقلام در اختیار پرستاران قرار گیرد.

نگاهی به ۹۹ جانباخته سلامت کشور



عکسهایی که می بینید؛ مردان و زنان، سرمایه های ارزشمند کشور بودند؛ پزشک و پرستار و بهیار و ماما. آنان بر بالین مبتلایان کووید ۱۹ شب را به صبح دوختند و بهای این ایستادگی، جان عزیز خودشان بود که فدا شد. براساس گزارشهای رسمی تا ۱۹ آبان، ۹۹ نفر از کادر درمانی جان باخته اند. این ۹۹ نفر، برندگان خوشبخت کنکور یا خودرو یا جوایز بانک نیستند. صاحبان این عکسها مردان و زنانی هستند که پارسال، همین موقع؛ روز ۱۹ آبان، در میان ما بودند؛ دوست و همسر و برادر و خواهر و فرزند و پدر و مادر و عزیز یک خانواده بودند و حالا از آنها فقط خاطراتی باقی مانده و عکسهایی و سنگ مزاری سرد که با گذشت روزها و ساعتها، سردتر هم می شود.

این مردان و زنان مانند اغلب انسانها، امیدوار به روزهای روشن تر، برای فردای خود آرزوهایی داشتند اما امروز، همه آن آرزوها و امیدها، ذراتی از خاک گور شده و بازماندگان فقط می توانند با بازخوانی همه آنچه این مردان و زنان می خواستند باشند، دلهای بی تاب و رنجورشان را در فراق این عزیزان از دست رفته، تسکین دهند.

صاحبان این عکسها؛ زنان و مردانی که هر کدام، نابغه ای بودند که از سد سخت آزمون پزشکی و پرستاری رد شدند و حالا سنگی سرد، تنها تکه ملموس و باقیمانده از جانفشانیهای بی تکرار و ارزشمندشان شده است.

کمبود پرستار در بیمارستانهای اهواز



پیک جدید کرونا در خوزستان از هفته سوم بهمن ماه آغاز شد با شدت بیشتر نسبت به قبل ادامه دارد. دکتر فرهاد سلطانی، سرپرست معاونت درمان دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز در این مورد در روز چهارشنبه ۱۳ اسفند گفت: با توجه به این مساله در فاصله زمانی بسیار کوتاهی، شاهد تعداد بالای مراجعات به مراکز درمانی هستیم هر چند که ظرفیت بیمارستانی استان خوزستان محدود و مشخص است اما تعداد بیماران، بیشتر از ظرفیت بیمارستانی و پرستاری استان است. در این زمینه با هماهنگیهای انجام شده با روسای بیمارستانها و هیات رئیسه دانشگاه جندی شاپور اهواز، توانسته ایم این مساله را مدیریت کنیم.

وی تصریح کرد: با شروع این پیک، مجدداً همه بخشهای بیمارستان رازی اهواز به صورت کامل در اختیار بیماران کووید قرار گرفت و پس از گذشت چند روز مجبور شدیم سایر بیمارستانها را نیز به مرور وارد مدار بستری بیماران کرونایی کنیم. در این راستا، بیمارستان امیرالمومنین اهواز نیز به صورت کامل در اختیار بیماران کووید قرار گرفته است. دکتر سلطانی افزود: ویروس کرونا در حال حاضر بیشتر بخشهای جنوب خوزستان از جمله شهرستانهای آبادان، خرمشهر، دشت آزادگان، اهواز و ماهشهر را به شدت درگیر کرده و شهرهای شمالی خوزستان با وضعیت پایدارتری مواجه هستند. وی در خصوص کمبود پرستار در بیمارستانها نیز افزود: کمبود پرستار معضلی است که در کل کشور وجود دارد اما در پیکهای کرونا این مساله به صورت بارز مشهود است. این مساله به ویژه برای بخشهای مراقبت ویژه بسیار بیشتر خود را نشان می دهد زیرا تعداد پرستاران آموزش دیده برای بخشهای ویژه محدود هستند.

کارکنان سلامت بیشتر دچار اضطراب و افسردگی هستند



بیماری همه گیر کووید ۱۹ چالشهای مهمی را برای کارکنان مراقبتهای بهداشتی به وجود آورده است، بسیاری از آنها از ایمنی خود می ترسند در حالی که با فشار کاری زیاد و حمایت روانی محدود روبرو هستند.

تجزیه و تحلیل داده های بدست آمده از مطالعات متعدد قبلی نشان داد که میزان بالای افسردگی و اضطراب در میان کارکنان مراقبتهای بهداشتی در طی پاندمی وجود دارد.

محققان دانشکده پزشکی لندن با تجمیع و تجزیه و تحلیل آماری داده های به دست آمده از ۶۵ مطالعه در ۲۱ کشور، تخمین زده اند که ۲۱٫۷ درصد از کارکنان مراقبتهای بهداشتی حاضر در این مطالعات، افسردگی و ۲۲٫۱ درصد اضطراب را در طول پاندمی کووید ۱۹ تجربه کرده اند. یافته ها نشان می دهد در خاورمیانه بیشترین میزان افسردگی (۳۴/۶ درصد) و اضطراب (۲۸/۹ درصد) گزارش شده است.

این یافته ها نشان می دهد که بیماری کووید ۱۹ به طور قابل توجهی بر سلامت روان کارکنان مراقبتهای بهداشتی تأثیر گذاشته است. سازمان بهداشت جهانی هم تخمین می زند که ۴٫۴ درصد از کل جمعیت جهان افسردگی را تجربه می کنند و ۳٫۶ درصد نیز دچار اختلالات اضطرابی هستند.

خستگی کارکنان مساله واقعی است



رؤسای دانشگاهها و دانشکده های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کشور در آستانه سال جدید در نامه ای در مورد خستگی مدافعان سلامت هشدار داده اند و از مردم خواسته اند از رفتارهایی که به گسترش بیماری منجر می شود بپرهیزند.

در بخشی از این نامه آمده است: بیش از یک سال از گرفتاری جامعه جهانی و ایران به بیماری کرونا گذشت. در این مدت شما مردم شریف با شرایط سختی رو به رو بودید اما با لطف خدای مهربان و مجاهدت

فرزندانان در نظام سلامت تاکنون شدت این گرفتاری کنترل شده است. در یک سال گذشته مدافعان سلامت تمام تلاش و همت خویش را برای سلامت مردم به کار بستند تا جایی که با تقدیم صدها شهید، حماسه ای بزرگ از ایثار و فداکاری آفریدند که تحسین همگان را برانگیخته است. ما رؤسای دانشگاهها و دانشکده های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کشور در آستانه سال جدید و عید نوروز ضمن تبریک فرا رسیدن بهار طبیعت و آرزوی بهترین زندگی برای شما ملت شریف ایران، به نمایندگی از مدافعان سلامت، از مقامات تصمیم گیرنده در کشور تقاضا می کنیم که بیش از پیش به

حساسیتهای خاص نظام سلامت در مورد کنترل بیماری کرونا توجه فرمایند. اگر چه مردم شریف ایران در همراهی با نظام سلامت به کلیه توصیه ها عمل می نمایند؛ اما با توجه به شرایط کشور، انتظار داریم تصمیمهای جدی با قاطعیت و سرعت بیشتر گرفته شود و به اجرا درآید. مردم خوب ایران اطمینان داشته باشید که مدافعان سلامت جان بر کف از هیچ گونه خدمتی دریغ نخواهند نمود و در تعطیلات امسال نیز همانند تمام ۱۳ ماه گذشته دور از کانون گرم خانواده و حاضر در معرکه نبرد با کرونا به خدمت رسانی ادامه خواهند داد.

واگیر شدن ۱۲۳ نفر از کادر درمان خوزستان به کرونا طی یک هفته

رئیس دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور روز شنبه ۱۶ اسفند اعلام کرد که در طی یک هفته اخیر حدود ۱۲۳ نفر از پرستاران استان به کرونا مبتلا شدند که پنج نفر آنها در بیمارستان بستری هستند. وی افزود؛ اگر این سرمایه ها را از دست بدهیم در ارائه خدمات دچار مشکل می شویم.

در رویدادی دیگر؛ دبیرکل خانه پرستار با بیان اینکه سیاستهای غلط عامل مرگ پرستاران است، گفت: وزارت بهداشت تعداد پرستاران جانباخته به دلیل ابتلا به کرونا را ۱۰۰ نفر و نظام پرستاری ۱۱۰ نفر اعلام کرده است، این در حالیست که خانه پرستار آمار پرستاران جانباخته در پی ابتلا به کرونا را بالغ بر ۱۲۰ الی ۱۳۰ نفر می داند. محمد شریفی مقدم ضمن اشاره به اینکه در کشورهای دیگر این میزان پرستار به دلیل ابتلا به کرونا جانانشان را از دست نداده اند، افزود: وزارت بهداشت قانونی برای ممانعت از به کارگیری پرستاران باردار در بخش کرونا ندارد.

هرکتهای اعتراضی پرستاران

تجمع کارکنان شرکتی دانشگاههای علوم پزشکی کشور

روز دوشنبه ۴ اسفند، برای دومین روز جمعی از کارکنان شرکتی دانشگاههای علوم پزشکی کشور مقابل نهادهای ذیربط در استانها و دانشگاههای علوم پزشکی، خواستار توجه به مطالبات مزدی و معیشتی خود شدند. یکی از این کارکنان در ارتباط با مطالبات خود و همکاریانش گفت: مهمترین خواسته های ما، اجرای قانون بهره‌وری برای همکاران شرکتی اورژانس ۱۱۵ مثل سایر کارکنان شرکتی دانشگاه، پرداخت مبلغ فوق العاده ویژه و حذف اضافه کار اجباری تا سقف ۱۵ شیفت ۲۴ ساعته است که با این حجم ماموریت در شرایط کرونایی مزید بر مشکلات اقتصادی و تورم سرسام آور شده و گذران زندگی را برای این مدافعان سلامت جان بر کف، سخت و طاقت فرسا نموده است. شرکتهای بخش درمان می گویند: از مسئولان دانشگاهی و استانی خواهشمندیم با توجه به اینکه تمامی خواسته های ما برحق و کاملا قانونی است، به فکر چاره ای برای هرچه سریعتر حل شدن مشکلات باشند و اجازه ندهند نارضایتیها گسترده تر شود.

تجمع کارکنان شرکتی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان مقابل استانداری

روز شنبه ۱۶ اسفند، کارکنان شرکتی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان برای اعتراض به نداشتن امنیت شغلی و عدم پرداخت مطالبات شان مقابل استانداری اجتماع کردند. معترضان گفتند؛ کارکنان شرکتی هیچ امنیت شغلی ندارند و در شرایط کرونا که حتی باید حمایتهایی هم شامل حال کارکنان شود، اما الان دوماه است که هیچ قراردادی تمدید نشده است. قراردادهای که قبلا به صورت ماهانه تنظیم می شد، اما حالا پس از ۲۸ سال کار، افراد را اخراج می کنند.

تجمع کارکنان بیمارستان امام علی کرج

روز سه شنبه ۱۹ اسفند، شماری از کارکنان بیمارستان امام علی کرج در محل کار خود، دست به تجمع زدند. این کارکنان نسبت به شرایط نامناسب کاری و عدم پرداخت معوقات مزدی خود اعتراض کردند.

تجمع کارشناسان علوم آزمایشگاهی مقابل سازمان نظام پزشکی



روز چهارشنبه ۲۰ اسفند، جمعی از کارشناسان علوم آزمایشگاهی برای اعتراض به محرومیت از واکسن کرونا به دلیل عدم صدور کد نظام پزشکی دست به تجمع مقابل سازمان نظام پزشکی زدند. کارشناسان علوم آزمایشگاهی که با بیماران مبتلا به کرونا و همچنین نمونه های حلق و بینی این بیماران از نزدیک در ارتباطند، در حال حاضر به دلیل عدم صدور کد نظام پزشکی برای آنها از دریافت واکسن کرونا محرومند.

در حال حاضر با شروع همه گیری ویروس کرونا و شروع محدود واکسیناسیون کادر درمان، این ماجرا ابعاد تازه ای به خود گرفته است. این افراد که سالهاست بر سر دریافت کد نظام پزشکی اعتراض خود را اعلام کرده اند؛ حال به دلیل عدم داشتن این کد از دریافت واکسن کرونا نیز محروم مانده اند.

جانباختگان کادر درمانی در ماه اسفند

دو پرستار در باغ ملک خوزستان و قشم بر اثر ابتلا به کرونا جان باختند



بنا به گزارشی که روز شنبه ۲ اسفند منتشر شد، «حمیرا احمدی» بهورز متعهد مرکز بیمارستانی باغمک خوزستان و «طیبه صادقیان» پرستار و سوپروایزر پرتلاش بیمارستان پیامبر اعظم قشم طی ۲۴ ساعت گذشته بر اثر ابتلا به کرونا جان خود را از دست دادند.

بازهم جانباختن یک پرستار باردار



روز یکشنبه ۳ اسفند، اعضای خانواده و همکاران فرانک داودی، پرستار بیمارستان مدنی کرج در مراسمی پیکر او را که به علت ابتلا به کرونا جانباخت را به خاک سپردند. وی پرستار بخش جراحی مردان در بیمارستان مدنی کرج بود. فرانک داودی به هنگام ابتلا به کرونا در ماه هفتم بارداری بوده که بنابر تشخیص پزشکان، با عمل سزارین نوزاد او نجات پیدا می کند اما تلاشها برای زنده نگه داشتن خود او شکست می خورد.

تاکنون حدود هشت تن از مدافعان سلامت استان البرز بر اثر ابتلا به کووید ۱۹ جانباخته اند.



جانباختن پرستار جوان

مژده زیرسفی پرستار جوان شاغل در بخش مراقبتهای ویژه بیمارستان سینا در اصفهان، در حال انجام وظیفه در اثر خستگی به علت ایست قلبی در شامگاه دوشنبه ۱۱ اسفند، جانباخت. وی قبلا کرونا داشت که بهبود یافته بود.

(منابع مورد استفاده در تدوین این مجموعه: ایلنا، ایلنا، اعتماد، آنا، ایسنا، انصاف نیوز، اتحاد، خبرنگاران جوان، ایرنا، فارس، دانشجو)

زنان در مسیر رهایی (اسفند ۹۹)

اسد طاهری

اعتراض زنان آرژانتینی با بدن برهنه به خشونت علیه خود



گروهی از زنان در آرژانتین در حالی که به دور بدن برهنه خود کیسه های پلاستیکی کشیده بودند، به خشونت علیه زنان اعتراض کردند. این گروه از زنان به حفاظت نکردن پلیس از زنی ۱۸ ساله که به دست دوست پسر سابقش به قتل رسید اعتراض داشتند. این زن جوان چندبار با مراجعه به پلیس از تهدیدهای دوست پسر سابقش ابراز نگرانی کرده بود.

زنان معترض برای دقایقی به نشانه اعتراض در خیابان دراز کشیدند.

پرواز نخستین هواپیمای مسافرتی با هدایت خلبان و خدمه زن در افغانستان



اداره هوانوردی افغانستان می گوید در پروازی که خلبانان و کادر پرواز همه زنان بودند، اولین پرواز "تاریخی" از کابل به هرات و برعکس انجام شد.

زنان مسوول این پرواز افغان و غیر افغان بوده اند. به گفته قاسم وفايي زاده' رییس اداره هوانوردی افغانستان، "محدثه میرزایی"، خلبان و "ورونیکا بوریسوا"، کمک خلبان این پرواز بودند. همچنین چهار خدمه پرواز نیز همگی زن بودند.

در جنوب آسیا این اولین پرواز است که توسط زنان انجام می شود. این پرواز خود نشان دهنده توانمندی زنان افغان در عرصه هوانوردی است.

در تابستان گذشته نیز پرواز خلبانهای زن در ارتش افغانستان خبرساز شده بود. دو خلبان زن روز دوشنبه ۱۲ خرداد موفق شدند نخستین پرواز مستقل شان را با موفقیت در مسیر کابل قندوز به پایان برسانند.

دو زن در راس حزب چپ آلمان



"حزب چپ" آلمان در آخرین انتخابات سراسری خود که به صورت آنلاین صورت گرفت، دو زن را در راس حزب قرار داد: "ژانین ویسلر" و "سوزانه هنیگ ولزوف".

ژانین ویسلر پیش از این در فراکسیون حزب چپ در پارلمان ایالتی "هسن" عضویت داشته و سوزانه هنیگ ولزوف رییس این حزب در ایالت "تورینگن" بوده است. دو عضو برگزیده رهبری، حزب را به پیکار قاطعانه

فراخواندند. "کاتیا کیپینگ" و "برند ریکسینگر" از سال ۲۰۱۲ تاکنون رهبری حزب را به عهده داشتند. از ژوئن ۲۰۲۰ تاکنون انتخابات داخلی "حزب چپ" دو بار به علت گسترش پاندمی کرونا به تاخیر افتاده بود.

خانم ویسلر در سخنرانی خود مبارزه با فقر و بی عدالتی را وظیفه اصلی "حزب چپ" دانست و تاکید کرد: "سرمایه نباید پایان تاریخ باشد." خانم هنیگ ولزوف نیز در سخنرانی پیکارجویانه خود بر عزم حزب بر "بیرون راندن احزاب دموکرات مسیحی و سوسیال مسیحی از دولت فدرال" تاکید کرد.

"حزب چپ" هم اکنون حدود ۷ تا ۸ درصد آرای مردم را در اختیار دارد.

رفع ممنوعیت بکارگیری زنان در ارتش و دیگر مشاغل نظامی در عربستان

وزارت دفاع عربستان سعودی روز یکشنبه ۳ اسفند اعلام کرد که زنان این کشور می توانند از این پس برای استخدام در نیروهای مسلح پادشاهی عربستان درخواست بدهند.

زنان و مردان داوطلب می توانند از آوریل ۲۰۲۱ برای استخدام در نیروی زمینی، نیروی هوایی، نیروی دریایی و یگان موشکی راهبردی و اداره کل خدمات پزشکی وابسته به وزارت دفاع عربستان ثبت نام کنند.

براساس این اعلامیه، سن مردان نباید کمتر از ۱۷ سال و زنان کمتر ۲۱ سال باشد. حداکثر سن نیز ۴۰ سال در نظر گرفته شده است. همچنین داوطلبان نباید در هیچ ارگان دولتی مشغول به کار بوده یا با یک تبعه غیر عربستانی ازدواج کرده باشند.



پایان انحصار مردان بر دکلهای حفاری نفت در عراق

نسل جدیدی از مهندسان زن برخلاف سنتهای مردسالار در حال ورود به مشاغل عملیاتی صنعت نفت و پتروشیمی عراق هستند؛ مشاغلی که تا پیش در انحصار مردان بوده است.

"زینب امجد" و "آیت رثوتان" دو تن از این مهندسان جوان هستند. خانم

امجد مسوول نصب و بررسی کارکرد حسگرهای تشخیص نفت بر روی یک دکل حفاری فعال در جنوب عراق است و خانم رثوتان هم در استان بصره مشغول به کار است و مهندس ناظر خط مونتاژ مته های بزرگ حفاری نفت است.

این دو مهندس جوان که هر دو ۲۴ ساله و از بهترین فارغ از تحصیلان دانشگاه بصره در سال ۲۰۱۸ هستند، از جمله زنان انگشت شماری به حساب می آیند که در مقابل پذیرش مشاغل اداری صنعت نفت عراق که به زنان پیشنهاد می شود، مقاومت کرده و ترجیح داده اند هر روز کلاه ایمنی بر سر بگذارند و وارد حوزه های عملیاتی این صنعت شوند.

خانم امجد می گوید: "به من می گفتند که فقط مردان توان تحمل این شرایط کاری را دارند، ولی برای این که خلاف اعتقاد رایج را ثابت کنم، هرگز کم نمی آورم."

ریاست شش زن بر مهمترین نهادهای اقتصادی، مالی و تجاری جهان

با انتخاب خانم "انگوزی اوکونجو-ایوالا" به عنوان نخستین زن رییس سازمان تجارت جهانی، یکی دیگر از پستهای کلیدی و مهم سازمانهای اقتصادی و مالی بین المللی در اختیار زنان قرار گرفت.

در حال حاضر "کریستالینا جورجیوا" رییس صندوق بین المللی پول است، "کریستین لاگارد" ریاست بانک مرکزی اروپا را بر عهده دارد، "اودیل رنو-باسو" به عنوان رییس بانک اروپایی بازسازی و توسعه فعالیت می کند، "جنت یلن" به تازگی وزیر خزانه داری آمریکا شده و "کریستیا فریلند" نیز معاون نخست وزیر و وزیر اقتصاد کانادا است.

در حالی شاهد حضور شش زن بر مسند مهمترین نهادهای اقتصادی و مالی و تجاری جهان هستیم که زنان فعال در عرصه اقتصاد سالها با تبعیض شغلی مواجه بوده اند، اما در نهایت تعدادی از آنها توانسته اند در رشته ای که سالها در تسلط کامل مردان بوده، به سطوح بالای سیاستگذاری راه یابند.

کرونا باعث تشدید نابرابریهای شغلی بین زنان و مردان شده

نتیجه پژوهشهای مختلفی که از زمان آغاز همه گیری ویروس کرونا تاکنون انجام شده نشان می دهد که زنان به مراتب بیشتر از مردان تحت تاثیر پیامدهای بحران اقتصادی ناشی از این همه گیری قرار گرفته اند

در بررسیهای "سازمان بین المللی کار" مشخص شده که ۴۱ درصد از زنان در بخشهایی از اقتصاد فعالیت می کنند که همه گیری بیماری کووید ۱۹ بیشترین تاثیر را بر آنها گذاشته است. بنا به اعلام این نهاد وابسته به سازمان ملل متحد، بحران اقتصادی برای زنان رنگین پوست بیشتر از دیگر زنان مشکل آفرین بوده است.



تحقیق شرکت "مکنزی" که در زمینه مشاوره به شرکتها و دولتها فعالیت می کند نیز پیش از این نشان داده بود که بیش از ۲۵ درصد زنان در آمریکا به دنبال شیوع کرونا مجبور شده اند برای رسیدگی به امور خانوادگی فعالیت حرفه ای خود را متوقف کنند.

در مجموع نتیجه پژوهشهای مختلفی که درباره تاثیر همه گیری ویروس کرونا بر زندگی زنان انجام

شده نشان می دهد که این پاندمی می تواند دستاوردهای زنان در زندگی حرفه ای را که طی چند دهه به دست آمده بود، زیر سوال ببرد. این در حالی است که پیش از همه گیری کرونا نیز اغلب این دستاوردها "ناکافی" توصیف می شد. از سوی دیگر، هر چند مدیریت زنان در زمینه کنترل شیوع ویروس کرونا در بسیاری از کشورها در ابتدای همه گیری کرونا مورد توجه و تحسین قرار گرفت، اما در عمل استفاده از آنها در مسوولیتهای اجرایی و مدیریتی همچنان با محدودیتهای زیادی روبرو است، به عنوان مثال "الیزابت مورنو"، وزیر برابری زنان و مردان در دولت فرانسه، به تازگی گفته است از ۱۳ مسوول ارشدی که در دفتر "امانوئل ماکرون"، رئیس جمهوری این کشور، فعالیت می کنند، تنها یک نفر زن است.

ممنوعیت ترانه خوانی دختران در مدارس افغانستان

وزارت آموزش و پرورش افغانستان به تمام مدارس دولتی و خصوصی دستور داده است که بعد از این هیچ دختری با سن بیشتر از ۱۲ سال نمی تواند برای مخاطبان مرد ترانه بخواند. ترانه خوانی بخش مهم نظام آموزشی افغانستان است که در مراسم میهنی و مناسبتی اجرا می شود.

"نجیبه آرین"، سخنگوی وزارت معارف، دلیل این تصمیم را مشغولیت آموزشی دختران دوره متوسطه خوانده است. اما منتقدان می گویند این اقدام حرکت دیگری در راستای ترویج تبعیض جنسیتی و بستن فضای آموزشی برای دختران است.

کمیسیون حقوق بشر افغانستان نیز به ممنوعیت ترانه خوانی دختران در مدارس اعتراض کرده و گفته است: "حق آموزش، آزادی بیان و دسترسی به مهارتهای هنری از حقوق اولیه و اساسی همه کودکان بدون تبعیض مبتنی بر سن و جنس است."

به گفته معتبرترین نهاد حقوق بشری این کشور، ایجاد هر نوع محدودیت حقوق و آزادیهای کودکان خلاف اصول عمومی حقوق بشر، کنوانسیون حقوق کودک و قوانین ملی افغانستان به ویژه قانون اساسی و قانون حمایت از حقوق کودک است. پیش از این نیز وزارت آموزش و پرورش اونیفورم محافظه کارانه و سنتی و بردن کلاسهای درسی به مساجد را پیشنهاد داده بود که در پی اعتراض فعالان اجتماعی و مداخله ریاست جمهوری رد شد.

وزارت معارف افغانستان اعلام کرده بود که این وزارتخانه "ساختار خود را تغییر داده است تا اسلام جایگاه محوری در سیستم تعلیم و تربیت داشته باشد."

بیش از ۳۰۰ روزنامه نگار زن افغان به دلیل مسائل امنیتی شغل خود را ترک کرده اند

در پی ادامه خشونت شبه نظامیان در افغانستان، فدراسیون بین المللی روزنامه نگاران اعلام کرد بیش از ۳۰۰ زن روزنامه نگار در این کشور به دلیل نگرانیهای امنیتی شغل خود را کنار گذاشته اند.

نگرانی این زنان روزنامه نگار پس از مرگ شماری از زنان شاغل در رسانه های این کشور در ماه های گذشته افزایش یافته است.

در آخرین مورد، سه کارمند زن تلویزیون خصوصی "انعکاس" در دو حمله جداگانه در شهر جلال آباد، مرکز ولایت ننگرهار، کشته شدند و گروه داعش مسوولیت این حمله ها را پذیرفت.



"آنتونی بلانگر"، دبیرکل فدراسیون بین المللی روزنامه نگاران با ابراز نگرانی از افزایش خشونت علیه روزنامه نگاران زن در افغانستان گفت: "دولت افغانستان باید تلاش خود را برای محافظت از روزنامه نگاران که هر روز جان خود را به خطر می اندازند تا کشور را مطلع کنند، افزایش دهد."

کمیته ایمنی روزنامه نگاران افغانستان نیز گزارش داده که چندین خبرنگار زن از ۳۴ ولایت به دلیل تهدیدها و آزارهایی

که متحمل شده اند، این کشور را ترک کرده اند. در این گزارش همچنین موج اخیر "قتلهای سیستماتیک" به عنوان یکی از دلایل اصلی توقف کار زنان عنوان شده است.

کمیته ایمنی روزنامه نگاران افغانستان اعلام کرده: "روزنامه نگاران زن باقیمانده در رسانه ها خواستار اجرای اقدامات ایمنی بیشتر برای ادامه کار هستند."

این در حالی است که بر اساس این گزارش، شماری از کارفرمایان رسانه ها در افغانستان ادعا می کنند دیگر نمی توانند روزنامه نگاران زن را به دلیل ترس از امنیت آنها استخدام کنند.

دستکم ۱۰ خبرنگار و کارمند رسانه ای از جمله الیاس داعی، خبرنگار "رادیو آزادی"، در حمله های هدفمند در افغانستان در سال جاری خورشیدی کشته شده اند.

جنبش "من هم" در جهان عرب

در سال ۲۰۲۰ شمار زیادی از زنان جهان عرب موارد تعرض جنسی نسبت به خود را آشکارا در شبکه های اجتماعی به اشتراک گذاشتند؛ موضوعی که از آن به عنوان فراگیری جنبش "من هم" در جهان عرب یاد می شود.

این تغییر گفتمان در شبکه های اجتماعی نشان می دهد صحبت کردن از تجربه آزار جنسی برای زنان قربانی در کشورهای عربی دیگر حرکتی شرم آور به حساب نمی آید. کمپینهای آنلاین در بسیاری کشورها از جمله مصر، تونس و کویت در میان بازماندگان خشونت جنسی در این کشورها

حس همبستگی ایجاد کرده و در مواردی هم آزارگران را پای میز محاکمه کشانده است.

به گزارش بخش زنان سازمان ملل متحد، حدود ۳۷ درصد از زنان عرب در دوران زندگی خود نوعی از خشونت، چه به شکل خشونت خانگی و چه در قالب آزار جنسی را تجربه کرده اند. این نهاد می گوید: "در کشورهای عربی در صورتی که فرد متجاوز با قربانی ازدواج کند، بیشتر اوقات مشمول تخفیف مجازات و حتی عفو می شود."

به گفته این نهاد، برخی از کشورها مجبور به لغو قوانین جزیایی شدند که به قربانیان اجازه می داد از پیگرد قانونی جلوگیری کنند. یکی از این کشورها مراکش است که سال ۲۰۱۴ به دنبال خودکشی زنی که برای ازدواج با فرد متجاوز به خود تحت فشار قرار گرفته بود، مجبور به این کار شد.



رویدادهای هنری ماه (اسفند ۹۹)

فتح الله کیائیها

در میخانه به بستند خدایا مپسند
 که در خانه تزویر و ریا بگشایند
 حافظ این خرقة پشمینه به بینی فردا
 که چه زنار ز زیرش به جفا بگشایند

حاصل اندیشه های هنری ولایت فقیه و کارگزاران ریز و درشتش در امور هنری و صرف هزینه های چندین و چند میلیارد تومانی اش برای اشاعه فرهنگ ناب اسلامی / آخوندی در طول چهل و دو سال گذشته، می شود ویدئو موزیک "تهران - توکیو" ساسی مانکن و استقبال پر سر و صدا از آن. آیا حاصل بگیر و به بند و ضرب و شتم هنرمندان اصیل و خانه نشین کردن آنها، غیر از این می تواند باشد؟

سینما

دولت چین با سانسور به جنگ سینما می رود



دایره تبلیغات حزب کمونیست چین در ابلاغیه ای که اخیراً صادر کرده به همه رسانه های این کشور دستور داده که از پخش مراسم اسکار که ماه آینده برگزار می شود در زمان برپایی آن خودداری کنند و بخش اهدای جوایز را به صورت محدود پوشش دهند.

اقدام دولت چین در پی معرفی مستندی به نام "متفرق نشوید" به عنوان نامزد بهترین فیلم مستند کوتاه در اسکار ۲۰۲۱ صورت می گیرد. این فیلم توسط "آندرس هلمز"، روزنامه نگار نروژی، از اعتراضات مردم هنگ کنگ تهیه شده است.

لازم به ذکر است که فیلم "دیار خانه به دوشها" ساخته "کلوی ژائو"، کارگردان چینی - آمریکایی هم که در شش بخش از جوایز اسکار نامزد کسب جایزه شده و پیشتر جایزه "گلدن گلوب" بهترین فیلم و کارگردانی را نیز کسب کرده، به دلیل بازنشر یک مصاحبه قدیمی از کارگردان آن مورد حمله مقامات چینی قرار گرفته است. خانم ژائو در گفت و گویی از او در سال ۲۰۱۳ که به تازگی باز نشر شده، چین را کشوری این گونه معرفی کرده بود: "جایی که در همه جا دروغ هست."

اولین سیاهپوست رییس هیات داوران جشنواره کن شد



"اسپایک لی"، از برجسته ترین سینماگران معاصر ایالات متحده، به عنوان رییس هیات داوران هفتاد و چهارمین جشنواره بین المللی فیلم کن معرفی شد. "پیر لسکور"، رییس این جشنواره در باره او گفت: "نمی توان شخصیتی قدرتمندتر از او برای همراهی ما در این دوران آشفته یافت."

این فیلمساز ۶۳ ساله که در کارنامه هنری خود فیلم بلند "می خواهد به دستش بیاورد"، برنده جایزه سال ۱۹۸۶ در بخش دو هفته کارگردانان کن، "مالکوم ایکس" و فیلم "کلانس من سیاه"، برنده جایزه بزرگ کن در سال

۲۰۱۸ را دارد، قرار بود در راس هیات داوران هفتادوسومین دوره جشنواره کن قرار بگیرد، اما این رویداد مهم سینمایی هم مانند اکثر برنامه های هنری سال گذشته به دلیل پاندمی کرونا لغو شد.

اعلام اسامی نامزدهای اسکار ۹۳

آکادمی علوم و هنرهای سینمایی، اسامی نامزدهای نود و سومین مراسم اهدای جوایز اسکار را اعلام کرد. با وجود ناکامی نماینده جمهوری اسلامی برای بخش فیلمهای خارجی، یک ایرانی در بین نامزدهای یکی از بخشهای اسکار قرار گرفته است.

رامین بحرانی، ۴۵ ساله، هنرمند ایرانی - آمریکایی برای فیلم "ببر سفید" در بخش فیلمنامه اقتباسی، در بین نامزدهای نهایی اسکار قرار گرفت. فیلم "خورشید"، ساخته مجید مجیدی نماینده سینمای جمهوری اسلامی، به مرحله پایانی نرسید.

اسامی نامزدهای امسال در جریان یک برنامه ویژه اینترنتی و توسط "نیک جوناس"، خواننده آمریکایی، و همسرش "پریانکا چوپرا" اعلام شد. از نکات جالب توجه، حضور چشمگیر محصولات شبکه های پخش اینترنتی مانند "نتفلیکس" و "آمازون" در فهرست نامزدهای جوایز اسکار است. این دو شرکت را می توان از جمله خوش شانس ترین شرکتهای تهیه و نمایش فیلم دانست که در سایه ویروس همه گیر کرونا توانستند خود را در عرصه سینما به خوبی جا بیندازند.

"جنجال بداقبال یا پورن دیوانه" برنده خرس برلینانه



داوران هفتاد و یکمین دوره جشنواره فیلم برلین برندگان جوایز این دوره را به صورت ارتباط ویدیویی اعلام کردند که بر اساس آن فیلم "جنجال بداقبال یا پورن دیوانه" ساخته "رادو جود" از رومانی به عنوان برنده "خرس طلایی" بهترین فیلم معرفی شد. محمد رسول اف، یکی از شش داور امسال این جشنواره بود.

آقای جود در این فیلم نگاهی به شدت انتقادی پیرامون فرهنگ و مناسبات اجتماعی حاکم بر کشورش دارد. داستان این فیلم درباره انتشار فیلم رابطه جنسی یک

معلم میانسال زن در اینترنت است که منجر به واکنشهای شدید والدین می شود. فیلم روایتی به شدت بی پروا و بدون پرده پوشی در انتقاد از فرهنگ و ارزشهای جنسیت زده حاکم دارد.

مراسم سینمایی سزار و اعتراضی بی پرده به سیاستهای هنری دولت



چهل و ششمین مراسم اعطای جایزه "سزار" امسال با ماجرای جنجال برانگیز همراه بود. "کورین ماسیرو"، بازیگر فرانسوی، که برای تقدیم جایزه بهترین جامه به روی صحنه رفته بود، فرصت را برای اعتراضی پرهیجان غنیمت شمرد. او لباسی خون آلود را از تن جدا کرد و شعار روی بدنش را به نمایش گذاشت: "بدون فرهنگ، بدون آینده!" و روی کمرش هم شعاری خطاب به "ژان کاستکس"، نخست وزیر فرانسه، نوشته بود: "هنر را به ما برگردان، ژان!"

این حرکت جنجال برانگیز که روی سن سالن معروف "المپیا" رخ داد، بازتاب گوشه ای از ناخرسندی اهل فرهنگ و هنر فرانسه از سیاست فرهنگی دولت در قبال بحران کرونا است. پیش از این اقدام، "مارینا فوا"، هنرپیشه و گرداننده مراسم

سزار، نیز با لحنی تمسخرآمیز به تندی از "روزلین باشلو"، وزیر فرهنگ فرانسه، انتقاد کرد. اکنون ماههاست که تمام مراکز فرهنگی مانند موزه ها و تئاترها و سینماها تعطیل هستند.

جایزه سزار بهترین فیلم به "خداحافظ، احمقها" به کارگردانی "آلبر دوپونتل" تعلق گرفت. این فیلم داستان زنی به شدت بیمار است که در ۴۳ سالگی در پی یافتن دختر گمشده خود برمی آید؛ او زمانی که تنها ۱۵ سال داشته با فشار والدین خود نوزاد را به دیگران سپرده است. دوپونتل نیز جایزه بهترین کارگردانی را گرفت.

قابل ذکر است که سال گذشته نیز مراسم سزار با جنجالی بزرگ همراه شده بود. هیات ژوری تصمیم داشت جایزه بهترین کارگردانی را به "رومن پولانسکی" تقدیم کند، درحالی که عده زیادی از مخالفان روبروی سالن برگزاری مراسم تجمع کرده بودند و او را به خاطر تجاوز به دختری سیزده ساله، برای دریافت جایزه سزار ناشایست می دانستند.

موسیقی

مراسم هشتاد سالگی اسفندیار منفردزاده در فضای مجازی



جمعی از دوستان و دوستداران اسفندیار منفردزاده روز شنبه ۲۳ اسفند با برگزاری مراسمی مجازی و با حضور وی، هشتادمین زادروز این هنرمند سرشناس ایرانی را گرامی داشتند. اسفندیار منفردزاده، موسیقی دان، آهنگساز، و تنظیم کننده نامدار ایرانی، طی نزدیک شش دهه فعالیت هنری، برخی از ماندگارترین آثار موسیقی ایران را خلق کرده است.

در این برنامه دو ساعته کلیپی از آثار ماندگار اسفندیار منفردزاده پخش شد و هادی خرسندی، شاعر و طنزپرداز

برجسته، در پیامی صوتی با اشاره به دوستی دیرینه خود با آقای منفردزاده گفت که او همچنان به آرمانهای دوره نوجوانی اش وفادار است.

در این برنامه شخصیت‌های مختلف هنری از جمله رضا علامه زاده، شهریار قنبری، ناصر رحمانی نژاد، باقر مودن، تقی مختار، در باره او و شخصیت انسانی - هنری اش صحبت کرده و آثاری از خود را به او تقدیم کردند.

این مراسم با پیام تصویری خانم شیرین مهبد و فیلمی از اجرای دونفره او با اسفندیار منفردزاده دنبال شد. انسان بودن و آزاده بودن و آزادیخواهی اسفندیار منفردزاده، محور پیام تبریک ناصر زراعتی، منتقد سینما، بود که در ادامه پخش شد.

"بعد از غیبت، باید بازگردی"



نام ترانه ایست که این روزها در شبکه های اجتماعی یوتیوب مورد استقبال بی نظیر مردم عراق و عرب زبانان قرار گرفته و نشان می دهد که موسیقی، پیری نمی شناسد.

"الهام المدفعی" که علاقمندان او را "بیتل عراق" می نامند، آهنگساز، ترانه سرا، خواننده و گیتاریست عراقی است که با سبک ترکیبی خود از موسیقی غربی (فلامنکو و راک) و موسیقی سنتی عراق در سراسر خاورمیانه و کشورهای عربی مشهور شده است. او اینک و پس از یک سال سکوت موسیقایی، موزیک ویدیو جدیدی به نام "بعد الغیاب لازم تعود" (بعد از غیبت، باید بازگردی) را که همراه

با "نادین خالدی" خواننده، در شبکه های اجتماعی و یوتیوب منتشر کرده است. متن ترانه را "عمر ساری"، شاعر جوان اردنی، سروده و آهنگسازی آن نیز کار خود الهام المدفعی است.

این ستاره موسیقی عراقی که اکنون در شهر امان، پایتخت اردن، زندگی می کند، با انتشار این ترانه نشان داد که چشمه خلاقیت هنری اش همچنان در ۷۹ سالگی جوشان است:

پس از غیبت، باید بازگردی،
روبای تو یک ابر است،
غم تو یک سراب.
با مهربانی بازگرد،
صدایت در گوشه‌هایم می پیچد،
غم را رها کن،
گلایه را به فراموشی بسپار...

زنان جایزه "گرمی" را درو کردند



"بیانسه" با ترانه "رژه سیاه"، برای بیست و هشتمین بار و "نیلور سویفت" با آلبوم "فلکور"، برای سومین بار عنوان بهترین آلبوم سال را از آن خود کردند. در این مراسم که با محدودیتهای کرونایی در لس آنجلس برگزار شد، به دنبال سالی پرماجرا رنگ سیاسی به خود گرفت.

گویا امسال سال در خشش زنان بود. آنها توانستند همه جوایز برجسته را از آن خود کنند. "مگان دی ستلیون" که روی هم سه جایزه دریافت کرد،

اولین زنی بود که در سبک رپ برنده جایزه شد و "هر" (H.E.R.) خواننده ۲۳ ساله آمریکایی برنده بهترین آهنگ سال اعلام شد. او روح زمانه را در آهنگ "نمی توانم نفس بکشم" پژواک داده بود. زمانی که جورج فلوید، شهروند سیاه پوست مینه سوتا، زیر زانوی مامور پلیس به خفقان افتاده بود، همین عبارت را به زبان آورد که به یکی از شعارهای اصلی جنبش اعتراضی "زندگی سیاهان مهم است" بدل شد.

"بیلی آیلیش"، خواننده ۱۹ ساله، برای ترانه "هرآنچه می خواستم" جایزه ای از آن خود کرد و "هری استایلز" جایزه بهترین اجرای موسیقی پاپ را برنده شد.

تصمیم طالبانی زیر چتر جمهوریت



بر اساس تصمیم وزارت معارف افغانستان، خواندن سرود ملی یا دیگر ترانه ها و سرودها برای دختران از سن ۱۲ سالگی در اماکن عمومی ممنوع شده است. اجازه آواز خواندن به آنها تنها در صورتی که جمع کاملاً زنانه باشد، داده شده است. این ممنوعیت شامل حال همه مدارس دولتی و خصوصی می شود.

این دستور موجی از واکنش سازمانها و فعالان حقوق بشری و مدنی را در پی داشته است. کمیسیون حقوق بشر افغانستان از ممنوعیت

آوازخوانی برای دختران دبستانی در ملاء عام به شدت انتقاد کرد. این دستور در شبکه های اجتماعی هم واکنش شدید کاربران را به همراه داشت. بسیاری از کاربران زن افغانستان در اعتراض به این تصمیم، آواز خواندند و کلیپهای خود را در شبکه های اجتماعی منتشر کردند. در یکی از این توییتها می خوانیم: "بیایید در برابر طالبان درون نظام بایستیم. کسانی که جمهوریت را خوراک قدرت طلبی کرده اند."



پیروزی خواننده تاجیک و اعتراض راست گرایان روس

پیروزی یک آوازخوان تاجیک تبار در مسابقه یوروویژن روسیه به بحثهای نژادی و ملی گرایانه داغی در محافل سیاسی و فرهنگی و فضای مجازی این کشور دامن زده است. حتی برخی از سیاستمداران روس با اشاره به خاستگاه و گرایشهای فکری این آوازخوان، از نتیجه این مسابقه ابراز ناخوشنودی کرده اند.

"منیژه سنگین"، آوازخوان تاجیک مقیم روسیه، روز ۸ مارس با اجرای

ترانه ای با نام "زن روس" در مسابقه نهایی "یوروویژن" روسیه بیشترین امتیاز را به دست آورد و پیروز اعلام شد.

دو گروه دیگر با نامهای "توماشی" و "ترمایتز" با رای تماشاگران دوم و سوم شدند. بدین ترتیب، منیژه سنگین برای شرکت در مسابقه نهایی یوروویژن از روسیه نامزد شد.

وی پس از اجرای این ترانه به شبکه "یوروویژن تی وی" گفته است: "این ترانه در باره تحول خودآگاهی زن طی سده های گذشته در روسیه است. زن روس راه شگفت انگیزی را از یک کلبه دهقانی به سمت حق انتخاب کردن و انتخاب شدن (از اولین موارد در جهان) و از کارگاههای تولیدی تا پرواز به فضا طی کرده است."

وی به عنوان یک کنشگر حقوق زنان در روسیه شناخته می شود و دو سال پیش به راه اندازی نرم افزاری برای تلفنهای همراه با نام "سلسله" برای زنان قربانی خشونت کمک کرد. او در نمانگی با نام "مادر" هم موضوع زن آزاری در روسیه را مطرح کرد. راست گرایان روسیه با توجه به فعالیتهای منیژه سنگین در حمایت از زنان و دگرباشان، آهنگهای او را سنت شکنانه و مبلغ فرهنگ "بیگانه" و در تضاد با سنتهای رایج در روسیه قلمداد می کنند. "گریگوری ایگنات یف"، مقاله نویس تارنمای روسی "ژورنالیستسکایا پراودا" نوشته: "ترانه "زن روس" منیژه و اندیشه هایی که در آن مطرح می شود، یک فاجعه است. این، یک نبرد باخته دیگر است برای هنجارمندی، برای ارزشهای سنتی جامعه ما و یک پیروزی دیگر برای افراط گرایی فمینیستی."

این روزنامه نگار روس افزوده که فمینیسم "ابزاری قوی" در دست نیروهای ضدروس است و بعید نیست "اروپاییهای روشنفکر" جایزه اصلی یوروویژن را به منیژه بدهند.

گالری

نمایشگاه رنگ و کاغذ در کابل

نهاد فرهنگی و ادبی "چیستا" با همکاری دانشگاه خصوصی "رنا"، نمایشگاه "رنگ و کاغذ" را در کابل برگزار کرد. مسوولان این برنامه هنری و فرهنگی، هدف از نمایشگاه "رنگ و کاغذ" را به نمایش گذاشتن استعدادهای شهروندان افغانستان و به ویژه جوانان، در زمینه های مختلف مانند طراحی، نقاشی، خطاطی، نویسندگی و... عنوان کردند. برگزارکنندگان، با اشاره به نمایش دهها اثر هنری از جوانان دارای مهارتهای عالی افغان در نمایشگاه رنگ و کاغذ، از استقبال و تشویق شرکت کنندگان خبر دادند و افزودند: "آرزو داریم که صدها نمایشگاه دیگر مانند این در سراسر افغانستان برگزار شود."

"استوری رسولی"، عضو کمیته "چیستا" و یکی از برگزارکنندگان نمایشگاه، درباره هدف برگزاری این برنامه هنری و فرهنگی گفت: "ما تلاش کردیم تا با برگزاری این برنامه، استعدادهای جوانان کشور خود را به نمایش بگذاریم، زیرا جوانان کشور ما چه دختران و چه پسران، مانند سایر جوانان کشورهای پیشرفته، استعداد و تواناییهای بسیاری دارند و اگر فرصت مناسب برایشان فراهم شود، بدون شک مانند امروز تواناییهای خارق العاده خود را نشان خواهند داد."

چریک

داستان کوتاه

م . وحیدی



موهایم را در دستش گرفته بود و با مشت ولگد آنقدر به شکم و پهلوهایم زد که بچه ام سقط شد و از بین رفت. بعد هم که با کابل به جانم افتادند و آنقدر زدند که مرگ را جلوی چشمهایم دیدم. مگر گناه من چه بود؟ چکار کرده بودم که این گونه با من رفتار می کردند؟ مال چه کسی را خورده یا برده بودم و یا چه کسی راکشته بودم؟ هیچ! جرمم این بود که با «مهری» دوست بودم. همین! یکی دو بار هم آمده بود خانه مان و چند تا کتاب برایم آورده بود که بخوانم.

هرچه به ماموران می گفتم: «والله بالله!... هیچ چیز دیگری بین ما نبوده و هیچ رابطه خاصی با هم نداشتیم» قبول نمی کردند و فقط می زدند و ناسزا می گفتند.

من نمی دانستم مهری تو یک سازمان سیاسی فعالیت می کند و تو کارخانه دنبال عضو گیری است. من سرم تو کار خودم بود و کاری به این کارها نداشتم. آدمی بودم که صبح می رفتم سرکارم و غروب برمی گشتم خانه. آن روز صبح هم تو کارخانه بودم و داشتم دوکهای نخ ریزی را از رو قرقره ها جدا می کردم که یک دفعه چند نفر آمدند دوروبرم را گرفتند و یکی شان خودش را «مامور دادستانی» معرفی کرد و کاغذی از جیبش در آورد و نشانم داد و گفت: «چن دقیقه همراه ما بیا!» و اضافه کرد: «نگران نباش! زود برمی گردی!»

من تعجب کردم و حاج و واج نگاه شان کردم و ناباورانه گفتم: «برای چی؟ مگه چیزی شده؟ دادستانی برای چی؟» و از این حرفها؛ که یارو در آمد گفت: «نه!

چیزی نشده... فقط چن تا سوال ازتون می پرسیم بعد برمی گردید سر کارتون... زیاد طول نمی کشه!»

دودل بودم و ته قلبم باور نداشت که راست می گویند. این پا و آن پا کردم ولی چیزی نگفتم که یارو گفت: «لطفاً عجله کنید!... ماشین بیرون منتظره!... زیاد فرصت نداریم... کارمون که تموم شه خودمون برتون می گردونیم.»

تمرکز نداشتم و فکرم قاطی پاطی بود. گفتم: «خیلی خب باشه!... بذارید لباسمو عوض کنم و به سرکارگر اطلاع بدم بعد بریم!» که یکی شان گفت: «نیازی نیست!... ما اطلاع داده ایم... همین لباستونم خوبه... راه بیفتید!»

قلبم ناخواسته می زد و تشویش داشتم و رفتم بیرون تو خیابان که آفتاب گرمی می تابید و نسیم خنکی می وزید. یک ماشین سواری ایستاده بود با دو سرنشین که یکی شان زنی چادری بود و جلو نشسته بود و پیاده شد بدنم را گشت و سوار شدیم رفتیم. یک مامور این طرف و یکی هم آن طرفم نشست و من خودم را جمع و جور کردم و نشستم. هنوز راه نیافتاده، از پشت بهم دستبند زدند و چشمهام را بستند و من واکنش نشان دادم و ناراحت شدم و گفتم: «چرا دستبند می زنید؟ چرا این کارها را می کنید؟ مگه من چیکار کرده ام؟» و افزودم: «اصلاً منو کجا می برید؟ شما کی هستید؟» که یکی شان تشر زد:

« ساکت!... صحبت نکن! »

و پس کله ام را فشار داد به سمت پایین که گردنم درد گرفت و در همان حال گفتم: «ساکت نمی شم!... شما کی هستید؟ حق ندارید این طوری رفتار کنید!»

که مامور با دریدگی گفت: «خفه میشی یا خفت کنم؟... گفتم ساکت!»

تشنج گرفته بودم و دست و پام می لرزید. تا وقتی که رسیدیم به یک جای پر درختی که صدای قارقار کلاغها شنیده می شد و هوا بوی رطوبت و نم می داد.

از ماشین پیاده ام کردند و زَنک، دستم را گرفت و همراه خودش می کشید می برد. وسط راه تلاش کردم از زیرچشم بندم اطرافم را نگاه کنم که ببینم کجا می برندم که یکهو یکی شان یک پس گردنی بهم زد و آمرانه گفت: «سرتو بگیر پایین!... راحت راه برو!»

کورمال کورمال همراه شان کشیده می شدم و می رفتم و وارد ساختمانی بی سر و صدا شدیم و از چند پله و راهرو بالا و پایین رفتیم و رسیدیم به اتاقی که درش را با صدای جیر جیر باز کردند و هلم دادند تو که خوردم زمین و آمدند چشم بند و دستهایم را باز کردند و رفتند بیرون. چند دقیقه بعد یک صندلی برایم آوردند و ماموری با صندلی دیگری از راه رسید و آمد روبرویم نشست. اتاق نیمه تاریک بود و بوی لش مرده می داد و حال تهوع گرفته بودم. مامور سرپایم را نگاه کرد و خون سرد گفت: «خب خانم چریک!... خوش اومدی!... چه عجب از این طرفا!»

صورتش را پوشانده بود و فقط چشمها و دهانش پیدا بود. من چیزی نگفتم و سرم پایین بود. او ادامه داد: «لابد فکر نمی کردی به این راحتی دستگیر بشی هان؟»

و نفس کوتاهی کشید و جلوتر آمد خیره شد بهم. من که چند ماهه آبستن بودم و شکمم درد گرفته و بی طاقت بودم، گفتم: «من نمی فهمم شما چی می گید؟!... چریک کیه؟ فکر کنم اشتباهی گرفتید؟!»

یارو پقی زد زیر خنده و گفت: «اشتباهی؟!... هر کی میاد اینجا همینو میگه... بعضیها که می گن ما را سرنماز گرفتن آوردن این جا!... ببین!... بازی تموم شد دیگه!... چیزی رو نمی تونی پنهون کنی!... ما همه چیزو می دونیم... سعی نکن چیزی را مخفی کنی!... اگه می خوای زنده از این اتاق خارج شی... فقط باید حرف بزنی و به سوالات ما جواب بدی و بگی مهتری کجاست و قرارهاتون را کجا می داشتید؟!»

درمانده گفتم: «چرا سراغ مهتری را از من می گیرید؟ من از کجا باید بدونم اون کجاست... مگه هرجامی رفت به من می گفت... ما رابطه خاصی باهم نداشتیم... فقط تو کارخونه باهم کارمی کردیم... قراری هم بیرون نمی داشتیم... یعنی کاری نداشتیم که بیرون قرار بذاریم.»

اتاق نیمه تاریک بود و کم نوری چشمهام را اذیت می کرد. مامورگفت:

«همه می دونن تو بیشتر از بقیه با او دوست بودی و حتی رفت و اومد خانوادگی داشتید... بنابراین الان باید بدونی اون کجاست؟!»

مکث کوتاهی کرد و گفت: «آخرین بار کی دیدیش؟»

سوالاتش آزاردهنده بود. بی حوصله گفتم: «آخرین بار هفته گذشته دیدمش ... موقع ناهار تو کارخونه... بعد از ظهرش که رفت دیگه ندیدمش... و از اون روز تا حالا هم دیگه خبری ازش ندارم.»

مامور بلند شد به قدم زدن پرداخت و در همان حال گفت: «دلَم برات می سوزه! ... چون حرف نمی زنی و این به ضررت تموم میشه!»

آشفته گفتم: «والله به خدا من هرچی می دونستم گفتم!... چیزی برای پنهان کردن ندارم. درسته دوست بودیم. یه جا کار می کردیم؛ دو سه بار هم آمده بود خونه مون ... ولی اینا دلیل نمیشه که من بدونم الان اون کجاست؟ هرجا می رفت که به من اطلاع نمی داد... آدرسی هم به من نداده.»

مامور لحظاتی ایستاد بالا سرم. درست روبرویم. هیكل درشت و بد قواره ای داشت. برخلاف هیکلش آرام گفت: «قرارهاتونو کجا می داشتید؟»

سوالاتش مثل سیخ فرو می رفت تو پهلوهام و جیغم را درمی آورد. گفتم:

«کدوم قرار؟ ما باهم قراری نداشتیم ... گفتیم که کاری نداشتیم که جایی قرار بذاریم ... هرچی بود تو کارخونه بود ... چرا! ... یکی دو بار هم اومده بود خونمون و چن تا کتاب برام آورده بود...همین!»

سرگیجه گرفته بودم و هوای آلوده اتاق نفسم را گرفته بود. شکمم دردش بیشتر شده بود. مامور با تحکم گفت: «گوش کن!...بازی درنیار!... دست شماها رو است...این حرفا هم به درد عمه ات می خوره!..اگه درست جواب ندی ... طور دیگه ای باهات رفتار می کنم!»

پیشیده گفتم: «من یه کارگرم...صبح می رم سرکار، غروب بر می گردم خونه ...از سیاست و حکومت هم چیزی نمی فهمم...الان هم باردارم و شکمم درد گرفته ... هرچی بود می دونستم گفتم».

حرفهام تمام نشده بود که یک سیلی محکم آمد بیخ گوشم نشست و تعادل را بهم زد و از صندلی پرتم کرد زمین. یارو خم شد موهام را چنگ زد بلندم کرد و بامشت و لگد افتاد به جانم. جیغ و داد کردم و فریاد کشیدم که یارو گفت: «هرچی می خواهی جیغ و داد کن و فریاد بکش! ... اینجا کسی صداتو نمی شنوه!»

و لگد هاش را محکم تر به چپ و راستم می زد و نعره می کشید: «تو جای مهری را میدونی ولی نمیخواهی بگی!» در اتاق باز شد و نیمکتی آوردند گذاشتند وسط اتاق و مرا بلندم کردند و طاقباز خواباندم روی آن و با طناب محکم دست و پاهایم را بستند و یک دستم را باز گذاشتند و گفتند: «هروقت خواستی حرف بزنی...این دستتو بلند می کنی!»

و شروع کردند با کابل زدن. با اولین ضربه کابل انگار برقی قوی به بدنم وصل شد و با نیمکت از جا بلند شدم. ضربه های بعدی پشت سرهم فرود می آمدند و نیش کابلها تا ساق پاها و زیر زانوهایم می رسیدند. بازجو می غرید: « فکر کردی چون زن هستی بهت رحم می کنیم؟ ... شماها بدتر از مرداتون هستید!...به روح امام قسم اگه حرف نزن زنی زیرکابل تیکه تیکه ات می کنم!»

من بیهوش شدم و بایک سطل آب بهوشم آوردند و دو باره شروع کردند به زدن. مامور برافروخته و مثل گراز نعره می کشید: «یا حرف می زنی ... یا جواب سوالاتمو از کف پاهات می کشم بیرون»!؟

من مرگ را جلو چشمهام احساس کردم و نفسهای آخر را می کشیدم. دستم را بلند کردم و گفتم: «من کاری نکردم...شما اشتباه می کنید!...من بچه دارم... رحم کنید!»

هرچه بیشتر می گفتم و قسم می خوردم، بیشتر می زدند و دو نفری کابل را دست به دست می کردند و یکی شان با یک چیز نوک تیز می فرو می کرد به کف پاهام و من باز بیهوش می شدم و بهوشم می آوردند. تا این که دیگر چیزی نفهمیدم و از حال رفتم. وقتی چشم باز کردم دیدم گوشه سلول افتاده ام و پاهایم خونین و ورم کرده ست و نمی توانم تکان بخورم. در باز شد و یکی شان با یک میله آهنی آمد تو ایستاد بالا سرم و چند بار کوبید به پشتم و گفت: «پاشو! ... پاشو راه برو تا باد پاهات بخوابه! ...تا شب دوباره پربادش کنیم».

و باکفشش فشار داد روی پاهام. ناله خفیفی کردم و نفهمیدم چه شد و از حال رفتم و وقتی چشم باز کردم دیدم رو تخت بیمارستان خوابیده ام و مادرم بالای سرم است و گریه می کند. اتاق دور سرم می چرخید و سردرد شدیدی داشتم. مادرم گفت: «خدارا شکر که خودت زنده و سالم هستی ...ولی بچه ات...!» گریه ام گرفت ولی کاری نمی توانستم انجام دهم. به قاب پنجره اتاق نگاه کردم و شاخه های درختانی که به شیشه می خوردند. نزدیک بهار بود و بوی خوشی تو هوا پراکنده بود. به مهری فکر کردم و کتابهایی که برایم آورده بود و گفتم وقتی به خانه بروم، کتابهای او را می خوانم که ببینم چه نوشته شده که ماموران این قدر دنبال او هستند و از او می ترسند و آرزو کردم هرکجا هست، سالم و سلامت باشد.

کانال تلگرام نبرد خلق

@nabard_khalgh

https://telegram.me/nabard_khalgh

بهار می آید

م. وحیدی (م. صبح)

بشنو!
ترانه آزادی
که می پیچد
در صدای من
با موسیقی رویدن
و کاروانی
از جهان آرزوها
و بزم ماه و خورشید
و امیدوارترین دقایق
بامهایی
که به تماشا ایستاده اند
و اندوه و رنج و شکنج
به افسانه ها می پیوندند

بهار می آید
سرد و خموشانه
از میان جاده های خاکستری
با گامهای لرزان
بی آفتاب و شکوفه
و چشمانی تهی

بهار می آید
عبوسانه
بی شوق رسیدن
در پیچا پیچ سیمهای خاردار
و خاطراتی تنگ
با صبحی بی ترانه

بهار می آید
با بالهای چیده شده
و سینه ای زخمی
و طنین آواز هزار مرغ شب
در تب و تاب سالی پررنج
با کابوسی
از خار و خنجر و خزه
و رویاهایی تکه تکه شده

بهار می آید
روزی
با خیال شادی و سرور
و جوانه های گندم
و رنگین کمانی از آتش و
اسپند و کندر
با خنده سوسن و یاس
و تنگ ماهی کوچک
بر ترمه هفت سین



جوانه در جوانه

م . وحیدی (م. صبح)

به یاد سوختبران شهید در سیستان و بلوچستان

«...باغها در عطش سوخت

و از شانه ها

طناب گذر کرد

این سرزمین من

چه بی دریغ بود...»*

با تندباد های خونریز شبانه

و هراسناکی

سیلابهای عظیم آتش

زیر بارش نفسگیر شن زارها

مرغان

شکسته بالی

که در قفسه‌هایشان

سوختند

و بر باله‌هایشان

کاخهای خون و ستم

بنا گردید

سیستان من برخیز!

و رخت «رستم» بیوش!

بلوچستان من!

شعله هایت را

فروزان تر کن!

بر تیغ زاری که هیچ ندارد

جز آسمانی

از اختران بی شمار

سحرگهان

بس تماشایی ست!

شب به آخر رسیده

و «بمپور»**

در حلقه عاشقانش

رقص بی تاب

آزادی می کند

*خسرو گل‌سرخ

**قلعه ای تاریخی در سیستان و بلوچستان



متن سخنرانی زینت میرهاشمی در کنفرانس بین‌المللی ۸ مارس. روز جهانی زن

دوشنبه ۱۸ اسفند ۱۳۹۹ - ۸ مارس ۲۰۲۱

درود بر همه شما

من صحبت‌های امروزم را با این سوال شروع می‌کنم.

می‌توانید حدس بزنید که حقوق سیاسی اجتماعی زنان در قانون اساسی، مدنی و جزایی در ایران به کدام قرن مربوط می‌شود؟

اگر بر این باور هستیم که حقوق زنان، حقوق بشر است و حقوق بشر جهانشمول است و اگر بر این باور هستیم که بیانیه جهانی حقوق بشر برای همه انسانهای روی کره زمین نوشته شده است، باید گفت متأسفانه وضعیت زنان در ایران با این مقوله‌ها که بر شمرده سازگاری ندارد.

وضعیت زنان در ایران را می‌توان از دو منظر نگاه کرد. یک سو ما با زنانی آگاه، شورشگر، چالشگر و فعال در همه زمینه‌های حقوق انسانی روبرویم و از سویی دیگر با حکومتی قرون وسطایی درگیر هستیم که با تحمیل مناسبات برده‌داری بر زنان و با نهادینه کردن خشونت و تبعیض جنسیتی راه پیشرفت را بر زنان بسته است.

اگر در دوران برده‌داری، برده‌ها را با قل و زنجیر به هم می‌بستند و بیگاری می‌کشیدند در قرن بیست و یکم در ایران، زنان را در شکل مدرن برده‌داری یعنی با قانون زنجیر کرده‌اند. چه کسی می‌تواند تصور کند که زنان در ایران به وسیله مردان خود سلاخی می‌شوند، سرشان با تبر قطع می‌شود و قاتلان بر اساس ماده ۶۳۰ قوانین کیفری جمهوری اسلامی، به دلیل دفاع از ناموس مجازات نمی‌شوند. ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی، اگر قاتل پدر یا جد پدری دختر باشد، از قصاص یعنی مجازات معاف می‌شوند.

شما در قوانین موجود حتی یک مورد تاکید می‌کنم حتی یک مورد به نفع زنان نمی‌بینید. گروه‌های ارتجاعی مانند طالبان، داعش و القاعده در رفتار وحشیانه نسبت به زنان مشهور هستند اما باور کنید که همان خشونت‌های داعش و طالبان در ایران اما به نام قانون و اوامر حکومتی اجرا می‌شود. دیدگاه طالبان و داعش از آموزش و پرورش از کتابهای درسی تا دانشگاه و... در ایران اعمال می‌شود.

از قتل‌های ناموسی، کودک همسری، اسید پاشی به زنان، سنگسار، چندهمسری و بیشمار زنجیرهای بردگی که بگذریم، ناهنجاریهای اجتماعی مثل فقر و بیکاری آسیب‌های زیادی به اکثریت زنان ایران رسانده است. پاسخ من به سوالی که در ابتدا مطرح کردم چنین است: رژیم ایران، زنان را در شرایط قرنهای میانی هزاره اول به بند کشیده است.

در این فرصت کم به بخشی از مشکلات زنان در ایران اشاره کردم اما قسمت دیگر را هم باید دید. اراده زنان برای تغییر که در مقاومت و شورش علیه وضع موجود جاری است.

در جلوی صف تظاهرات و اعتراض، زنانی را می‌بینیم که وضع موجود را بر نمی‌تابند.

مقاومت زنان را می‌توان در قامت مادران داغدار زیباترین فرزندان آفتاب و باد، مادران شهدای خیزشهای سالهای ۸۸، دی ۹۶ و آبان ۹۸ و مادران قتل عام شدگان دهه ۶۰ دید. شمارشان آنقدر زیاد است که فرصت نام بردن از آنان متأسفانه نیست. زنان را می‌توان در جنبش دادخواهی قتل عام شدگان، ناپدید شدگان قهری و در تشکلهای مستقل علیه اعدام دید.

پیکار زنان را می‌توان در بیشمار زنان در نیروهای مقاومت، در اشرف ۳ و در صف زنان مبارز و سوسیالیست دید.

از میان دستکم ۱۵۰۰ شهید قیام یک هفته‌ای در آبان ۹۸ زنان بسیاری هستند که علیه ظلم و بیداد طغیان و شورش کردند.

مهمتر از همه، زنان را می‌توان در زندانهای رژیم دید. از گلرخ ایرانی، زینب جلالیان، مریم اکبری منفرد، آتنا دائمی، سپیده قلیان و بسیاری دیگر دید. از آنچه که در زندانهای سپیدار، قرچک ورامین و اوین و... بر زنان وارد می‌شود بسیار نوشته شده که مطالعه آن چهره پلید رژیم را نشان می‌دهد.

در اینجا از همه زنانی که تحت هر عنوان، همچون مقامات دولتی، سیاستمداران، گزارشگران رسانه ها و یا جهانگردان که به ایران سفر می کنند درخواست می کنم که از تحمیل قوانین ضد زن بر خود پرهیز کنند.

فلاکتی که زنان ایران در آن گرفتار هستند را با مسافرت توریستی و دیدارهای دیپلماتیک نمی شود مشاهده کرد و قبول شرایط تحمیلی مثل حجاب اجباری در حقیقت حمایت از قوانین ظالمانه و تبعیض آمیز موجود در ایران است.

اگر می خواهید وضعیت اسفناک زنان در ایران را ببینید از مادران و همسران داغدار، زندانیان زن در زیر شکنجه، خانواده های زندانیان سیاسی و اعدام شدگان، از زنان زحمتکش در سیستان و بلوچستان و کردستان و خوزستان، از دخترانی که محلی برای آموزش ندارند، از زنانی که حتی آب آشامیدنی ندارند، از کارتون خوابها دیدار کنید. آن وقت می توان گفت که سفر به ایران تشویق رفتارهای قرون وسطایی رژیم نیست.

در پایان روز جهانی زن را به همه چالشگران حقوق زن و به همه مدافعان آزادی و برابری شادباش می گویم.

سپاسگزارم که به من گوش کردید.



برخی از بیانیه های «کمیته برگزاری تظاهرات انقلاب اکتبر» (بهمن و اسفند ۹۹)



منبع: توئیتر و فیس بوک ثوره تشرین (انقلاب اکتبر)

هشدار به افراد نفوذی

شماره ۲۹۲، چهارشنبه ۸ بهمن ۱۳۹۹ - ۲۷ ژانویه ۲۰۲۱

بسم الله الرحمن الرحيم/ اقدام برخی از افراد نفوذی، کسانی که در تحصنهایی که تظاهر کنندگان صلح جوی انقلاب اکتبر آن را هدایت و رهبری می کردند، به طور عملی شرکت نداشتند، آنها مدعی تشکیل احزابی شده اند که به دروغ انقلابیون و یا میدانهای تحصن را نمایندگی می کنند.

از زمان تحویل گیری حاکمیت، مأموریت اول نخست وزیر شکست خورده مصطفی کاظمی و تیم مشکوک مشاوران وی، اجرای توطئه فرو مایه با هدف ساقط کردن انقلاب اکتبر و تشتت در صفوف متحد انقلابیون بود، کاظمی از طریق جذب مشتبی از فعالان دروغین و تطمیع مالی و دادن پست و مقام و فریفتن آنها با کاندیداتوری انتخابات آتی و به عهده گرفتن مخارج آن، قصد تشتت در این صفوف را دارد، مخارجی که از اموال به یغما رفته از قوت مردم عراق، مصرف تشکیل احزاب وهمی شده که این احزاب از هر گونه امتداد مردمی و یا ریشه در بین تظاهر کنندگان صلح جو واقعی، تهی هستند. کمیته سازمانده تمامی شهروندان عراق، از پیوستن به این توطئه ردیالانه که شخصاً کاظمی آنرا فرماندهی می کند، هشدار می دهد. هدف کاظمی از این انتخابات پوشاندن لباس شرعی دروغین برای رژیم شکست خورده اش است که فاقد هر گونه مشروعیتی است و در شرایط اقتصاد فروپاشیده، امیدی به احیای این حکومت نیست چرا که افعیهای فساد و دفاتر اقتصادی که برای تأمین مالی رژیم تبهکار ایران ایجاد شده، بر اقتصاد عراق کنترل دارند.



شماره ۲۹۴، جمعه ۱۰ بهمن ۱۳۹۹ - ۲۹ ژانویه ۲۰۲۱

بیش از یک سال است که خواهان اعتصاب عمومی و شورش شهری به مثابه یکی از راههای مؤثر برای پایان دادن به رژیم سهمیه ای فرقه گرای شکست خورده می باشیم و آنرا یکی از شیوه های تحقق خواسته های مردم عراق در کسب حقوق مشروع شان برای برخورداری از یک زندگی با کرامت و رهایی از وابستگی به همسایه تبهکار، رژیم ایران و سلطه دم و دنبالچه های آن بر مقدرات مردم عراق می داند.

مردم غیرتمند عراق

کماکان فراکسیونهای سیاسی فاسد و شبه نظامیان جنایتکار وابسته به آنها و با حمایت نیروها امنیتی، کاظمی به کشتار تظاهر کنندگان صلح جو و فعالان مدنی و پیگرد آنها و ترساندن خانواده های شان و حمله به خانه های شان ادامه می دهند آنها بدترین و بیرحمانه ترین اعمال را بر فرزندان مردم مقاوم عراق در اقصی نقاط آن اعمال می کنند. علاوه بر آشفته گی دولت ناکام کاظمی در اداره امور کشور و شکست آن در تحقق حتی یک خواسته از خواسته های مردم و به طور خاص افشای قاتلان تظاهر کنندگان صلح جو و تثبیت حاکمیت دولت، این دولت در چپاول سیستماتیک ثروتهای عراق و حیف و میل کردن سرمایه های آن مشارکت دارد و با وابسته کردن خزانه عراق به وامهای خارجی و داخلی، خزانه کشور را فرسوده و متلاشی نموده و با تحمیل مالیات به افراد کم درآمد تاثیر منفی بر قوت مردم عراق گذاشته است.

مردم پایدار عراق

کمیته برگزاری تظاهرات انقلاب اکتبر، آمادگی خود را برای شرکت فعال در اجرای اعتصاب عمومی اعلام می کند و خواهان اعلام شورش شهری در اقصی نقاط عراق و به طور خاص استانهای بپا خواسته است. تعیین زمان شروع آن با هماهنگی فعالان مدنی که فراخوان به افزایش اعمال مسالمت آمیز شهری می دهند است، این اقدامات مسالمت آمیز برای تحقق خواسته های انقلاب بزرگ اکتبر مبنی بر ساقط کردن پارلمان فاسد و رؤسای سه قوه و پایان دادن به نقش شبه نظامیان مورد حمایت رژیم شرور ایران و تشکیل دولت ملی انتقالی مستقل برای اجرای انتخابات پارلمانی عادلانه که تمامی مردم عراق را نمایندگی کند و خلاصی از سهمیه بندی فرقه ای و منطقه ای و اعمال حاکمیت دولت بر کشور عزتمندان عراق می باشد.

دیدار پلاسخارت نماینده سازمان ملل در عراق از ایران

دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۳۹۹ - ۱ فوریه ۲۰۲۱

کمیته برگزاری تظاهرات انقلاب اکتبر عراق در بیانیه ای دیدار جنین پلاسخارت نماینده سازمان ملل در عراق از ایران و ملاقات او با علی اکبر ولایتی مشاور خامنه ای در روز یکشنبه ۱۲ بهمن ۹۹ را محکوم کرد.

کمیته انقلاب اکتبر عراق در بیانیه خود نوشت: «این دیدار مشکوک، صریحاً مغایر با اصل عدم دخالت در امور داخلی کشورهای عضو سازمان ملل است. هم



چنین این اقدام خارج از چارچوب مأموریت پایه و مشخص شده نماینده سازمان ملل مبنی بر کمک و انتقال تجربه به دولتی است که در آن انتخابات اجرا می گردد، بنابراین مأموریت او مذاکره با کشورهای خارجی در مورد مسائل عراق

نیست، آنچه که صورت گرفته، بی احترامی و توهین آشکار به حاکمیت عراق و تجاوز به استقلال کشوری است که خودش عضو سازمان ملل است.

رفتار مشکوک پلاسخارت، با انگیزه ترویج منافع شخصی او و معاونان وی که درگیر زد و بندهای تجاری مشکوک با سران احزاب حاکم فاسد هستند، صورت گرفته است، تا در قبال اعمال وحشیانه ای که شبه نظامیان مرتبط با این احزاب و مورد حمایت رژیم ایران انجام می دهند، سکوت کنند.

کمیته برگزاری تظاهرات انقلاب اکتبر عراق در ادامه افزوده است: «پلاسخارت با این دیدار مشکوک ما را متعجب نمود مانند همان دیدار غیرمنتظره ای که در گذشته نه چندان دور با ابوفدک برگزار نمود، ابوفدک و شبه نظامیان او متهم به قتل و آدم ربایی و ایجاد رعب و وحشت و زندانی کردن تظاهر کنندگان هستند.

نامه سرگشاده به پاپ اعظم فرانسیس

شماره ۲۹۸، شنبه ۹ اسفند ۱۳۹۹ - ۲۷ فوریه ۲۰۲۱

کمیته برگزاری تظاهرات انقلاب اکتبر بهترین دوره‌هایش را تقدیم می دارد و به اطلاع شما می رساند که عراق سرزمین مقدسات و پایتخت آن بغداد، شهر صلح و آشتی به شما خوش آمد می گوید، زیرا که شما پیام آسمانی برای صلح و سعادت را نمایندگی می کنید.

پاپ اعظم؛ مردم عراق از تمامی ادیان و مذاهب و قومیتها، می گویند که زمان دیدار شما از عراق زمان مناسبی است، پس باید که شما نسبت به آنچه که در عراق از سال ۲۰۰۳ تاکنون از کشتار و ترور و خون ریزی و کوچاندن و فساد مالی و غصب زمینهای مردم و تجاوز به اماکن عبادت مساجد و کلیساها توسط ارگانهای سرکوبگر دولتی بغداد و شبه نظامیان افسار گسیخته، مطلع باشید. چه بسا ممکن است انگیزه های ظاهری از دیدار شما، مسائل دینی باشد، اما پاپ اعظم ناظران اعتقادی غیر از این دارند، به ویژه، شما می دانید که حضرت مسیح قتل و آنچه که منجر به آن می شود را حرام کرده است مانند حرام کردن ظلم و تجاوز به حقوق، همانطور که در کتاب مقدس آمده: اگر ظلم را بر فقیران و برکنندن انصاف و عدالت را در کشوری بینی، از این امر مشوش مباش، زیرا آنکه بالاتر از بالا است، ملاحظه می کند، و حضرت اعلی فوق ایشان است. (کتاب الجامعه ۵-۸). بسیاری معتقدند که پاپ اعظم، با گذاشتن دست خود در دست قاتلان بیش از ۸۰۰ شهید و بیش از ۳۰ هزار مجروح و معلول از جوانان عراق از تمامی ادیان و قومیتها، این کار چشم پوشی بر این جنایات است و این یک اشتباه تاریخی است که عراقیان و هر فرد منصفی آن را نمی بخشد.

پاپ اعظم؛ حضرت مسیح جایگاه والایی در نزد همه عراقیان دارد، حضرت مسیح تمام مراحل زندگی خود را بین مردم در مقابله با ظلم و تعدی و فساد و رویارویی با فراعنه و سرکشان با جهاد و پایداری گذرانده است. اولین شاگردانش از ابتدا به عراق می آمدند آیا قابل قبول است که پاپ اعظم به حاکمان مستبد از کیسه درد و رنج عراقیان مشروعیت ببخشد. در پایان، کمیته سازمانده از پاپ اعظم خواهشمند است که به آنچه در عراق می گذرد با دید عیسی مسیح (ع) نگاه کند که این وفاداری به دین شما و انسانیت است.

شکوه و جاودانگی از آن شهدای انقلاب اکتبر. بهبودی عاجل برای مجروحان مان و آزادی ناپدید شدگان اجباری از زندانهای شبه نظامیان.

کانال تلگرام رادیو پیشگام

@radiopishgam

<https://telegram.me/radiopishgam>

روز جهانی زن: گذشته و حال

گردآوری و تالیف: اسد طاهری



هشتم مارس، روز جهانی زن، یاد آور حرکتی فراگیر سیاسی-اجتماعی است؛ جنبشی که نطفه آن در اواخر قرن نوزدهم شکل گرفت.

در ابتدا باید به جبهه متحد ارتجاع جهانی یادآور شد که روز جهانی زن نه روز مادر است و نه روز عشاق و نه ترکیبی از این دو! روز جهانی زن روز مبارزه علیه تبعیض جنسیتی است؛ تبعیضی که به ویژه زنان ایرانی پس از پیروزی انقلاب ضد سلطنتی ۵۷ و هجوم ارتجاع اسلامی به حقوق و کرامت آنها، در زندگی روزمره شان لمس می کنند .

۸ مارس امسال، ۱۱۰ سالگی روز جهانی زن است. مردم سراسر جهان هر ساله هشتم مارس روز جهانی زن را جشن می گیرند. در هفت قاره به طور رسمی از حقوق و دستاوردهای زنان در حوزه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تجلیل می کنند. این روز از سال ۱۹۷۵ که سال جهانی زنان نام گذاشته شده بود، به عنوان یکی از جشنهای رسمی سازمان ملل متحد تعیین شده و در بسیاری از نقاط جهان یک جشن ملی است.

ما ریشه های ۸ مارس بسیار به قبل تر از سال ۱۹۷۵ بر می گردد و برگزاری این روز بزرگ رادیکال تر از آن است که ممکن است انتظار داشته باشیم. در طول سالها تلاش مداومی برای تحریف خاستگاه سوسیالیستی این روز و تبدیل آن به روز جشنهای فردی صورت گرفته است.

روز جهانی زن چگونه شکل گرفت؟

سرچشمه شکل گیری روز جهانی زن را می توان در شهر نیویورک در فوریه ۱۹۰۸ جستجو کرد؛ زمانی که هزاران زن که در کارخانجات نساجی کار می کردند، در اعتراض به شرایط کارشان دست به راهپیمایی زدند. خواسته زنان نساج ۱۰ ساعت کار در روز بود. این تظاهرات با سرکوب پلیس نیویورک روبرو گردید. یکسال بعد حزب سوسیالیست ایالات متحده امریکا تشکیل شد و کمیته زنان آن، کمپین حق رای زنان در انتخابات را به راه انداخت. در همین سال کارگران زن ریسنده با خواست ممنوع کردن کار کودکان و کسب حق رای در شهر

نیویورک دست به تظاهرات زدند. این سلسله رویدادها باعث شد که سال بعد، ۱۹۰۹، برای اولین بار به عنوان روز زن در آمریکا به ثبت برسد.

از این سال به بعد روز هشت مارس رنگ دیگری به خود گرفت به روز مخالفت زنان کارگر با نظام های سرمایه داری، برای بهتر شدن شرایط کار و حقوق اجتماعی در همه زمینه ها تبدیل شد.

ایده تبدیل این روز به یک جنبش بین المللی، توسط "کلارا زتکین"، این زن مبارز و سوسیالیست آلمانی مطرح شد. سال ۱۹۱۰ کنگره سوسیالیستها در کپنهاگ دانمارک برگزار شد و کلارا این روز را به عنوان روز جهانی مبارزه زنان پیشنهاد داد.

در سال بعد یک میلیون زن در سراسر جهان راهپیمایی کردند که همچنین مصادف با سالگرد کمون پاریس بود؛ جایی که در سال ۱۸۸۱ یک دولت رادیکال سوسیالیست تاسیس شد که مدت کوتاهی در فرانسه حکومت کرد. زنان در کمون پاریس نقشی اساسی داشتند. یکی از رهبران اصلی کمون "لوئیز میشل" بود که بعدها به او لقب "قهرمان ملی فرانسه" داده شد.

اولین روز جهانی زن در سال ۱۹۱۱ در هفده کشور از جمله آلمان، دانمارک، استرالیا، اتریش، سوئیس، چین و روسیه برگزار شد. میلیونها زن کارگر و سوسیالیست و دیگر اقدار جامعه همراه مردان خواهان حقوق سیاسی اجتماعی برابر برای همه زنان و مردان شدند.

مهمترین اعتراض روز جهانی زن

اگرچه روز جهانی زن با اقدام جنبش کارگری زنان در ایالات متحده آغاز شده بود، اما در روسیه در سال ۱۹۱۷ شکل انقلابی به خود گرفت.

در روسیه در سال ۱۹۱۳ زنان طبقه کارگر از روز جهانی زن برای ابراز مطالبه حق رای استفاده کردند. در اکتبر ۱۹۱۶ زنانی که در کارخانه های عظیم نساجی کار می کردند، به مناسبت این روز دست از کار کشیدند و با شعار "نان و صلح" دست به راهپیمایی زدند. حرکت آنها جرقه ای بود که انقلاب فوریه را شعله ور کرد.

هشت ماه بعد، در اکتبر ۱۹۱۷، انقلاب دوم روسیه با شرکت میلیونها کارگر آغاز شد. دهقانان، سربازان و ملوانان به صف کارگران پیوستند تا برای اولین بار در تاریخ از طریق شوراهای منتخب دمکراتیک که در سراسر کشور شکل گرفته بود، اولین دولت سوسیالیستی مبتنی بر حاکمیت طبقه کارگر در تاریخ را بنیان نهند.

انقلاب سوسیالیستی که یک ششم سطح زمین جهان را در بر می گرفت، بلافاصله اقدام به لغو قانون جنایی سرکوبگر و منفور تزاریسم کرد. در اوایل سال ۱۹۱۸ یک قانون خانواده جدید توسط دولت جدید شوروی تصویب شد که زنان را از زنجیرهای قوانین کلیسای ارتدوکس روسیه آزاد می کرد. ازدواج و طلاق به امری داوطلبانه و مدنی تبدیل شد و قوانینی که علیه همجنس گرایان وجود داشت، لغو گردید.

در دو دهه گذشته آگاهی اجتماعی نسبت به مساله زنان و در پی آن حرکتها و کمپینهای زنان افزایش فوق العاده ای یافته است. در همین راستا روز زن نیز اهمیتی نمادین و جایگاه موثری در این مبارزه پیدا کرده.

برای نمونه می توان به اعتصاب پنج میلیون کارگر در اسپانیا در اعتراض به نابرابری جنسیتی و تبعیض جنسیتی در سال ۲۰۱۸ اشاره کرد. یا در نمونه ای دیگر، در برخی از شهرهای ایالات متحده راهپیمایی زنان که در ژانویه ۲۰۱۷ در اعتراض به مراسم تحلیف رییس جمهور وقت ترامپ آغاز شده بود، به ۸ مارس منتقل شد و خواسته های آنها برای پایان دادن به خشونت علیه زنان و حق کنترل بر بدن خود به مبارزه با زن ستیزی و نژادپرستی گسترش یافت.

گردهمایی در شهرهای مختلف ایران به مناسبت ۸ مارس

*بندر انزلی - تعدادی از فعالان حقوق زنان در شهر بندر انزلی در استان گیلان با در دست داشتن پوسترهایی در حمایت از حقوق زنان، ۸ مارس را گرامی داشتند. در این پوسترها که با شعار محوری "همبستگی زنان علیه نابرابری، فقر و خشونت" همراه بود، بر حق معیشت انسانی، حق سقط جنین و حق کنترل باروری تاکید می شد.



*اصفهان - فعالان حقوق زنان در اصفهان خواستار پایان دادن به فضای زن ستیز و جنسیت زده ناشی از سخنان ائمه جمعه این شهر شدند. زنان این شهر با وجود نگرانیهای امنیتی ناشی از سخنان ائمه جمعه اصفهان و شهرهای اطراف در مخالفت با دوچرخه سواری و صخره نوردی زنان، همچنان بر حق مسلم خود در ورزشهایی که از دیدگاه این ائمه قابل قبول نیست، پای فشردند.

*تهران - زنان با در دست داشتن پوسترهایی با محوریت شعار "همبستگی علیه نابرابری، فقر و تبعیض" به استقبال هشتم مارس، روز جهانی زن، رفتند. حق آموزش رایگان، همگانی، به دور از تبعیض و خشونت، حق کنترل باروری و اعتراض علیه سلب حق سرپناه زنان حاشیه نشینی چون آسیه پناهی از جمله پوسترهای در دست فعالان بود.

*سنندج - شماری از زنان و مردان آزادیخواه مراسمی به مناسبت این روز برگزار کردند. در این برنامه تاریخچه مختصری از مبارزات زنان قرائت شد و در ادامه بیانیه ای در دفاع از حقوق برابر زنان و مردان در کلیه شئون اجتماعی خوانده شد.

*سقز - زنان در این شهر دور هم جمع شدند و مراسم ۸ مارس را برگزار کردند. یکی از زنان حاضر در مراسم تاریخچه مبارزات زنان جهان، ایران و کردستان را به سمع و نظر شرکت کنندگان رساند. سپس یکی دیگر از زنان مطلبی در مورد خشونت علیه زنان را قرائت نمود. در ادامه دو تن از زنان شرکت کننده در این مراسم دو قطعه شعر در مورد روز جهانی زن را قرائت کردند. در پایان قطعنامه ۱۶ ماده ای مصوب گردهمایی خوانده شد.

*مشهد - به منظور گرامیداشت روز جهانی زن تعدادی از زنان آزاداندیش و حق طلب مشهدی صبح روز دوشنبه ۱۸ اسفند در میدان فردوسی این شهر جمع شدند و به بیان مطالبات و خواسته ها خود پرداختند. همچنین یکی از زنان با حضور در اتوبوس شهری به تبیین اهمیت هشت مارس برای مسافران پرداخت. او خطاب به زنان تاکید کرد: "ما برای گرفتن حق و حقوقمان باید به میدان بیاییم، چرا که حق دادنی نیست، بلکه گرفتنی است."

*اشنویه - روز یکشنبه ۱۷ اسفند در فضای سرد و زمستانی شهرستان اشنویه، تعدادی از زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب این منطقه به همراه گروه کوهنوردی "پیشرو" اشنویه گردهم آمدند و با محوریت شعار "آزادی زنان، آزادی جامعه" فرارسیدن روز جهانی زن را در ارتفاعات این شهر گرامی داشتند.



* آکسیون زنان گروه آرزوم و فعالان کرج - روز چهاردهم اسفند تعدادی از زنان گروه "آرزوم" به همراه تعدادی از زنان فعال کرج در حرکتی نمادین در یکی از پارکهای تهران پلاکاردهایی را در مسیری کوتاه با خود حمل کردند و همزمان به رهگذران در مورد روز زن توضیحاتی دادند. در این پلاکاردها از جمله این شعارها دیده می شد: "حجاب اجباری - نماد برده داری"، "اولین گام رهایی - لغو پوشش اجباری"، "خروش امسال زنان - برابری، معیشت است و درمان".

*گردهمایی مقابل دانشگاه علامه طباطبایی - شماری از دختران دانشجوی با دست داشتن پلاکاردهایی با مضمون خواسته ها و مطالبات شان، در برابر دانشگاه علامه طباطبایی گرد آمدند و روز جهانی زن را گرامی داشتند. بر تعدادی از این پلاکاردها نوشته شده بود: "در بند تبعیضیم - بیایید برخیزیم" و "خشونت و تبعیض علیه زنان - در خانه و محل کار توأمان".

گردهمایی روز جهانی زن در چند کشور

*فرانسه فعالان حقوق زنان در فرانسه به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن، تجمعی علیه سکسیسم و خشونت جنسیتی برپا کردند.

گروه های مختلف زنان همچون خواستار برپایی "اعتصاب فمینیستی" در روز دوشنبه مصادف با ۸ مارس با هدف حمایت از برابری بیشتر در زمینه حقوق زنان در تمام عرصه های زندگی شدند. در میدان جمهوری پاریس، فعالان فمینیست برای محکوم کردن زن کشی، بنر بزرگی را در دست حمل می کردند که روی آن نوشته بود: "زن کشی را متوقف کنید". اعتراضات خیابانی مشابهی از روز یکشنبه در سراسر فرانسه برپا شد.

*سوریه - کردهای سوریه در گردهمایی در شهر "قامشلی" در شمال سوریه، روز جهانی زن را گرامی داشتند. یکی از زنان حاضر در این تجمع گفت: این گردهمایی به منظور بازگرداندن اعتماد به نفس زنان و همچنین آموزش آنها برای مقابله با اقتدار گرایی، فرهنگ مرگ، تبعید و قتل موجود در جامعه و محافظت از دستاوردهای انقلاب است.

*روسیه - روز جهانی زن در این کشور تعطیل عمومی است و در شهر "یکاترینبورگ"، افسران نظامی در مراسمی در خیابان همراه با نواختن موسیقی این روز را گرامی داشتند. این افسران بیش از یکهزار شاخه گل به زنان در خیابان اهدا کردند.

*عراق - "کمیته انقلاب اکتبر عراق" با صدور بیانیه ای به مناسبت ۸ مارس، روز جهانی زن، با تقدیر از نقش زنان قیام کننده عراقی به عنوان پایه اصلی انقلاب، به برگزاری تظاهراتی به همین مناسبت در روز یکشنبه فراخوان داد و این روز را "روز زن انقلابی عراقی" نامگذاری کرد.

در تظاهراتی که به دنبال این فراخوان صورت گرفت، زنان و مردان در استانهای بابل، بصره، ذی قار و بغداد با حضور در خیابانها این روز را گرامی داشتند.

جنبش رنگین کمان بیشماران (اسفند ۹۹)

گردآوری و تنظیم: پویا رضوانی

در آخرین ماه سال ۱۳۹۹ همچون تمام ماههای این سال همه گیری ویروس کرونا زندگی و معیشت کارگران، مزدبگیران و تهیدستان را بیش از پیش تهدید می کرد. در حالی که واکسینه کردن در کشورهای هم طراز ایران به پیش می رود، رژیم ایران با دستور ولی فقیه از واکسن معتبر خریداری نمی کند و تازه صحبت از خصوصی کردن توزیع واکسن شنیده می شود. همزمان با تهدید کرونا، فقر و فلاکت و گرانی سراسر جامعه را فراگرفته و اکثریت جامعه در آستانه نوروژ قادر به تدارک حداقلها برای نوروژ خود نیستند. این خبر تاسف آور پوشش وسیعی پیدا کرد که سفره هفت سین و پسته اجاره ای به بازار آمده است. اما با وجود این شرایط فلاکتبار، کارگران و تهیدستان در ماه اسفند به صورتهای گوناگون دست به اعتراض زدند. جنبش اعتراضی بازنشستگان در ماه اسفند گسترش کم سابقه ای پیدا کرد و طی این ماه ۱۲۳ حرکت اعتراضی از جانب آنان صورت گرفت.

در مجموعه خبرهای این شماره نبرد خلق، خلاصه دستکم ۳۱۲ حرکت از جانب کارگران و مزدبگیران را خواهید خواند. اخبار حرکتیهای اعتراضی معلمان، دانشجویان و پرستاران در این ماه به طور جداگانه در ماهنامه نبردخلق منتشر می شود.

شورش مردم سراوان

روز دوشنبه ۴ اسفند، تعدادی از سوختبران با تجمع مقابل پایگاه مرزی سپاه خواستار بازگشایی مرز و اجازه تردد به سوختبران شدند. سپاه سرکوبگر پاسداران با تیراندازی مستقیم به سمت سوختبران در نقطه صفر مرزی «آسکان» تعدادی را کشته و دهها تن زخمی شدند. به دنبال آن خانواده های سوختبران نسبت به کشته و زخمی شدن فرزندان شان مقابل فرماندهی سپاه پاسداران سراوان تجمع کردند.



روز سه شنبه ۵ اسفند، جمعی از اهالی خشمگین سراوان برای اعتراض به کشته و زخمی شدن تعدادی از سوختبران مقابل ساختمان فرمانداری این شهرستان تجمع کردند که نیروهای سرکوبگر سپاه با شلیک گلوله به سمت مردم معترض تیراندازی کردند. مردم در واکنش به این اقدام سرکوبگرانه، ساختمان فرمانداری سراوان را تسخیر کردند که موجب

درگیری بین مردم و نیروهای سرکوبگر در خیابانهای سراوان شد و مردم شورش خودروهایی سرکوبگر را به آتش کشیدند.

دوپیچه وله فارسی خبر تسخیر فرمانداری شهر سراوان را با بازپخش خبرها و ویدیوهای منتشر شده در فضای مجازی به نقل از فعالان بلوچ اعلام کرد که «دستکم ۱۰ سوخت بر در سراوان توسط سپاه پاسداران کشته و پنج نفر زخمی شده اند.»

روز دوشنبه ۴ اسفند هرانا نوشت: نیروهای سپاه پاسداران با بستن و حفر چاله در نقاط صفر مرزی از تردد سوختبران ممانعت کردند. این اقدام خشم سوختبران را برانگیخته و شماری از آنها با حضور در مقابل پایگاه سپاه خواستار بازگشایی مرز شده‌اند که هدف تیراندازی نیروهای سپاه پاسداران قرار گرفتند.

روز پنجشنبه ۷ اسفند، تعدادی از شهروندان در شهرستان سوران واقع در استان سیستان و بلوچستان، اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند. به گزارش رسانک، این تجمع در اعتراض به کشته شدن تعدادی از سوختبران صورت گرفته است. تلگرام رصد بلوچستان در روز ۷ اسفند گزارش داد که؛ سپاه پاسداران با عدم توان در سرکوب مردم معترض در شهر دزپ، اقدام به تیراندازی به منازل مسکونی مردم کرده که دهها تن از زنان و کودکان بلوچ زخمی شدند. بنا به همین گزارش؛ سپاه پاسداران با ناتوانی در سرکوب معترضان، با پرواز بالگردها در حال تیراندازی و ایجاد رعب و وحشت در بین مردم بلوچ در زاهدان است. دهها تن از مردم بلوچ در شهرستان خاش و زاهدان توسط نیروهای خامنه ای به خاک و خون کشیده شدند.

جنبش گسترده بازنشستگان در ماه اسفند (۱۲۳ حرکت)

در ماه آخر سال ۱۳۹۹، بازنشستگان در سراسر ایران به شکل سازمانیافته و با فراخوانهای از پیش اعلام شده دست به تجمع و اعتراض زدند. فوری ترین و عمومی ترین خواست بازنشستگان چنین است:

۱ - افزایش مستمریها مطابق هزینه های کارشناسی خانوار (سبد معیشت)

۲ - تامین سیستم درمانی کارآمد و رایگان

۳ - پرداخت کلیه دیون به روز محاسبه شده دولت به صندوقها قبل از پایان عمر دولت فعلی

۴ - نظارت و کنترل بر عملکرد صندوقها توسط نمایندگان مستقل و منتخب

۵ - تعیین و تامین بودجه کارشناسی شده برای اجرای همسان سازی

۶ - انحلال کانونهای بازنشستگی فعلی و ایجاد تشکلات نوین و مستقل بازنشستگان

*روز آدینه ۱ اسفند، شماری از بازنشستگان کارگری در استان زنجان، مقابل استانداری این شهر، تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران بازنشسته نسبت به عدم اجرای صحیح قانون کار، پایین بودن سطح دستمزد کارگران و مستمری بازنشستگان معترض بودند.

*روز یکشنبه ۳ اسفند، شماری از بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی دستکم در ۲۲ شهر از جمله نیشابور، ایلام، قزوین، خرم آباد، اهواز، تبریز، یزد، اصفهان، دزفول، کرج، شوشتر، بجنورد، ساری، کرمانشاه، اراک، اردبیل، مشهد، شوش، دزفول، شوشتر، رشت و تهران، در مقابل اداره تامین اجتماعی شهرهای خود، تجمعات اعتراضی برپا کردند.

بازنشستگان معترض، ضمن رونمایی از بنر های اعتراضی، شعارهایی از قبیل «تورم و گرانی، عامل هر ویرانی»، «همش شده کار مون، شعار کف خیابون» و «بازنشسته بیدار است، از تبعیض بیزار است» را سر دادند.

*در همین روز جمعی از بازنشستگان صندوق فولاد مقابل مجلس و برخی از کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان مقابل سازمان مدیریت و برنامه ریزی تجمع کردند.

*روز شنبه ۹ اسفند، در پی فراخوان از پیش تعیین شده، شماری از بازنشستگان و مستمری بگیران دستکم در ۲۹ شهر از جمله، تهران، کرج، شاهرود،

شیراز، ایلام، مشهد، خرم آباد، اراک، اهواز، اردبیل، شوشتر، تبریز، سنندج، کرمانشاه، زنجان، کرمان، دزفول، اصفهان، شوش و هفت تپه، شاهرود، آبادان، خرمشهر، بجنورد، قزوین، یزد، نیشابور، ساری، رشت مقابل اداره کل تامین اجتماعی و در تهران در مقابل وزارت کار دست به تجمع اعتراضی زدند.





*همزمان با تجمع اعتراضی سراسری کارگران بازنشسته و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی، کارگران بازنشسته صنعت فولاد استان اصفهان مقابل استانداری اجتماع کردند.

*روز دوشنبه ۱۱ اسفند، کارگران بازنشسته سازمان تامین اجتماعی استان زنجان مقابل ساختمان این اداره در شهر زنجان تجمع کردند.

*روز سه شنبه ۱۲ اسفند، جمعی از کارگران بازنشسته مجموعه هتل لاله تهران، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان، مقابل ساختمان این هتل واقع در خیابان دکتر فاطمی تهران، تجمع اعتراضی برپا کردند.

*روز چهارشنبه ۱۳ اسفند، جمعی از بازنشستگان فولاد اصفهان و اهواز، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان، مقابل ساختمان استانداری در شهرهای خود، تجمع اعتراضی برپا کردند.

*روز شنبه ۱۶ اسفند، جمعی از بازنشستگان تامین اجتماعی و شماری از بازنشستگان صنعت فولاد، مقابل ساختمان مجلس در تهران تجمع کردند.

*روز یکشنبه ۱۷ اسفند، بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی برای هفتمین هفته متوالی در تهران، تبریز، اصفهان، یزد، قزوین، کرج، خرم آباد، اهواز، رشت، ارومیه، شیراز، کرمانشاه، اردبیل، ایلام، ساری، اراک، مشهد، سنندج، کرمان، بجنورد، آبادان، شاهرود، شوش، بهشهر، نیشابور، شوشتر، دزفول و هفت تپه در مقابل سازمان تامین اجتماعی و یا دفاتر استانداری تجمع اعتراضی برگزار کردند. براساس گزارشهای منتشر شده، در تهران دستکم چهار تن از شرکت کنندگان در این تجمع به وسیله نیروهای سرکوبگر انتظامی و امنیتی بازداشت شدند.

*روز دوشنبه ۱۸ اسفند، کارگران بازنشسته هواپیمایی (هما) مقابل مجلس و سازمان برنامه و بودجه تجمع کردند.



*روز سه شنبه ۱۹ اسفند، شماری از کارگران بازنشسته مجموعه هتل لاله تهران در محوطه پارکینگ این هتل دست به تجمع زدند.

*روز چهارشنبه ۲۰ اسفند، شماری از بازنشستگان تامین اجتماعی استان اردبیل مقابل کانون بازنشستگان تجمع کردند.

روز یکشنبه ۲۴ اسفند، بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی برای هشتمین هفته متوالی در تهران، خرم آباد، کرج، یزد، اهواز، تبریز، اراک، اصفهان، رشت، مشهد، اردبیل، کرمانشاه، سنندج، شوشتر، ایلام، کرمان، ابهر، بجنورد، شوش و هفت تپه، آبادان و دزفول مقابل اداره کل تامین اجتماعی تجمع اعتراضی برگزار کردند.

*روز دوشنبه ۲۵ اسفند، تعدادی از بازنشستگان صنعت نفت با تجمع مقابل دفتر نمایندگی صندوقهای بازنشستگی اهواز، خواهان رسیدگی به مطالبات خود شدند.

*روز پنجشنبه ۲۸ اسفند، شماری از بازنشستگان و مستمری بگیران در تهران، اراک، کرمان، اردبیل، خرم آباد، اهواز، شهرکرد و ... مقابل اداره تامین اجتماعی شهرهای خود، تجمع اعتراضی برپا کردند.

برخی از شعارهای بازنشستگان

منبع: کانال تلگرام شورای بازنشستگان ایران
فقط کف خیابون به دست میاد حقمون
نه تهدید نه سرکوب دیگر اثر ندارد
تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم

اگر اصلح نبودیم، سر کلاس نبودیم!
 فریاد فریاد از اینهمه بیداد
 این همه بی عدالتی هرگز ندیده ملتی
 وعده و عید کافیه، سفره ما خالیه
 صندوق بازنشسته، سرقت دزدان گشته
 ظلم و ستم کافیه، سفره ی ما خالیه!
 فقط کف خیابون، به دست میاد حقمون
 بازنشسته بیدارست، از تبعیض بیزارست
 گرانی تورم، بلای جان مردم
 حقوق ما ریالیه، هزینه ها دلاریه
 حقوق های نجومی، فلاکت عمومی
 دستهای ما خالیه، وضع شما عالیه
 نابود شد این شستا، به دست این مافیا
 بیمه های تکمیلی دزد سر گردنه
 خواسته بازنشسته، حقوق طبق تورم
 همسان سازی کجا بود، دروغ فریب ریا بود
 هم مجلس هم دولت، بس ست فریب ملت
 اختلاسگر ارزی میلیاردی داریم، قرنطینه نداریم
 مجلس، دولت، نیستند به فکر ملت
 دولت جنایت می کند، مجلس حمایت می کند
 کشور ما رو گنجه، بازنشسته در رنجه
 کشتی بازنشسته، چرا به گل نشسته؟
 صندوق بازنشسته، اسیر دزدا گشته
 زندانی کارگر آزاد باید گردد

شنبه ۲ اسفند

* شماری از اعضای انجمن فرهنگی «نوژین» مقابل دادگستری سنندج دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش هرانا، این تجمع در اعتراض به تأیید حکم ۵ سال حبس تعزیری برای زهرا محمدی از اعضای این انجمن صورت گرفت.
 * تعدادی از مردم روستای چولاب کوچصفهان، از توابع شهرستان رشت در حاشیه این روستا تجمع کردند. به گزارش گیلان صدر، این تجمع در اعتراض به صدور مجوز برداشت شن از محل جزیره گردشگری این روستا صورت گرفت.
 بنا بر گفته اهالی این روستا، آنها برای احداث محل تفریح و ورزش برای خانواده های شان هزینه کرده اند و اجازه نمی دهند این محل با برداشتهای غیراصولی تخریب شود.

* گروهی از مردم سنندج مقابل ساختمان استانداری تجمع کردند.

به گزارش تسنیم، این تجمع همزمان با سفر معاون اول ریاست جمهوری به این شهرستان و در اعتراض به مشکلات مالی و بی توجهی مسئولان به خواسته های شان، صورت گرفت.

* شماری از مردم مناطق کچو، گورانکش و پلانی از توابع شهرستان چابهار در اعتراض به احداث مجتمع فولاد در این مناطق، تجمع کردند. به گزارش کمپین فعالان بلوچ، معترضان گفتند؛ این زمینها متعلق به آنهاست و دولت زمین آنها را مصادره کرده و قصد دارد مجتمع فولاد را در آن مکان احداث کند.

یکشنبه ۳ اسفند

*تعدادی از بازاریان شهرستان آبادان در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان، مقابل ساختمان فرمانداری ویژه این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش صدا و سیما، بازاریان حاضر در این تجمع، نسبت به تعطیلی کسب و کار خود در پی شیوع ویروس کرونا و اعمال محدودیتهای اعتراض کردند.

*کارگران هپکو اراک در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان، در نزدیکی ساختمان تامین اجتماعی این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایلنا، کارگران هپکو اراک در این حرکت اعتراضی تابوت این شرکت را به صورت نمادین در خیابانهای اراک حمل کردند.

*برای دومین روز متوالی، صدها کارگر پروژه ای پالایشگاه آبادان (شرکتهای پیمانکاری اکسیر صنعت، سکاف و آباد راهان) در اعتراض به عدم پرداخت حقوق شان، از رفتن بر سرکار خودداری کرده و در محوطه این پالایشگاه تجمع کردند. به گزارش کانال رسمی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران، ۴۰۰ کارگر پروژه ای شرکتهای اکسیر صنعت، سکاف، آبادراهان برای دریافت عیدی و مزایا و همچنین حقوق دی و بهمن ماه دست به اعتصاب زدند و در محوطه پالایشگاه تجمع کردند.

*شماری از خانواده های بیماران SMA مقابل ساختمان وزارت بهداشت دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایلنا، معترضان با در دست داشت بنر نوشته هایی مبنی بر اینکه؛ در سه سال اخیر به خاطر عدم ورود دارو به کشور، بیش از ۱۰۰ بیمار SMA فوت کرده و چند صدتن بیمار دیگر ناتوان تر شده اند و چه کسی مسئول فوت این کودکان مظلوم است؟ خواهان ورود داروی بیماران SMA شدند.

*بنا بر گزارشهای ویدئویی منتشر شده در شبکه های اجتماعی، کشاورزان شرق اصفهان برای جلوگیری از گرفتن حریم رودخانه برای تغییر مسیر آن، همراه با لودر در محل رودخانه تجمع کردند و اعلام کردند که مانع از این کار شده و حریم و مسیر رودخانه را به حالت اول برمی گردانند و اعلام کردند که از زاینده رود و از مردم دفاع می کنند. همزمان گروه دیگری از کشاورزان مقابل ساختمان مدیریت بحران در خیابان مشتاق سوم تجمع اعتراضی برگزار کردند.

دوشنبه ۴ اسفند

*جمعی از کارکنان اداره بنادر و دریانوردی بندرلنگه، در اعتراض به نحوه صدور قرار دادها و عدم پرداخت ما به التفاوت مصوب سالانه خود، مقابل درب ورودی ساختمان اداری مدیریت اداره بنادر و دریانوردی غرب هرمزگان، تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش فارس، کارکنان معترض در نامه ای خطاب به قاسم عسکری نسب، نسبت به نحوه قراردادهای حکمهای بسته نشده سال گذشته، اعتراض کردند.

سه شنبه ۵ اسفند

*کارگران آب و فاضلاب روستایی خوزستان برای اعتراض به عدم پرداخت ماهها حقوق و حق بیمه، بلا تکلیفی قرارداد کاری و وعده های توخالی مسئولان دست به تجمع مقابل استانداری این استان در کلانشهر اهواز زدند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض که ۵ ماه حقوق شان پرداخت نشده است گفتند: ۲۰ ماه حق بیمه برای ما پرداخت نشده و ۹ ماه بدون هیچ گونه دفترچه خدمات درمانی هستیم.

*جمعی از کارکنان قطار شهری اهواز، مقابل درب ورودی ساختمان شهرداری این شهر، تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش عصر ما خوزستان، معترضان علت اجتماع خود را اعتراض به مطالبه ۱۰۰ روز حق بیمه پرداخت نشده خود عنوان کردند.

چهارشنبه ۶ اسفند

*کارگران فضای سبز شهرداری منطقه ۳ خرم آباد برای اعتراض به نداشتن امنیت شغلی به دلیل بکارگیری زندانیان و خطر اخراج از کار و پرداخت نشدن ۸ ماه حقوق دست به اعتصاب ۳ روزه زدند و مقابل استانداری و شهرداری و شورای

شهر تجمع کردند. به گزارش فارس، یکی از کارگران فضای سبز شهرداری منطقه ۳ خرم آباد گفت: اخیراً شهرداری کار بخش فضای سبز منطقه ۳ را به سازمان زندانها تحویل داده و بناست همه کارگرانی که در این بخش کار می کردند اخراج و افراد زندانی جایگزین آنها شوند.

*کارگران پالایشگاه نفت سنگین قشم (شرکت پیمانکاری آویژه) در اعتراض به عدم پرداخت حقوق، برای ششمین روز متوالی از رفتن برسرکارشان خودداری کردند و در محل کارشان تجمع کردند. به گزارش کانال رسمی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران، کارگران معترض خواستار تسویه حقوق و مزایا خود تا اول اسفند ۱۳۹۹ شدند.

*مهندسان ناظر مشهد برای اعتراض به در انحصار بودن واگذاری پروژه‌های بزرگ به برخی چهره‌های خاص و نورچشمی و وضعیت سپرده‌های بلوکه شده مهندسان مقابل ساختمان سازمان نظام مهندسی این کلانشهر در استان خراسان رضوی تجمع کردند. به گزارش شهرآرا نیوز، یکی از مهندسان حاضر در تجمع گفت: یکی از خواسته‌های ما آزاد کردن پولهای بلوکه شده مهندسان ناظر در حسابهای بانکی است. یکی دیگر از معترضان گفت: متأسفانه همه پروژه‌های بیش از سه چهار هزار متر به افراد خاص می رسد و این پروژه‌های خوب به صورت تکراری بین این افراد به صورت انحصاری تقسیم می شود و دیگر کارهای کوچک بین شمار زیادی از مهندسان دیگر تقسیم می شود.

*جمعی از نیروهای قرارداد موقت وزارت نفت مقابل ساختمان مجلس تجمع کرده و خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. به گزارش ایسنا، یکی از کارگران قرارداد موقت صنعت نفت حاضر در تجمع گفت: ما چندین سال است که در شرکت نفت مشغول به کار هستیم و در جمع ما هستند همکارانی که بالای ۲۰ سال به شرکت نفت خدمت کرده اند اما هنوز قراردادهای شان به صورت مدت موقت است. فکر کنید چندین سال کار کنی و همچنان دنبال نحوه بستن قرارداد و چگونگی خروج از سیکل بی نهایت قرارداد موقت باشی آن هم در شرکت نفت که بخش عظیمی از بودجه کشور از آن تامین می شود.

*کارگران پیمانی یکی از پالایشگاه پارس جنوبی (عسلویه) در اعتراض به سطح نازل حقوق، شرایط کاری و وعده‌های توخالی دست از کارکشیدند و در محل کارشان تجمع کردند. یکی از کارگران اعتصاب به خبرنگار رسانه ای ایسنا: علت اصلی اعتصاب کارگران این پالایشگاه شیفت بندی اخیر شرکت در شرایط کرونایی به شکل یک روز در میان (یک روز کار و یک روز استراحت) یا روز کار دائم بدون مرخصی است. وی افزود: در کنار این موضوع، عدم تحقق وعده افزایش حقوق است که متأسفانه پس از گذشت مدتها از این قول و قرارها محقق نشده و مشکلات متعددی را برای ما به وجود آورده است.

همزمان حدود ۱۰۰ نفر از کارگران شرکت آرمان ستاره شاغل در پالایشگاه هشتم پارس جنوبی به دلیل عدم دریافت حقوق و مطالبات خود در محل دفاتر شرکت تجمع نمودند.

شنبه ۹ اسفند

*شماری از اعضای تعاونی مسکن کارگران برق تهران، مقابل بیدادگستری کل استان البرز واقع در شهرستان هشتگرد تجمع کردند. به گزارش دادمندی، اعضای تعاونی مسکن کارگران برق تهران گفتند: بیست و هفت سال پیش اقدام به خرید زمین در فاز پنج هشتگرد کردیم، با این حال تعاونی قطعات موردنظر را به خریداران تحویل نداده است.

*شماری از کارگران شهرداری بندر ماهشهر مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند. به گزارش خورنا، تجمع آنها در اعتراض به نحوه اجرای طرح طبقه بندی مشاغل صورت گرفته است. یکی از کارگران این شرکت در این رابطه گفت: طرح طبقه بندی اجرا شده مطلوب ما نیست و ما خواهان اجرای کامل آن هستیم.

*برای باری دیگر، اعضای مالباخته تعاونی مسکن کارگران برق منطقه ای تهران دست به تجمع مقابل فرمانداری هشتگرد زدند. به گزارش برق نیوز، تجمع کنندگان به تصمیم اعضای هیات مدیره تعاونی اعتراض کردند. آنها معتقدند با توجه به افزایش قیمت زمین، نهادها و عده ای از افراد درصدد خارج کردن زمین از دست مردم هستند. با توجه به اینکه تصمیم

مذکور قریب به ۹ هزار نفر از اعضای تعاونی برق کارگران را تحت شعاع قرار داده و آنها را در عمل مالباخته می کند، تجمع کنندگان در حاشیه اعتراض خود بیانیه ای را هم با مضمون مطالبات اعضا منتشر کردند.

* اهالی روستای اسلام آباد برای اعتراض به نحوه واگذاری اراضی ملی در محدوده این روستا در فرمانداری شهرستان اشکذر در استان یزد اجتماع کردند و خواستار پاسخ صریح مسئولان ذیربط استان و شهرستان در خصوص اتخاذ این تصمیم شدند. به گزارش فرمانداری شهرستان اشکذر، یکی از تجمع کنندگان گفت: اخیراً بیش از ۲۰ هکتار از اراضی ملی در محدوده روستای اسلام آباد به یک سرمایه گذار برای احداث و راه اندازی یک کارگاه تولیدی تصویب و واگذار شده که مورد اعتراض مردم منطقه قرار گرفت. او افزود: ما مخالف واگذاری اراضی به این سرمایه گذار نیستیم، اما اگر مسئولان می خواهند از سرمایه گذاران حمایت کنند چرا باید تلاشهای چند ساله یک جوان بومی روستا برای دریافت یک هکتار زمین برای راه اندازی و توسعه یک کارگاه تولید تجهیزات مبلمان شهری بی نتیجه بماند.

* کارگران شرکت تکاب صنعت پالایشگاه پنجم پارس جنوبی، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان، مقابل درب ورودی این پالایشگاه تجمع اعتراضی برگزار کردند.

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، تجمع کنندگان که تعدادشان به حدود ۱۰۰ نفر می رسد، اعتراض خود را در خصوص اقدام پیمانکار از بابت جلوگیری از ورود کارگرانی که مطالبات خود را پیگیری کرده بودند عنوان کردند.

یکشنبه ۱۰ اسفند

* گروهی از کارگران شیر پگاه تهران با تجمع مقابل ساختمان قوه قضائیه در خیابان ولیعصر تهران، اعتراض خود را نسبت به ادامه تصرف اراضی کارگران این کارخانه در منطقه تهران پارس که توسط سپاه پاسدارن صورت گرفته، ابراز داشتند. به گزارش ایران کارگر، این چندمین بار است که کارگران شیر پگاه تهران، در اعتراض به خلف وعده ها در دریافت زمینهای خود تجمع اعتراضی برگزار می کنند.

* کارکنان مشهدمال که حقوق ماههای ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ را هنوز دریافت نکرده اند، همچنین عیدی و پاداش و سنوات شان را نداده اند، جلوی بانک آینده در چهار راه گلریز مشهد تجمع برگزار کردند. به گزارش اتحاد، کارکنان در حال باز کردن بنر مطالبات خود بودند که یکی از کارمندان بانک از داخل بانک به سمت آنها حمله کرد، وقتی تجمع کنندگان او را عقب زدند نگهبان به روی تجمع کنندگان اسلحه اش را مسلح کرد.

پروژه مشهدمال متعلق به علی انصاری و بانک آینده است که در حال حاضر اختلاف بین اعضای هیات مدیره باعث متوقف شدن پروژه و به تعویق افتادن مطالبات پرسنل شده است.

* از هفته آخر بهمن، اهالی روستای راه از توابع شهرستان دلیجان در استان مرکزی برای اعتراض به احداث معدن مس در نزدیکی روستا جمعاتی را در منطقه و مقابل ساختمان قوه قضائیه در تهران برپا داشتند. یکی از اهالی این روستا در باره اعتراضات چند روز گذشته اهالی این روستا جهت جلوگیری از احداث معدن مس، به خبرنگار دیار آفتاب گفت: این معدن در سال ۱۳۸۳ مجوز اکتشاف گرفته است ولی با توجه به فاصله بسیار کم (۲۰۰-۳۰۰ متر) با مزارع مردم روستا و فاصله حدوداً ۵ کیلومتری با روستا و تخریبهای زیست محیطی که به بار می آورد، اعتراض اهالی منطقه را به همراه داشته است.

وی با اشاره به بازداشت مدافعان محیط زیست و تعدادی از اهالی منطقه در جریان اعتراضات اهالی، گفت: این بازداشتها که به دستور دادستان دلیجان انجام شد، باعث شد تا تشنج در میان اهالی منطقه بیشتر شود.

دوشنبه ۱۱ اسفند

* تعدادی از مردم و دامداران روستای نیوان نار در دومین تجمع خود روبروی فرمانداری گلپایگان به احداث گاوداری فضیل در این روستا اعتراض کردند. / جمعی از مرغداران شهرستانهای استان کرمانشاه مقابل استانداری تجمع کردند و به اصلاح قیمتها و اعمال تبعیض نسبت به استانهای دیگر اعتراض کردند. / شماری از کارکنان شرکتی دانشگاه چمران اهواز

برای اعتراض به تاخیر در پرداخت حقوق، عدم پرداخت عیدی و سنوات، عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و عدم تبدیل وضعیت شغلی خود مقابل سازمان مرکزی این دانشگاه تجمع کردند.

* برای دومین روز متوالی، کارگران مدت موقت سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی برای اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل مقابل دفتر مدیریت تجمع کردند. به گزارش ماهشهر نیوز، یکی از کارگران حاضر در تجمع گفت: کارکنان مدت موقت سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی خواستار اجرای حکم قانونی طبقه بندی مشاغل در این سازمان هستند.

سه شنبه ۱۲ اسفند

* جمعی از خریداران کامیون از شرکت خودرو ساز برای اعتراض به عدم شماره گذاری وسیله نقلیه خود در مرکز تعویض پلاک کرمان اجتماع کردند. به گزارش صدا و سیما مرکز کرمان، تاخیر در شماره گذاری کامیون‌های تحویلی به مشتریان باعث تجمع آنان در مرکز تعویض پلاک کرمان و ابراز نارضایتی این عده شده است. به گفته این رانندگان شرکت خودرو ساز پس از گذشت یک سال از ثبت نام و دریافت بیش از یک میلیارد تومان اکنون کامیون‌هایی تحویل داده که راهنمایی رانندگی آنها را شماره گذاری نمی کند.

چهارشنبه ۱۳ اسفند

* جمعی از مغازه داران اهواز منجمله مرکز خرید کارون، مهزیار در منطقه زیتون، سلمان فارسی، بازار مرکزی منطقه کیانپارس و ... برای اعتراض به بلا تکلیفی معیشتی در پی محدودیتهای کرونایی و عدم حمایت دولت دست به تجمع مقابل فرمانداری کلانشهر اهواز زدند. به گزارش مهر، اهواز و چند شهر از استان خوزستان در شرایط قرمز کرونایی قرار دارند و با این حال بازاریان معتقد هستند که در ایام پایان سال فروش شان بیشتر است و نباید محدودیتهای آنها اعمال شود.

* جمعی از خانواده های جانبازگان پرواز هواپیمای اوکراینی، در اعتراض به تناقض گزارشهای ایران با گزارش اخیر سازمان ملل متحد درباره ساقط شدن این هواپیمای مسافربری، دست به تجمع زدند. به گزارش هرانا، خانواده ها با رد هر گونه توافق بر سر دریافت غرامت اعلام کردند که: لحظه ای از خونخواهی عزیزانمان پا پس نمی کشیم.

* کارگران کارخانه تولید آلومینیوم ایران (ایرالکو) واقع در اراک برای اعتراض به عدم تبدیل وضعیت، سطح نازل حقوق و تغییر آیین نامه انضباطی طی یک هفته خوردن غذای شرکت را تحریم کردند. به گزارش ایران کارگر، برخی از خواسته های کارگران ایرالکو بدین شرح است: تغییر قراردادهای مدت معین به دائم، برگشت آیین نامه انضباطی به سنوات قبل و تصمیم گیری توسط کمیته انضباطی نه شخص مدیرعامل، ارتقای شغلی براساس تجربه نه تحصیل، جایگزینی فرزندان پرسنل با پدران بازنشسته، بازنگری طرح طبقه بندی مشاغل، جذب نیرو در بخش تولید با هدف کاهش فشار کار به پرسنل این قسمت، استخدام ایثارگران شرکت و فرزندشان، تبدیل وضعیت قرارداد پرسنل پیمانکاری و حذف پیمانکاران تامین نیروی انسانی، یکسان سازی ساعت اضافه کاری برای تمام سطوح پرسنلی، تامین ابزار و وسایل کارگاهها، اختصاص کمک هزینه مسکن به پرسنل و پرداخت معوقه سرانه ورزشی.

به دنبال موافقت هیات مدیره و مدیرعامل شرکت با بخشی از خواسته های کارگران، آنها به تحریم پس از یک هفته خاتمه دادند.

شنبه ۱۶ اسفند

* کارگران واحد شیرین سازی میعانات گازی پالایشگاه گاز (شرکت آرین تجارت مانا) در ایلام پس از چندین سال فعالیت اکنون با توقف این واحد از کار بیکار شده اند. به گزارش فارس، معترضان با تجمع مقابل استانداری خواهان جذب دوباره در پالایشگاه گاز و یا پتروشیمی شدند. در جریان این تجمع شماری از کارگران شاغل نیز با پیوستن به همکاران اخراجی

خود خواستار توقف فوری اخراجها و دائمی شدن قراردادها شدند. در این روز همچنین شماری از مردم شهرستان چوار همراه با کارگران در تجمع شرکت کردند.

پیش از این در روزهای شنبه ۲ اسفند، یکشنبه ۳ اسفند و چهارشنبه ۶ اسفند نیز اقدام به تجمع مقابل شرکت و جلوی استانداری کردند.

*کارگران کارخانه لاستیک پارس ساوه برای سیزدهمین روز متوالی در اعتراض به عدم تعیین تکلیف با صندوق پس انداز، پس از خصوصی سازی، دست به اعتصاب زدند. به گزارش ایننا، اعتصاب ۶۵۰ کارگر شرکت لاستیک پارس ساوه علیه



اجحافات کارفرمای خصوصی شده این شرکت، شکل گرفته است. کارگران با بیان اینکه خواسته اصلی ما، حل مشکل صندوق پس انداز و استرداد پولهایی است که در سالهای گذشته در آن اندوختیم، گفتند: از سال ۹۷ که مجتمع به بخش خصوصی واگذار شد، دیگر ریالی وام به کارکنان ندادند؛ ما خواستار این هستیم که صندوق کاملاً برچیده شده و پولهای کارگران به اضافه سهم پنج درصدی که هر ماه کارفرما قبلاً برای هر کارگر واریز کرده، بازگردانده شود.

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران طی یک توافق ۴ ماده ای تصمیم گرفتند که از روز یکشنبه ۱۷ اسفند شروع به کار کنند.

*شماری از شاغلان حوزه بازیافت همدان برای اعتراض به فروش اجباری ضایعات به فردی خاص مقابل ساختمان شورای فرمایشی شهر تجمع کردند. به گزارش عصر همدان، تجمع کنندگان از ناعدالتی فروش اجباری ضایعات جمع آوری شده و با قیمت کم به فردی خاص معرفی شده از سوی شهرداری سخن می گویند و تاکید دارند که به آنها توصیه شده است در صورت عدم همکاری با آقای خاص باید این شغل را کنار گذاشته و مغازه های موجود در جاده ینگجه را تعطیل کنند.

*کارگران حراست ورزشگاه غدیر در دفتر مدیرکل ورزش و جوانان استان خوزستان در اهواز تجمع کردند. به گزارش ایسنا، کارگران با پهن کردند سفره خالی خواستار دریافت ۲۴ ماه حقوق معوقه خود شدند. کارگران که از پرداخت نشدن مطالبات خود طی دو سال اخیر اعتراض دارند و با نزدیک شدن به عید نوروز، فشار اقتصادی بسیاری را متحمل شده اند. آنها چند روز پیش نیز مقابل استانداری تجمع کرده بودند.

*رانندگان تانکرهای سوخت که به دلیل ممانعت اقلیم کردستان عراق در ایرانشهر بلا تکلیف شدند، دست به تجمع مقابل فرمانداری این شهرستان زدند و خواستار حل مشکل شان و پایان دادن به بلا تکلیفی شان شدند. به گزارش تین نیوز، تجمع کنندگان گفتند: بیش از ۲ ماه است که تانکرهای حامل سوخت در پیرانشهر متوقف شده و اجازه ورود به داخل اقلیم کردستان را ندارند.

*کارگران شهرداری کوت سید نعیم برای اعتراض به عدم پرداخت ۷ ماه حقوق و بی تفاوتی مسئولان دست به تجمع مقابل استانداری خوزستان زدند. به گزارش ایننا، کارگران مجموعه شهرداری کوت سید نعیم از توابع بخش مرکزی شهرستان دشت آزادگان در استان خوزستان گفتند: حدود ۷ ماه دستمزد پرداخت نشده دارند و بیمه آنها نیز چندین ماه پرداخت نشده است.

*برای چهارمین روز، کارگران کارخانه سرامیک فردا واقع در شهرک صنعتی ساوه به اعتصاب و تجمع شان برای افزایش حقوق ادامه دادند. به گزارش کانال رسمی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران، شرکت سرامیک فردا زیر مجموعه کاوه فلوت در شهرک صنعتی ساوه از روز چهارشنبه ۱۳ اسفند دست به اعتصاب زده و در محوطه کارخانه تجمع کردند.

خواست اصلی آنان هماهنگ نبودن دریافتها با کار محوله است و خواستار افزایش دستمزدها هستند. تاکنون کارفرما در مقابل این خواست کارگران هیچگونه واکنشی نشان نداده است.

یکشنبه ۱۷ اسفند

*کارگران تراورس لرستان و زاگرس همزمان در اعتراض به پرداخت نشدن حدود سه ماه معوقات مزدی و عیدی در این دو استان دست از کار کشیدند. به گزارش ایلنا، به دنبال برپایی تجمعات صنفی اخیر کارگران تراورس در برخی نواحی مختلف ریلی، گروهی از کارگران شرکت پیمانکاری ابنیه فنی مناطق لرستان و زاگرس به صورت جداگانه باوجود حضور در محل کار خود از انجام فعالیت روزانه خوداری کردند. ۶۰۰ کارگر در تراورس لرستان و حدود ۳۰۰ کارگر در تراورس زاگرس مشغول به کار هستند. شرکت تراورس در نواحی ریلی کشور حدود ۷ هزار کارگر دارد که مجموع این کارگران از شرایط موجود نگران هستند.

*جمعی از گاوداران و دامداران سنتی گناباد برای اعتراض به نحوه توزیع نهاده های دامی و قیمت شیر دست به تجمع مقابل ساختمان اداره جهاد کشاورزی این شهرستان در استان خراسان رضوی زدند. به گزارش ایلنا، دامداران گفتند: چرا فرمول توزیع نهاده در این شهرستان با شهرهای همجوار متغیر است. علاوه بر این به رکورد و میزان تخصیصی بر اساس رکورد نیز اعتراض داریم.

*جمعی از آبداران اداره آب و فاضلاب شهرستان یاسوج، مقابل استانداری کهگیلویه و بویراحمد، تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش هرانا، تجمع آبداران در اعتراض به معوقات مزدی خود، صورت گرفت. یکی از آبداران حاضر در تجمع گفت: ما فقط برای حق و حقوق مان تجمع کرده ایم، مسئولان بارها وعده داده اند که مشکلات ما را برطرف نمایند، اما هیچ کاری نکردند.

*شماری از بازرسان آرد و نان شهرستان ارومیه، مقابل استانداری آذربایجان غربی، تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش باریش نیوز، آنها دلیل این تجمع را اعتراض به عدم پرداخت معوقات مزدی عنوان کردند.

*نیروهای سپاه پاسداران که با چندین خودروی نظامی به همراه بخشدار بخش مینان به روستای باتک برای مصادره زمینهای مردم و ساخت پایگاه به این روستا آمده بودند با تجمع و مقاومت مردم روبرو شدند. به گزارش رصد بلوچستان، پس از ممانعت اهالی باتک از مصادره زمینها، بخشدار بخش مینان دستور تیراندازی داد با خشم مردم روبرو شد.

دوشنبه ۱۸ اسفند

*کارگران فرآورده های نفتی مقابل فرمانداری ماهشهر تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران بخش فرآورده های نفتی ماهشهر در اعتراض به وضعیت خود تجمع کردند. این تجمع ساعت ۸ صبح آغاز و حدود ۳ ساعت بعد، خاتمه یافت. کارگران معترض نسبت به حقوق خود و عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل اعتراض داشتند.

سه شنبه ۱۹ اسفند

*به گزارش برق نیوز، صدها کارگر شرکتی و حجمی شرکتهای توزیع نیروی برق سراسر کشور برای اعتراض



به عدم تبدیل وضعیت و سطح نازل حقوق منجمله تبعیض در پرداخت حقوق و همسان سازی نشدن حقوق راهی تهران شدند و با تجمع مقابل مجلس، برافراشتن پلاکاردها از جمله «کار مساوی، ولی حقوق نابرابر» و سردادن شعارهایی خواهان

حذف آزمون تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی، همسان سازی حقوق و مزایای آن‌ها با نیروهای رسمی و حذف شرکت‌های واسط تامین نیرو شدند.

*شماری از نیروهای قراردادی شرکت نفت با تجمع مقابل مجلس خواستار تبدیل وضعیت قراردادی خود شدند. به گزارش ایلنا، در حالی که شاغل رسمی وزارت نفت حداقل ۱۵ میلیون تومان حقوق دریافت می‌کند، یک شاغل مدت موقت هم رده‌ی وی، ماهانه تنها حدود ۴ میلیون تومان دریافت می‌کند. حاضران در این تجمع تاکید دارند که بار صنعت نفت کشور بر دوش نیروهای مدت موقت است اما وزارت نفت تنها حقوق و مزایای نیروهای رسمی را به رسمیت می‌شناسد و برای ترمیم حقوق مدت موقتیها، کاری را انجام نمی‌دهد. *گروهی از کارگران نگهداری از خطوط راه آهن کرج که تحت مسئولیت یک شرکت پیمانکاری مشغول کارند، در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی و بیمه‌ای، در محدوده محل کار خود تجمع کردند. به گزارش ایلنا، به گفته این کارگران؛ پرداخت مطالبات مزدی و بیمه‌ای آنها سه ماه به تاخیر افتاده و درخواست آنها در تجمع امروز تسریع در پرداخت حداقل بخشی از معوقات مزدی و عیدی در آستانه سال نو است.

همزمان، کارگران راه آهن ورامین با خاتمه ضرب الاجل ازپیش تعیین شده، دوباره دست به اعتصاب زدند و اعلام کردند در صورت پرداخت نشدن عیدی امروز، راهدارها شب، شیفت را تحویل نخواهند گرفت.

چهارشنبه ۲۰ اسفند

*تعداد زیادی از کارگران فضای سبز شهری بندر عباس، دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش تسنیم، کارگران معترض علت تجمع خود را کسر شدن حقوق خود اعلام کردند و گفتند: در ماههای گذشته ما به یک روال ثابت حقوق دریافت می‌کردیم، اما در ماههای دی و بهمن حقوق ما با کسری در حد ۶۰۰ هزار تومان تا ۱ میلیون و دویست همراه بوده است.

این معترضان معتقدند جمعه کاری و حق اولاد آنها از فیش حقوقی حذف شده و به آنها تعلق نگرفته است و به همین سبب حقوق آنها کاهش چشمگیری داشته است.

*گروهی از اهالی روستاهای راسفند و نوترگی در اعتراض به تخلیه زباله های شهری در نزدیکی محل زندگی شان مقابل بیدادگستری ایزه تجمع کردند. به گزارش عصرجنوب، روستائیان می‌گویند علاوه بر آلوده کردن منطقه قنات، سوزاندن زباله ها نیز باعث ایجاد بیماری و مرگ دامها شده است. یک روز پیش از این نیز روستائیان معترض با سد کردن راه ماشین آلات شهرداری ایزه، اجازه تخلیه زباله در این منطقه را ندادند.

چهارشنبه ۲۰ اسفند

*کارگران مجتمع تجاری کنزالمال «اروند مال» خرمشهر (شرکت توسعه تعاون منطقه آزاد تجاری اروند) در ادامه اعتراض به عدم پرداخت به موقع مطالبات خود دست به تجمع مقابل سازمان بازرسی منطقه آزاد اروند زدند. به گزارش ایلنا، پس از این تجمع تعدادی از کارگران حق طلب مجتمع تجاری کنزالمال از سوی شرکت توسعه تعاون منطقه آزاد تجاری اروند احضار و تهدید به اخراج شدند. کارگران گفتند: به دنبال مراجعه حضوری تعدادی از کارگران به دفتر منطقه آزاد اروند، بلافاصله بازرسی منطقه آزاد اروند، با احضار تعدادی از مسئولان شرکت توسعه تعاون منطقه آزاد تجاری اروند، پیمانکار و مدیران مجتمع تجاری، دستور کتبی پرداخت حقوق، عیدی و سنوات کارگران پیمانکاری شاغل در مجتمع تجاری اروند (کنزالمال) را تا ۲۵ اسفند صادر کرد.

*کارکنان دانشگاه یاسوج برای اعتراض به سطح نازل حقوق و عدم پرداخت پاداش و عیدی و سنوات دست به تجمع مقابل ساختمان مدیریت این دانشگاه در استان کهگیلویه و بویراحمد زدند. به گزارش کبنا، معاون اداری و مالی دانشگاه در جمع کارکنان معترض حضور یافت و پس از مطالعه و در جریان قرار گرفتن مطالبات کارکنان در سخنانی عجیب و با عصبانیت خطاب به کارکنان گفت من کارهای خیلی مهم تری دارم، مناقصه داشتم و از جلسه بلند شدم و اینجا آمدم

نباید می آمد. در همین رابطه، یکی از کارکنان دانشگاه یاسوج ضمن انتقاد از صحبت‌های معاون اداری و مالی دانشگاه گفت: اولاً انتظار می رفت رئیس دانشگاه در جمع کارکنان حاضر می شد و صحبت‌ها و حرفه های آنان را می شنید ثانیاً این سخنان یعنی بیش از ۱۵۰ کارمند دانشگاه یاسوج مهم نیستند و مناقصه برای آنها ارجعیت دارد.

پنجشنبه ۲۱ اسفند

* جمعی از اهالی روستای جدول غوره مختار در شهرستان بویراحمد برای اعتراض به طرح «هادی روستایی» مقابل استانداری کهگیلویه و بویراحمد تجمع کردند. به گزارش کبنا یکی از تجمع کنندگان گفت: طرح «هادی روستایی» در مورد این روستا جامع نیست، که انتظار می رود، مسئولان استان این موضوع را مدنظر قرار دهند. مردم نگران اجرای این طرح هستند. مثلاً؛ باغ به مسکونی و یا مسکونی به باغ تبدیل شده و یا زمین کشاورزی از طرح خارج یا الحاق شده است، آنهم بدون هماهنگی با اهالی.

* کارگران شرکت کیسون که کار ساخت مخازن نفت در کوه مبارک جاسک در استان هرمزگان را برعهده دارند، در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق و عیدی و قراردادهای ناروشن، به اعتصاب شان برای سومین روز ادامه دادند. به گزارش رسانک، یکی از کارگران معترض شرکت کیسون گفت: مشخص نبودن مبالغ قراردادهای طبق قانون کار و موضوع مرخصی کارگران، از جمله ابهامات آنها است که این شرکت حاضر نیست یک نسخه از قرارداد را در اختیار کارگران قرار دهد. وی در ادامه می افزاید: کارگرانی که اعتصاب کرده اند خواستار پرداخت دستمزد عقب افتاده و دیگر مطالبات خود هستند، اما مسئولان این شرکت آنها را تهدید به اخراج کرده اند.

شنبه ۲۳ اسفند

* کارگران راه آهن لرستان از روز شنبه ۱۶ اسفند دست به اعتصاب زدند. به گزارش ایلنا، اعتصاب کارگران راه آهن لرستان در اعتراض به عدم پرداخت به موقع حقوق و مطالبات و اجرایی نشدن تجمیع قراردادهای وارد دومین هفته شد. کارگران معترض اعلام کردند که به اعتصاب خود به طور موقت پایان خواهند داد و تا برآورده شدن و وصول خواسته های همه کارگران به مبارزه ادامه خواهد داد.

* شماری از مالباختگان شرکت صنعت خودرو آذربایجان (آدویکو)، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان، برای سومین بار در این ماه مقابل ساختمان دادگاه مفاسد اقتصادی واقع در خیابان خیام شمالی در تهران، دست به تجمع اعتراضی زدند. غارت شدگان به وسیله این شرکت، روزهای چهارشنبه ۶ اسفند و دوشنبه ۱۸ اسفند نیز مقابل مجتمع ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی در تهران و مقابل وزارت صمت دست به تجمع زدند.

گروه آذربایجان خودرو یا به طور مختصر «آدویکو»، قرار بود خودروی **MG 360** چینی را در تبریز مونتاژ کند. خودروهایی که از نظر کیفیت و امکانات رفاهی می توانست قابل رقابت با دیگر خودروهای ارزان قیمت بازار باشد. برای همین ۶۴۰۰ دستگاه هم پیش فروش شد، اما با تشدید تحریمها تعهدات این خودروساز عملی نشد و همین موضوع باعث اعتراض خریداران و تشکیل پرونده تخلف برای این گروه خودروسازی شد.

* جمعی از کارگران مهمانسراها و باشگاههای شرکت نفت گچساران برای اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و بیمه تکمیلی دست به تجمع زدند. به گزارش کبنا نیوز، تجمع کنندگان در باره اعمال سلیقه ای طرح طبقه بندی مشاغل گفتند: شرکت نفت ۳۸۰ نیرو در چند سال گذشته گرفته است که هیچ سابقه ای ندارند، ولی طرح طبقه بندی به آنها تعلق گرفته است، از طرفی ما که سابقه های ۲۵ ساله هم داریم این طرح به ما تعلق نگرفته است.

یکشنبه ۲۴ اسفند

* تعدادی از کارگران کارخانه ایران مایه (گلمایه) برای دومین روز مقابل فرمانداری شهرستان تبریز تجمع کردند. به گزارش ایسنا، یکی از کارگران معترض گفت: کارخانه ما حدود ۳ الی ۴ روز است که توسط رئیس تعطیل شده و به ما

گفته اند که بروید و چند ماه بعد بیایید. وی ادامه داد: این کارخانه بیش از ۱۰۰ نفر کارگر دارد که هیچ کدام مجرد نبوده و همگی نان آور خانواده خود هستند اما متاسفانه حدود ۴۰ نفر را در آذر ماه بیرون کردند و ما نیز به مدت ۳ روز است که به علت تعطیلی کارخانه بیکار هستیم.

*کارگران و استادکاران ساختمانی شهر سقز در اعتراض به نبودن سهمیه بیمه مقابل سازمان تامین اجتماعی شهرستان سقز تجمعی اعتراضی برگزار کردند. به گزارش کانال تلگرام شهر آنلاین سقز، احمدزاده ریاست سازمان تامین اجتماعی در پاسخ به کارگران گفت: هیچ سهمیه ای وجود ندارد و برای گرفتن سهمیه به نماینده شهر سقز مراجعه کنید و سهمیه بگیرید.

*جمعی از اهالی محله سرقنات ایزه برای اعتراض به تخلیه پسماند در این منطقه موسوم به کوره ها دست به تجمع مقابل شهرداری این شهر در استان خوزستان زدند. به گزارش ایلنا، مردم می گویند: چگونه شهرداری ایزه می تواند با افتخار از افتتاح یک مکان فرهنگی مثل سینما حرف بزند، در حالی که طی سی سال هنوز نتوانسته مشکل فرهنگی مثل بحث پسماندهای شهری را به سرانجام برساند؟

*سهام داران بانک دی در اعتراض به متضرر شدن خود مقابل بنیاد غارتگر شهید تجمع کردند و شعارهایی در نقد عملکرد اوحدی رئیس بنیاد شهید سر دادند. به گزارش جی پلاس، ماجرا از این قرار است که همزمان با اوج گیری بازار بورس در نیمه اول سال سهام بانک دی از قیمت هر سهم ۵۵۹ تومان با ۱۴ برابری به قیمت هر سهم ۸ هزار تومان در تاریخ بیست مرداد ۹۹ رسیده بود تا این که سهام داران دیگر امکان فروش سهام خود را پیدا نکردند و اکنون که نزدیک به شش ماه از وعده های اوحدی گذشته، سهام این بانک بیش از ۷۷ درصد کاهش قیمت داشته است.

دوشنبه ۲۵ اسفند

*کارگران شرکت تراورس کرج برای دومین بار طی هفته گذشته، مقابل ایستگاه این شهر دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، این کارگران به نامشخص بودن وضعیت شغلی و مزدی شان بعد از واگذاری مدیریت خصوصی شرکت تراورس به شرکت راه آهن اعتراض کردند.

همزمان با فراخوان شورای هماهنگی کارگران و کارکنان خط و ابنیه فنی راه آهن مبنی بر اعتصاب، کارگران راه آهن ورامین دست به اعتصاب زدند.

*جمعی از کارگران شرکت معادن زغال سنگ کرمان برای اعتراض به اجرا نشدن کامل طرح طبقه بندی مشاغل، تبدیل وضعیت و ... دست به تجمع مقابل دفتر امام جمعه کرمان زدند.

به گزارش راه آرمان، در پی اعتصاب اردیبهشت ماه سال جاری کارگران معدن زغال سنگ کرمان، امام جمعه کرمان ضمن درخواست فرصتی ۴۵ روزه از کارگران برای رسیدگی به مشکلات آنها قول پیگیری مطالبات را به کارگران داد. کارگران با حضور در برابر دفتر امام جمعه کرمان اعتراض خود را مبنی بر عدم اجرای بند های توافق نامه ای که در ۸ بند تنظیم شده و توسط مسئولان استان امضاء شده بود، اعلام کرده اند، مصوباتی که قرار بود ۴۵ روز محقق شود اما با گذشت ۲۹۴ روز همچنان بر روی کاغذ مانده اند.

*شماری از کارکنان آتش نشانی آبادان، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه و عیدی، مقابل ساختمان شهرداری این شهرستان دست به تجمع زدند. به گزارش صدا و سیما، این کارکنان با اشاره به نزدیک شدن به روزهای پایانی سال و فرا رسیدن عید نوروز خواستار پرداخت مطالبات خود شدند و از وعده های بی عمل ابراز گلایه کرده و خواستار توجه مسئولان به وضعیت معیشتی خود شدند.

*کارگران کارخانه قند یاسوج در اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی مقابل جلوی بانک تجارت استان کهگیلویه و بویراحمد تجمع کردند. به گزارش کبنا، چند سالی بود که بزرگترین کارخانه صنعتی یاسوج مرکز استان کهگیلویه و بویراحمد در سایه سوء مدیریت و بی توجهی به غارت رفته بود و با ورود دستگاه قضا و سایر دستگاههای نظارتی این

کارخانه به بیت المال برگشت. بیش از ۱۰۰ کارگر از نان خوردن افتاده است. آنها هنوز که هنوز است، در بلاتکلیفی به سر می‌برند، نه حقوقی دارند، نه شغلی، و شرایط بد اقتصادی این روزها نیز بر آنها فشار می‌آورد.

سه شنبه ۲۶ اسفند

*کارگران شرکت پارس متال در اعتراض به اجرا نشدن تعهدات کارفرما مقابل این شرکت تجمع کردند. به گزارش ایلنا، منابع کارگری شرکت متال اظهارداشتند: این شرکت برای تسویه حساب سنوات معوقه کارگران با بانک مهر اقتصاد وارد مذاکره شده است تا با دریافت وام بانکی، مطالبات عقب مانده کارگران کارخانه را تسویه کند.

*برای سومین بار در ماه جاری، کارگران شرکتی و حجمی شرکتهای توزیع نیروی برق سراسر کشور برای اعتراض به عدم تبدیل وضعیت و سطح نازل حقوق منجمله تبعیض در پرداخت حقوق و عدم همسان سازی و برای حذف شرکتهای پیمانکاری دست به تجمع مقابل مجلس زدند. یکی از کارگران حاضر در تجمع به خبرنگار بازتاب گفت: من با سابقه بالای ده سال در شرکت توزیع برق کشور به صورت شرکتی استخدام شده ام و از تبدیل وضعیت ما خبری نیست. وی افزود: حقوق یک نیروی رسمی شرکت توزیع با سابقه و تخصص کمتر حدوداً سه برابر امثال بنده است، حال اینکه کار ما دقیقاً یک سان است.

*کارگران خدمات شهری شهرداری بهبهان برای اعتراض به عدم پرداخت به موقع حقوق و وعده های توخالی مسئولان، دست از کارکشیدند و مقابل ساختمان شورای این شهر در استان خوزستان زدند. به گزارش خورنا، کارگران از فشارهای اقتصادی در آستانه عید نوروز و وعده های محقق نشده چند باره شهرداری برای پرداخت حقوق و عیدی خود به شدت اعتراض کردند.

چهارشنبه ۲۷ اسفند

*برای سومین روز متوالی، کارگران راه آهن اراک نور آباد مشگ آباد (شرکت جوش گستر) در اعتراض به عدم پرداخت به موقع حقوق به اعتصاب ادامه دادند. به گزارش ایلنا، مطالبات کارگران خطوط ابنیه فنی راه آهن ناحیه اراک چند ماه است پرداخت نشده و این کارگران در این شرایط سخت کرونایی بارها خواستار پرداخت این مطالبات شدند. یکی از کارگران معترض گفت: همه کارگران معترض خطوط ابنیه فنی راه آهن ناحیه اراک و سایر شهرهای کشور که تحت مسئولیت یک تا چند شرکت پیمانکاری مشغول کارند، معوقات مزدی دارند. برخی از این کارگران هر روز بعد از ساعت کاری برای امرار معاش و تامین معاش خانوادهای شان دستفروشی و مسافركشی می کنند.

پیش از این روز یکشنبه ۱۷ اسفند، کارگران راه آهن نورآباد اراک (شرکت جوش گستر) برای اعتراض به عدم پرداخت به موقع حقوق و مطالبات و اجرایی نشدن تجمیع قراردادهای دست به اعتصاب زدند.

پنجشنبه ۲۸ اسفند

*شماری از کارگران شبکه آب و فاضلاب اهواز، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان، برای چهارمین روز مقابل ساختمان استانداری تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران حاضر در این تجمع گفتند: مطالبات دهها نفر از کارگران شبکه آب و فاضلاب اهواز چند ماه است پرداخت نشده و ما در این شرایط سخت کرونایی بارها خواستار پرداخت این مطالبات شده ایم.

یکی از کارگران معترض گفت: همه کارگران معترض آبفای این شهر و سایر شهرهای استان که تحت مسئولیت یک تا چند شرکت پیمانکاری مشغول کارند، معوقات مزدی دارند. برخی از این کارگران هر روز بعد از ساعت کاری برای تامین معاش خانوادهای شان به اجبار دستفروشی و مسافركشی می کنند.

*برای سومین روز متوالی، کارگران پالایشگاه هشتم پارس جنوبی (شرکت OICO) در فازهای ۲۰-۲۱ برای اعتراض به کسر حقوق، عدم واریز بیمه، بی کیفیتی غذا، نداشتن سرویس ایمن و با کیفیت، تهدید و اخراج بعضی از کارگران و امضای

اجباری قرارداد، دست از کار کشیده و در محل کارشان اجتماع می کنند. به گزارش تسنیم، این کارکنان نسبت به کسر حقوق، عدم واریز بیمه، بی کیفیتی غذا، نداشتن سرویس ایمن و با کیفیت، تهدید و اخراج بعضی از کارکنان، و امضای اجباری، اعتراض داشتند.

اخبار کوتاه منتشر شده در شبکه های اجتماعی

شنبه ۲ اسفند: تجمع کارگران مجتمع تجاری اروند در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات معوقه خود مقابل ساختمان این مجتمع. / تجمع اهالی زلزله زده سی سخت همزمان با سفر و بازدید ریسی، رئیس جنایتکار قوه قضاییه.

شنبه ۹ اسفند: جمعی از اهالی شهر شاوور در استان خوزستان برای اعتراض به آلودگی هوای منطقه توسط کوره آجر توکل تجمع کردند.

یکشنبه ۱۰ اسفند: تجمع کارکنان شهرداری تبریز مقابل شورای شهر. / تجمع کارگران کارخانه رنگ سازی پارس پامچال واقع در شهر صنعتی قزوین

دوشنبه ۱۱ اسفند: کارگران شرکت دنا آیین، پیمانکار رستوران سازمان منطقه ویژه عسلویه، در اعتراض به عدم دریافت مطالبات معوقه، حقوق و تغییر برنامه کاری از اقماری به روز کار، تجمع کردند.

سه شنبه ۱۲ اسفند: تجمع کارگران شهرداری کوت سید نعیم از توابع دشت میسان (دشت آزادگان) در اعتراض به عدم پرداخت حقوق ۷ ماه اخیر. / تجمع جایگاه داران سوخت استان اصفهان برای اعتراض نسبت به عدم رفع مشکلات شان مقابل استانداری.

پنج شنبه ۱۴ اسفند: کارگران راه آهن ورامین (شرکت تراورس) در اعتراض به عدم پرداخت به موقع حقوق و مطالبات و وضعیت ناروشن شغلی دست به اعتصاب زدند.

شنبه ۱۶ اسفند

تجمع اعتراضی کشاورزان شرق اصفهان. نیروهای یگان ویژه و کلانتری محل در صحنه حضور داشتند. / تجمع خانواده های کودکان مبتلا به بیماری SMA مقابل ساختمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در تهران. / تجمع مرغ فروشهای تبریزی مقابل استانداری آذربایجان شرقی. تجمع کنندگان بنرهایی در دست داشتند که روی آنها نوشته شده بود: «شب عید و سفره های خالی» «مسئولان مرغ یارانه ای کجاست؟» / تجمع کارگران شرکت نفت سپاهان پیمانکار شرکت پالایش میعانات گازی آدیش در عسلویه به دلیل عدم دریافت مطالبات معوقه، مقابل دفاتر کارگاه.

یکشنبه ۱۷ اسفند: اعتصاب کارگران واحد انتظامات، نگهداری و بهسازی خط ۵ مترو تهران.

دوشنبه ۱۸ اسفند: تجمع غارت شدگان خشمگین بورس مقابل سازمان بورس و اوراق بهادار در میدان ونک. / حواله داران خودرو از شرکت خودرو سازی MG برای اعتراض به عدم تحویل خودرو خریداری شده پس از ۳ سال دست به تجمع مقابل وزارت صمت زدند.

سه شنبه ۱۹ اسفند: بیش از ۲۰۰ نفر از اهالی چاف و چمخاله لنگرود در استان گیلان برای اعتراض به تصرف اراضی شان توسط اداره راه و شهرسازی دست به تجمع زدند. / تعدادی از کارگران شهرداری اهواز در اعتراض به عدم دریافت کامل حقوق معوقه خود دست به تجمع مقابل ساختمان شهرداری زدند. / جمعی از سهامداران بانک دی، در اعتراض به تاخیر تاییدیه و مجوز سازمان بورس برای افزایش سرمایه بانک دی مقابل ساختمان مرکزی این بانک در تهران تجمع کردند.

چهارشنبه ۲۰ اسفند: تجمع اعتراضی نیروهای شرکتی و خدماتی شرکت توزیع نیروی برق ایران برای احقاق حق خود مقابل مجلس. / همزمان با سفر قالیباف، دستفروشان خیابان فردوسی سنندج برای اعتراض به بلا تکلیفی معیشتی مقابل استانداری کردستان اجتماع کردند. / تجمع ۲ هزار نفر اهالی گچساران مقابل پتروشیمی گچساران در اعتراض به استخدامها غیر عادلانه در این مجتمع واقع در استان کهگیلویه و بویراحمد.

پنج شنبه ۲۱ اسفند: کشاورزان زحمتکش زاهدانی که از بی آبی و عدم توجه مسئولان نمی توانند در زمین خود زراعت کنند با به دست گرفتن «شعار فریاد کشاورزان گرسنه» دست به تجمع زدند. کارگران کارخانه سرامیک فردا بار دیگر در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه خود دست از کار کشیدند.

یکشنبه ۲۴ اسفند: رانندگان بخش خصوصی اتوبوسرانی بیرجند برای اعتراض به عدم دریافت یارانه مشاغل آسیب دیده از بیماری کرونا مقابل شهرداری این شهر در استان خراسان جنوبی زدند. ساکنان محله های سیاسی، فردوان و سرچشمه در اصفهان در اعتراض به استان قدس رضوی که مدعی شده زمینهای آن محلات وقف آن استان است و ساکنان باید آنجا را تخلیه کنند، مقابل شهرداری اصفهان تجمع کردند. تجمع اعتراضی اهالی محله جوچی پیربکران در اعتراض به منابع طبیعی و مصادره زمینهای شان مقابل آموزش و پرورش فلاورجان. کارگران بخش روستایی آب و فاضلاب شهرستان دشت آزادگان در اعتراض به عدم پرداخت حقوق ۷ ماهه معوقه حقوق خود، مقابل ساختمان فرمانداری این شهرستان تجمع برگزار کردند. تجمع جمعی از مردم افرینه در پلدختر در اعتراض به کاستیهای کار درمانگاه افرینه.

دوشنبه ۲۵ اسفند: گروهی از مالباختگان شرکتهای ریگان خودرو و شهر خودرو مقابل دادسرا جرائم اقتصادی تجمع اعتراضی برپا کردند.



قرینه های موازی

امید آدینه

از مجموعه اشعار محاکات / تقدیم به جان فدا رفیق بیژن جزنی

تاریخ

امتدادِ واژه پوش و شعله گستر آسمان و زمین نیست!

تاریخ

مفهوم نخستین عطش،

در طعم دیدار است و

زایش مرموز و مداوم بی شماران اتفاق:

مگر می شود

که،

انجمن و امواج دریاها

امانت را برنگردانند

مگر می شود که

هجرت خون،

از رگان محض گیاه

هاشور کوچ بر فوج پرندگان نزند

مگر می شود

که،

خطوط مسدود برگ بر بیات تلاوت

همان لمس مطرود تن نباشد

و یا مگر می شود که

بی گناهان محکوم و

کلماتِ ناسور در صفحاتِ قدیمی
از قیل و بُنِ مَعَمّا و مرگ
برنخیزند
آری!

می دانم که دیگر
انتشارِ رؤیا،
و ازدحامِ صبح
حکایت از چکاوک ،
و ریشه و چراغ ندارد
و ذاتِ مشعلها
به گورِ خوابِ خورشید،
می ماند و
کاسه یِ مبهمِ گل
عشوه یِ نارسِ پيله و پروانه است
می دانم که پیوسته
و آرام:

خدايگانِ بی مرز
در نقطهٔ چینِ فلاکت،
و خشم و جهل
می رویند...

قامتِ خانه هایِ پوسیده و پوچِ بتان
بر لَحْنِ سردِ اجساد، می غُرّند
و نیز،

می دانم
که آن سویِ نخلها
و چشمه ها و ساقه هایِ رو به زوال
که نو پردازانِ آش
در حلقه هایِ فرتوتِ ویرانی،
می میرند

معرکه ای جز صورتکِ بد اقبال نیست
و راویانِ فریب و
خویشاوندانِ بیهودگی
آشکارا به قتلِ هر قناری می روند
و شکوفه ها و زیباییهها
بر مهٔ آلودِ مسموم
وسوسه می زاینند ... لالایی می خوانند
وحتّا!

وقتی دامها و گودالِ آتش

به تناسخ می رسند و
 در غلظتِ شب
 کامل و مضاعف می شوند
 رسولانِ حسرتِ آندودِ تمامِ عریان
 گهواره های بیم و برهنگی را
 می جُنبانند
 افسوس، و هزاران آه و تأسف
 گویی وحدتِ تماشا در حبابِ ترانه
 کهنه فتحِ آدمی ست بر شرحِ دقیق
 ولی به گمانِ ام ...
 این فرسوده بامِ آزادی و صلح
 رسمِ نوازش و
 لنگرِ مهربانی نیست
 و باید:
 جست و جو گنان ... پرسه زنان
 جاری شد و
 حرفها و جمله ها را
 بر نهایتِ کال و خامِ این اوراقِ بی مصرف،
 آویزان کرد
 و یا!
 بی بهانه
 به عادتِ آخرینِ ناجی:
 همان کولیِ محبوب در کرانه های کور
 پرده از ترازوی بیگانه جلاخانِ یاوه فروش
 برداشت و
 به تقدیرِ من: به کهکشانشها و پُلها
 و به تقوایِ تو: به مکتبِ سرایِ جوانه و جرعه
 شهادت داد
 ... اکنون
 بگذار میانِ ستاره و سنگر،
 بنشینم
 و با وسواسِ فراوان!
 آفتابِ گونه بگویم و
 شبنم وار بنویسم
 من هر لحظه: به وقتِ رها آباد
 از دهانِ کوچک و لَزجِ باغی در بیابان
 یا از پشت و پسِ پلکهای مقصدی دور
 می شنوم و می نگرم که:

این ژولیدهٔ وسعتِ بی رونق
این پیچکِ رقصان و معصوم بر بلوغِ حیات
ساده تر نجوا کنم ...
این موطنِ مهتابِ خوانِ ملاقاتِ ممنوع
کابوس می بیند و رنج می برد و زمزمه می کند که کارگران،
مشغولِ بغض و مسلخ و تابوتِ آند
می بینی؟ می شنوی؟
زنانِ غلتیده در عاطفه و عصیان
بر خلوتِ اساطیر،
می گریند
مردانِ ماسیده بر نقاب و نفاق
نطفه و نثرِ خود را در آیینِ جنگ و منشورِ عزا
انکار کرده آند
و زائرانِ قانون و کاتبانِ غضب و قاضیانِ شکِ آذین
به جشنِ ابلیس و حجلهٔ شیاطین رفته آند
تا گنگِ پژواکِ شان!
حیرت و هذیان و نالهٔ ما باشد
و سفیرانِ طبیعت
... آن شفافِ بالانِ پرستو زاد
لذتِ بوناکِ علف بر پیراهنِ ترا
احساس نکنند
به راستی
این باجه های سانسور و
پاسبانهای سخن
این ناطورانِ خیابان و
دکه های خیال
خوشهٔ چینِ افکار و اصوات و استخوانهایند
و فقط:
چشمانِ تسلیم و
دستانِ تسلیت را
طلب می کنند -

اما انگار!

همین حوالی
سمتِ آمیزشِ باران و باد با زخمِ خفته بر نگاه و خاک
کسی یا خبری می آید
کسی با الفبای تو
و خبری از جنسِ صدا

صدایی نیکو بلند
از عظیم عرصه های آغاز: تا خلاء یک دوست بر خزان مجهول آس
صدایی همچنان غرقه در لُکنت و یأس
صدایی به اندازه ی ژنده قبای پدر
که تشنه تر از شهوت شمع است
و نشان از قافله ها،
و قلّه ها و قلعه ها دارد
همان صدا
صدایی خشک سال در مسیرِ جمجمه ها و کهن دیاران
صدایی سپید مزاج بر افق گاه کاشفانِ سحر
صدایی به معنی همیشه و هنوز:
در شقیقه های میله و زنجیر
صدایی که ...
تا واپسین نبرد
تا ضیافت شومِ باروت و
بزمِ حقیرِ دشمن
و تا لبخندِ پیروزِ مستِ بشر بر پرچمِ شورش و اعتراض
خواهد تابید
و پلیدِ پیشه گانِ ناپیدا
و پیامبران و
سُستِ آیاتِ شان
و حتّا قافیه ها و قفسها و قفلِ بی کلید
بدل به هر هجای زیستن،
خواهند شد
آری!
صدایی مصلوب: با ضربآهنگِ قرون
صدایی مدعی
از کومه ها و دخمه های بی فانوس
صدایی سرب آجین
از تلنگرِ گرمِ روسپیان بر اندامِ روز
خواهد رسید:
صدایی میانِ هرگز و هیچ
صدایی واژگون،
و رُسوب گرفته بر فضایی معلق
صدایی سمج
و برف گستر،
در رد پای چوپان و
رَمه آس از رودخانه

صدایی خاص و خالص
 صدایی مثل هیاهوی گیجِ اضطراب،
 بر احکامِ اهریمن و اعدام
 صدایی عینِ خشِ خشِ قدم تا طرحِ تاریکی
 صدایی به مانندِ جادو یا معجزه ... نه!
 صدایی همچون شَبیحِ آرزو،
 در دامنه یِ کودکانِ بی نشاط
 صدایی از جمعِ حماسه و فلاتِ دریچه و توده یِ گندم
 و شبیه ابعادِ احتمال
 و شاید!
 همزادِ بوسه های تُردِ پنهانی
 صدایی که هنگامِ چخماق و جرقه
 اعترافِ جهان و
 نغمه یِ واحدِ جانِ داران است
 و چونان قصیده ای طولانی
 و گاه عبوس!
 در شطِ تاول و
 اقلیمِ تاوان
 تکثیر می شود و
 بر حصارِ پیچِ نفرت و نفرین و بطالت
 تَقلاً می کند
 ... بگذار
 تا غزلِ فام، و جاودانه بگویم
 بگذار تا نایِ قلم بر پیکرِ تازیانه و تبر
 برآشوبد
 و سبزینه جوهرِ فرزندانِ تباهی،
 و تبعید
 قییم هر نسل،
 و هر آونگ شود
 بگذار تا رویشِ جنگل و
 قیامِ کوه
 اشارتی باشد رو به پنجره و پندارِ تو
 بگذار تا آن گونه که،
 شاهدان و ناطقان
 بر طبلِ هشدار می کوبند
 من نیز: در هندسه الفاظ و فاجعه
 بنشینم و صاعقه وار
 تکاپوی دانه،

و پنجه داس را
 بر بضاعت این سلسله کاغذ بی رمق ،
 ولی پُر حاصل
 حک کنم
 بگذار بگویم که ...
 قبیله ام میزبان کینه و
 میهمان مصیبت بود
 و شهر من: لانه و اندوه ام
 با ملایم هر طلوع آس
 به ابیاتی مختصر
 به تباری از قداست و فتنه می رسید
 اما عاقبت!
 در مبارزه و مزرعه
 وارث هر ترنم شد و
 در انتها:
 با تار و پود طوفان،
 و تگرگ
 با اندام شرف درآمیخت
 و مؤمن به خلق
 در حضور دلچک و دیوانه و دیو، ایستاد و
 خطابه لاله و ارغوان ،
 خواند
 و پیر کلاه ارباب صفت، گریست
 و حتّا!
 شعبده بازان خصم و شیون
 نعره ها کشیدند ... ضجه ها زدند
 آری ...
 شهر من: شهر خاموش ام
 شهری گوشه و کنار همین جغرافیا
 شهری شناور بر خسوف وحشت و ظلم
 شهری آشفته حال و
 پریشان دل
 شهری عقیم،
 و یائسه
 در بستر دسیسه و عقده و انتقام
 شهری که ناگهان
 از حجاب فقر،
 از پوستین فاصله و ستم

برخاست
 و اراده را با آهن و آوا
 کتاب واره ای کرد
 شهری بی عروسک: بی غوغای خواهر
 شهری در همان نزدیکی: چند وجب مانده به قمار و تاراج
 شهری بهت زده به نیرنگها و مناره ها و معابد
 شهری به مسلک کویر در هُرم استقامت و آزار
 شهری بی پروا،
 که همچون سَلحشورانِ عهدِ عتیق
 تا اقوامِ وجدان و ادراکِ ماه
 اوج گرفت و
 آستانه ی آفرینش شد
 یعنی:
 قصه ترس
 از قلب تو رمید
 یعنی هویت،
 و خیل شناسنامه
 به کانونِ بچه های شرم پیوست و
 کولاک طمع،
 فرو ریخت
 یعنی آن تلخ سرود،
 در شعاعِ کبوتر
 با لبانِ دختری از حاشیه
 با پیوندِ ابرها،
 و یاسها
 هاشور خورد ... صیقل داده شد و
 ذره ذره ... نم نم
 بر انبوه درد،
 و دشنه
 چکید
 و بدین سان!
 طراوتِ اندیشه و
 زلالِ آشیان آش
 در باورِ هر شیپور،
 و هر شاخه
 نقش بست
 بگذار ...
 تا به پجِ پجِ صحرا

به میلادِ تو
 گوش کنم
 بگذار تا در هجومِ نوشتار
 برخیزم و
 به ظرافتِ میخک یا افاقیا
 بخوانم که:
 از حوضِ نقاشی
 و مردابها
 از کوره راهِ شقایق و شلاق
 و حتّا از صافیِ نور،
 در ایوانکِ اطرف
 کسی یا خبری خواهد رسید
 کسی به زبانِ مادرانِ ما ... کسی بی نام
 و خبری از جنسِ صدا
 صدایی شتابان از عمارتی به شرحِ ولایت:
 صدایی از ناقوسِ مجازات و
 میدانِ چه یِ قصاص
 صدایی همچون گردشِ نسیم،
 در فطرتِ حقیقت
 صدایی ریشه‌انگیز،
 و صمیمی
 بر خنجرِ گاهِ خلسه و هقُ هق
 صدایی با تیکُ تاکِ روستا
 یا ابدیتِ رازِ آلود،
 و قیرینِ یکی افسانه
 همان صدا
 صدایی کوتاه
 کوتاه تر شاید!
 صدایی که بویِ طلسم،
 و قحطی می دهد
 صدایی چرکین و مدفون،
 در برزخِ خاموشِ وارِ حافظه
 صدایی آغشته به خیمه هایِ معاصر
 و کوچه هایِ باستان
 صدایی کفنِ پوش
 به اسمِ زن: عطرِ آگینِ شیارهایِ خوشِ زندگی
 صدایی تا خالیِ سفره: در خمارِ هر گلو
 صدایی از حجمِ سایه ها

و ذوقِ برهوت
 همان صدا که ...
 در انجماد و انعکاسِ لهجه آش
 گندِ تهمت،
 و لاشه های تنهایی را دارد
 و مشقِ آمیزِ تقدیرآش
 سُنّتِ باد و
 تجربه ی بذر نیست
 همان صدا
 که ترا بر مطلقِ یقین
 و مرا
 در قابِ آذینِ بیغوله ها و زاغه های گرسنگی،
 خواهد نشانند
 و اُستوار و مُحکم و قاطع
 پروازِ مان خواهد داد تا عشق و عدم
 ... تا مومِ انسان به تعبیرِ عدالت
 شاعرانه تر بگویم!
 این اُعباب و زنگارِ حدیث بر ارابه ها و گیاهان
 این سیّالِ جنون در بکرِ شفق
 و حتّاً این نبضِ وداع بر بیشه زارانِ صادق و صبور
 همان صداست: آشنا و اندک افسرده
 صدایی از محرابها و سطرها و ثانیه ها
 صدایی از بطنِ ماسه و
 کالبدِ شین
 صدایی که دائم،
 و بی دریغ
 ما را به یادِ وارهِ چکمه و چکامه
 به پهنه پیکار و رزم
 دعوت می کند و
 سرانجام!
 لوحِ هراسِ مان را
 خواهد شکست
 اینک ...
 ای پاکِ نهادِ روشنِ نهالِ آینده
 آی خسته زانوانِ تهدید و تحمّل و دشواری
 شمایان که در معبر و مدارِ هر چهره و هر ذهن
 خیره مانده اید به دالان های افسون و
 دروازه های مقاومت

گوش کنید:

به ترجمانِ زمان در تلاطمِ سکوت و سقوط
یا دست بسائید ...

به ثقلِ انزوا بر غبارِ سینه و سنگ
و یا نه!

همچون عمودِ طناب بر جُتّه و سیمایِ مُتّهّم
به جدالِ حنجره،
در تکرارِ سرخِ تفنگ
بنگرید:

از صحنه های سوگ تا ملتِ ماتم
و سراسر حیوانات و دیوارها و درختان
و نیز کتیبه ها و جاده ها و طاق های شکسته
و حتّاً

پژمرده کندیِ کوهستان،

در غمِ آندودِ صخره و

قاصدکِ غروب در سفرِ نامه فصول

می تپند و

هلهله کِشان

فریاد می زنند که:

اعماق و اشکال و اشیاء

به غیابِ متنها و آوازه های گم گشته

خواهند شکفت

مترسکِ پوشالِ زادِ مغرور

پرتو خیسِ فراموشی خواهد شد بر نرمینه الیافِ دشت و

نازکایِ رنگینِ کمانِ آش

و آدابِ دژخیم و دروغ

با میثاقِ آینه و آب،

خواهد گسست

و بی تردید!

آن کاجِ کوبِ خاطره و مرثیه

نیمه عبورِ زندان را

فاش خواهد کرد

زیرا که: پایانِ سرشت و

پاسخِ نوشتِ این اسارت

این حادثه

و این اشتیاق و انتظار و انقلاب

یک تقویم است ...

تقویمِ میهن و نان و آغوش

سوختبران؛ شلیک به بُشکه باروت

منصور امان

فراسوی خبر... پنجشنبه ۷ اسفند

گلوله‌هایی که روز دوشنبه در مرز "اسکان" شلیک شد، به بُشکه باروتی کمانه کرده که زیر تخت صدارت رژیم ولایت فقیه خانه دارد. توفان خشم و عصیان توده به کمین نشسته، تبهکاران حکومتی را از سراوان تاراند و آنها که پای گریز نداشتند را به محاصره در آورد.

گشتار در مرز و سپس ادامه آن در سراوان در نقطه تلاقی دو سوژه اصلی منافع طبقه حاکم، یعنی قدرت و ثروت رخ داده است. در ماه‌های گذشته حاکمان ج.ا. درجه سرکوب و دامنه کاربرد قهر دولتی را به گونه چشمگیری افزایش داده‌اند؛ رویکردی که بی‌واسطه زیر تاثیر نیرومند خیزشهای توده‌ای سراسری و زنجیره ناگسستنی اعتراضها صورت می‌گیرد. زمین زیر پای قدرت مُسلط می‌لرزد و او همراه آن به تشنج درآمده است. با هر برگی که بر تقویم "نظام" افزوده می‌شود، در چشم آن "فرض محال" سرنگونی نزدیک تر و واقعی تر به نظر می‌رسد.

واکنش حاکمیت، یورش دیوانه وار به جامعه است تا آن را دور و کور و ساکت کند. سلاحی که در چارچوب این سیاست به کار انداخته شده و روزانه به رخ توده کشیده می‌شود، هم قلب و هم مغز آن را نشانه گرفته. موج تازه اعدامها، دستگیریها و پیگرد و سرکوب در همه بخشهای حیات اجتماعی، قصد دارد هم نیروی فعال مقاومت و اعتراض را حذف و خنثی کند و هم امید بسته که شدت خُشونت و وحشیگری، نیروی بالقوه سرنگونی را مُحْتَاط و مُنْفَعَل سازد.

در راستای این استراتژی، تنها در فاصله بین آذر و بهمن ماه امسال، ۲۳ نفر در سیستان و بلوچستان اعدام شده، صدها تن به اسارت برده شده‌اند، شلیک مُستقیم به شهروندان در مرز و در شهر و روستا به امری روزانه بدل گردیده و آزار، زورگویی و باجگیری دستگاه‌ها و اوباش حکومتی، مرزهای پیشین خود را پشت سر گذاشته. سیاست حاکمیت در برابر شهروندان به ویژه در اُستانهایی با هویت ملی یا مذهبی متفاوت همچون کُردستان، خوزستان و سیستان بلوچستان، بر پایه رفتار اشغالگران در مُتصرفات تنظیم شده است.

طبقه حاکم به جز مساله قدرت، در حوزه "ثروت" نیز در اُستان فقیر سیستان و بلوچستان منافع کلانی دارد که به گونه مُشخص در قاچاق مواد مُخدر و کالا از یکطرف و قاچاق بنزین و گازوییل از طرف دیگر مادی می‌شود. قاچاق مُشتقات نفت به پاکستان و افغانستان به ویژه پس از تحریمهای نفتی آمریکا و سقُوط درآمدهای بادآورده از این منبع، برای حاکمیت اهمیت ویژه‌ای یافته و در حجم و ارزشی میلیاردی مُحاسبه می‌شود.

شدت تمرکز دستگاه حاکم در پهنه قاچاق بنزین و گازوییل را فقط صف بی‌پایان تانکرهایی که روزانه به سمت پاکستان و افغانستان رواند به نمایش نمی‌گذارد؛ بسا چشمگیر تر از آن، گسیل سپاه قُدس به این آستان است؛ نیرویی که پس از مُشارکت در جنگهای سوریه و عراق شهرت ننگینی در عملیات نظامی و تروریستی علیه غیرنظامیان به دست آورده. بازوی نظامی حاکمیت وظیفه دارد ضمن انحصار زنجیره قاچاق (خرید، فروش، دلالی) و حذف رقیبان پابرهنه، فقر و نیاز مردم آستان را به ابزاری برای تفرقه اندازی و سرکوب آنها توسط خودشان بدل سازد. "طرح رزاق" که براساس آن اوباش نفت خوار سپاه پاسداران فقط به کسانی که حاضر باشند زیر بلیط آنها قرار بگیرند اجازه صادرات می‌دهند، در کادر این سیاست قرار دارد.

اعتراض سوختبران در مرز اسکان، در درجه نخست منافع اقتصادی حاکمیت را زیر ضرب می‌برد و در درجه بعد، به دلیل ظرفیت اعتراضی جامعه، پتانسیل شکستن اقتدار آن فراتر از این نقطه مرزی را در خود داشت. در این نقطه، دو سوژه منافع حاکمیت به هم می‌رسید و به همین دلیل نیز هر دو به یکباره آماج قرار می‌گرفت. خُشونت حداکثری علیه سوختبران مُعترض که با کاربرد سلاح جنگی نیز همراه بود، تجلی این-همانی قدرت و ثروت است که سراسیمه می‌کوشد میدان مقاومت را کوچک نگاه دارد و با نشر وحشت، روزنه ظُهور پیامدهایش را مسدود سازد.

این نقشه نگرفته است: در سراوان توده خشمگین فرمانداری را درهم کوبید، پادگان سپاه قدس با آدمکشان پنهان شده درونش را به محاصره درآورد و خیابان را از وجود حاکمیت پاکسازی کرد. با وجود قطع اینترنت و امکانات ارتباطی، فراخوان اعتصاب عمومی به شهرهای کوچک و بزرگ استان منتقل شد و پاسخ گرفت.

رژیم ولایت فقیه یک بار دیگر نشان داد سد قهر و خشونت آن در برابر سیل سهمگین نارضایتی مردم تا چه اندازه سست و پوشالی است و تور وحشت اش به چه میزان از حبس انرژی اعتراضی و سرنگون طلبی توده، ناتوان مانده. برای رژیمی که روی لب تیغ بحران داخلی و خارجی گام می زند، تاثیر اجتماعی آنچه که در سیستان و بلوچستان می گذرد، گشوده است.



اعدام ۴ زندانی سیاسی و چرایی آن

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر ... سه شنبه ۱۲ اسفند

افسار گسیختگی رژیم در اعمال خشونت عریان و بی رحمانه علیه زندانیان سیاسی دقیقاً بیانگر وضعیت ورشکسته حکومتی است که برای نجات خود از طوفان خشم مردم به هر حربه ای متوسل می شود. خشونتی که رژیم در شرایط بن بست در روابط بین المللی و بحران داخلی در مورد زندانیان سیاسی و عقیدتی وارد می کند، نشانی از درک رژیم از روانشناسی مردم و فقدان پایگاه در جامعه است.

اعدام دهها هزار گل سرخ همچون نوید افکاری و کشتن انبوهی از جوانان در زیر شکنجه مثل ستاربهشتی و بهام محجوبی تاثیری بازدارنده در انگیزش جوانان برای شورش علیه وضع موجود نداشته است. این پدیده رژیم را بیشتر برآشفته کرده است. فرصتی برای تنفس کافی است که تنفر و خشم مردم منفجر و خیابان را تسخیر کند.

خشم مردم سراوان و پاسخ به تعرض پاسداران شاهی بر این امر است. دستگیر شدگان این شورش زیر چکمه های استبداد حاکم به سر می برند. بنابراین اعدام ۴ زندانی سیاسی در اهواز در روز یکشنبه ۱۰ اسفند هم آخرین جنایت این رژیم نخواهد بود. این جنایت و خشونت حکومتی همزاد رژیم است و برای توقف آن باید بنیاد خشونت، یعنی موجودیت حکومت ریشه کن شود.

روز یکشنبه ۱۰ اسفند، ۴ هموطن عرب به نامهای جاسم حیدری، علی خسرجی، حسین سیلاوی و ناصر خفاجیان در زندان سپیدار اهواز توسط دژخیمان جمهوری اسلامی اعدام شدند. این زندانیان سیاسی در دوران اسارت شان با شکنجه های وحشیانه مجبور به اعتراف علیه خود شده بودند.

بنا به گزارش عفو بین الملل، این زندانیان شامل «ناپدید سازی قهری» اند، بدین معنا که خانواده های آنها از محل نگهداری آنها و ملاقات با آنان محروم بوده اند. و برای همین سه تن از آنان در اعتراض به وضعیت زندان و فشارهای وارده بر خود دست به اعتصاب غذا زده و لبهای خود را به هم دوخته بودند.

رژیم با اعدام و حذف زندانی سیاسی، از یک سو کشتن و اعدام را امری عادی کرده و از سوی دیگر با ایجاد ترس و وحشت تلاش مذبوحانه برای جلوگیری از شورشها و قیامهای مردمی می کند. اما تمامی رویدادهایی که به خیزشها و اعتراضها و جنبشهای اعتراضی مردمی مربوط است عکس ارزیابیهای رژیم را نشان می دهد.

اگر رژیم برای حفظ خود راهی جز اعدام و حذف مخالفان باقی نمی گذارد، برای مردم در زنجیر هم راهی جز سرنگونی پیش پا نمی گذارد. رژیم یک پدیده ارتجاعی و ضد بشری است که باید حذف شود.

پیام ارسال پرونده ج.ا به شورای حکام

منصور امان

فراسوی خبر... پنجشنبه ۱۴ اسفند

در دنیای ذهنی حاکمان ج.ا هیچ چیز سر جای خود نیست، تصورات آنها از آرایش صحنه بین المللی پس از تغییر دولت آمریکا به هم ریخته و رشته های باریکی که این پندارهای دور و دراز را به واقعیت آویخته بود، یکی پس از دیگری از هم گسسته می شود تا پرورندگانش را پریشان حال بر جای بگذارد.

برخلاف آنچه که آقای خامنه ای و همدستانش به خود وعده می دادند، نقل مکان دموکراتها به کاخ سفید نه تنها شاخه نجات "نظام" از باتلاق اجتماعی - اقتصادی نگردید، بلکه در حال افزایش فشار تا جایی ست که می تواند آنها را به قعر ببرد. ارسال پرونده شرارت هسته ای ج.ا به شورای حکام آژانس، یکی دیگر از نشانه های ناملیدکننده ای است که دستگاه حاکم تنها چند هفته پس از آغاز ریاست جمهوری آقای بایدن دریافت می کند.

پیش از این، آمریکا در واکنش به حملات تروریستی به پایگاه خود در اربیل و موشک پرانی در بغداد، دست به عملیات نظامی علیه یکی از مراکز مزدوران عراقی ج.ا موسوم به "حشدالشعبی" زده بود. فراتر از بُعد نظامی به گونه مجرد، دولت جدید آمریکا به این گونه به علامت سووال سیاسی که ج.ا به آدرسش ارسال کرده بود، با علامت تاکید پاسخ می گفت. میزان آشفتگی رژیم ولایت فقیه از نتیجه این مبادله را می توان از حمله موشکی روز گذشته (چهارشنبه، ۱۴ اسفند) به پایگاه "عین الاسد" برگرفت. اقدام مزبور سردرگمی نیرویی را به نمایش می گذارد که در آزمون اربیل مردود شده و حال چاره خویش را در کوفتن به درب بسته می جوید. اگر با مسامحه پذیرفته شود که موشکهای شلیک شده به اربیل هدفی سیاسی را نیز با خود حمل می کردند، اما شلیک به عین الاسد بی تردید فقط پیام بحران و تنش را منتقل می کند. حاکمان ج.ا اکنون می توانند با اطمینان خاطر تشکیل پرونده علیه خود در آژانس را نیز یکی دیگر از نشانه های دوران آقای بایدن ارزیابی کنند. با نگاه به مضمون سیاسی این اقدام، شکل خروجی آن از شورای حکام آژانس اهمیتی فرعی پیدا می کند، زیرا:

۱- آمریکا توانسته است توافق اروپا را جلب کند و شرکای "برجامی" مَلاها را به خط خود بیاورد. نخستین ثمره شکل گیری این جبهه، فراتر رفتن اروپا از هشدارهای روتین رسانه ای در برابر بدکرداری اُتمی ج.ا و دست زدن به اقدام مشخص علیه آن است. بروکسل به عملیات نظامی اخیر آمریکا علیه منافع ج.ا هم چراغ سبز نشان داد و اینک نیز پرونده "نظام" را زیر بغل زده است.

۲- طرح قطعنامه تنبیهی در شورای حکام به معنای گشوده شدن درب شورای امنیت سازمان ملل به روی ج.ا و به موازات آن، گسترده تر گردیدن ابعاد بین المللی بحران مَلاها و سخت تر شدن پیامدهایش برای آنان است. آمریکا و اروپا به وسیله تهیه این قطعنامه روشن کرده اند که در پروسه رویارویی همه جانبه (هسته ای، منطقه ای، موشکی، تروریسم) با رژیم حاکم بر ایران، آماده اند مکانیزم شورای امنیت، تحریمها و فراتر از آن را به کار گیرند و فعال کنند.

انتهای عُمَر ترفند "نه جنگ، نه مذاکره" در افق پدیدار شده است. با هر حرکت شرورانه و اقدام باجگیرانه و در سوی مُقابل با هر فراخوان و اعلام آمادگی آمریکا برای مذاکره، پایان این راه نزدیک تر و چینهای نگرانی و ترس بر پیشانی فرتوت آقای خامنه ای بیشتر و عمیق تر می شود. او و نظامش در میانه یک پروسه استهلاک بسر می برند که در آن هر "امتیاز" گرفته شده نیرویی است که طناب افتاده بر گردنش ا سفت تر می کند و هر "پیشروی"، گامی است که او را به لبه پرتگاه نزدیک تر می سازد.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.com

شتاب گرفتن چرخ تروریسم تصادفی نیست

منصور امان

فراسوی خبر... پنجشنبه ۲۱ اسفند

وقتی رییس جمهور مَلاها، آقای حسن روحانی، مُشت بر سینه می کوبد که چرخ پُرهزینه سانترفیوژها می چرخد، تنها نیمی از حقیقت را به زبان آورده است. او ناگفته گذاشته که چرخ دیگر بقای "نظام"، یعنی تروریسم و شرارت منطقه ای هم با همان خرج و شدت، روی جسد آسایش، سعادت، شادی و دلخوشی مردم در حرکت است.

از عربستان تا کنیا، تروریسم دولتی ولایت فقیه در گردش است و ردپای خود را نه فقط در تحقیقات جنایی، بلکه بر موضوع سیاست نیز به جا می گذارد. درهم تنیدگی دو فاکتور تبهکاری عادی و دولت رسمی از رژیم ج.ا موجود نابهنجاری ساخته است که چگونگی برخورد و مُراوده با آنرا به همین گونه از دایره تدبیرهای مُتعارف و رایج خارج می سازد.

این واقعیت را باید آن دسته از کشورهایی که رژیم مَلاها به دلایل اقتصادی، تجاری و سیاسی به آنها نیاز مُبرم دارد، به تلخی درمی یابند. مُعاملات پُرسود نفتی، مالی و تجاری مانع از آن نشد که رژیم آخوندی شرارتهای خود را به خاک شُرکایش در تُرکیه و هندوستان گسترش دهد. حادثه بُمب گذاری خیابانی در دهلی نو تصویر دیگری از طرفهای مُعاملات آسان به هندوستان ارایه کرد. در همین رابطه پایوران امنیتی این کشور از واحد تروریسم برون مرزی ج.ا موسوم به "سپاه قُدس" به عنوان مُتهم این اقدام تروریستی نام می برند.

آروپا نیز تجربه مُشابهی را در نُسخه های گوناگون در انبان خود دارد که تازه ترین آن تلاش ناکام برای بُمب گذاری در فرانسه، یک شریک "برجامی" مَلاها، است؛ رویدادی که بار دیگر نشان داد حتی نیاز کلیدی به پشتیبانی سیاسی آروپا و مُناسبات تجاری با آن، حاکمان ج.ا را از بازی با کارت تروریسم و بُحران سازی علیه بروکسل باز نمی دارد.

فقط از دریچه نگاه از بیرون است که رفتار رژیم ولایت فقیه غیرعقلانی و خودغرضانه به چشم می آید (حتی اگر از زاویه مُحاسبه سود و زیان، این ارزیابی دُرست باشد). اما با نگاه از پشت عینک رژیم ولایت فقیه آشکار می شود که رفتار ناهمگون آن در نظر به ابزارها و امکاناتی که برای بازی بُرد - باخت در داخل و خارج در دست دارد، یک رویکرد واقع گرایانه است و از منطق درونی بقا پیروی می کند. توسل به سلاح ترور علیه شهروندان و جامعه در داخل و رو به طرفهایش در خارج، بخش جدایی ناپذیر از استراتژی بقای رژیمی انگلی است که به اتکای تواناییهای خود شانس ماندن و زیست در مُحیط طبیعی را ندارد و تنها از طریق تهاجم به پیرامون و مکیدن خون قُربانی امکان ادامه حیات را به دست می آورد.

در همین راستا، شتاب یافتن چرخ تروریسم و شرارت خارجی مَلاها در دوره کنونی رابطه مُستقیمی با افزایش احساس خطر آنها برای موجودیت خویش دارد. زیر فشار موقعیت لرزان در داخل و فشار چند جانبه از خارج، "نظام" به گونه بی پیشینه ای همه ژتونهایش را روی میز گذاشته است. از یک سو به سُرعت به طرف جنگ افزار اُتمی پیش می رود و از سوی دیگر، با بُمب و موشک و تپانچه ی آویخته، در سطح بین المللی به گردش درآمده است.

این می تواند آخر بازی باشد، هرگاه همبازیهای رژیم ج.ا خُرافه تصادفی و جناحی بودن شرارت آن را کنار بگذارند و با واقعیت ذاتی بودن تجاوز و تروریسم در نظم حاکم بر ایران چشم در چشم شوند.

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در

ایران را به شدت محکوم می کنیم.

پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com

نخورد و نیاشامید؛ جشن نوروز به روایت "سبک زندگی اسلامی"

منصور امان

فراسوی خبر... پنجشنبه ۲۸ اسفند

در آستانه سال نو و گردش ایام و اذهان بر محور جشن ملی نوروز، دستگاه تبلیغاتی فرادستان با هدف ماله کشی بر فلاکت گریبانگیر جامعه و تخفیف خشم برآمده از آن، دست به ارایه رهنمودهای عملی خطاب به صاحبان سفره های خالی و دل‌های بی خوشی زده است. توصیه آنها به همان اندازه که ساده است، وقیحانه نیز هست: نخورید و نیاشامید! بلاهت را نمی توان تنها ریشه پوزخند زهرآگین صداوسیما ج.ا به مردم خشمگین دانست؛ بسا بیشتر از حُقم، این بیگانگی حاکمان فاسد با زندگی توده و بی اعتنایی به نیازها و خواسته‌هایش است که دلداری آنها را با نمک پاشی روی زخم برابر می کند. آقای خامنه ای و همدستانش از بُرج عاج قُدرت و ثروت به مردم می نگرند و از آنجا که تیره بختی جامعه را پیامد ناگزیر و اجتناب ناپذیر حفظ قلعه می شمارند، بنابراین نه احساس همدردی با آن دارند و نه حس پشیمانی از واقعیتی که جاری ساخته اند.

آنچه که تلویزیون دولتی تبلیغ می کند، مُدتهاست که خود را بر زندگی روزمره اکثریت جامعه ایران تحمیل کرده. پُرمعیت ترین بخشهای جامعه امروز از خرید مایحتاج روزانه خود ناتوانند و روند چشم پوشی اجباری آنها از خوراکیهای اصلی، سر راست و بدون میانبر به سمت دره گرسنگی امتداد یافته است. بر سفره زحمتکشان پوست و پای مُرغ، اُستخوان گوسفند و اسکلت ماکیان نشسته و اینک به تدریج حتی توان خرید پس مانده ها هم از آنها سلب می شود. آنها که روغن را در کیسه پلاستیک، رُب گوجه را قاشقی و نان شان را قسطی می خرند، "میوه" را حتی در خواب هم نمی بینند تا بوق نکره فرادستان آنان را به چشم پوشی از مصرفش اندرز دهد.

تغذیه با تُفاله ها و از سطلهای زباله و لگدمالی احترام و کرامت، این همان "سبک زندگی اسلامی" است که آقای خامنه ای وعده اش را به مردم داد و مُحقق ساخت. بوق رسانه ای او جُز این را با جُزییات بیشتر به مردم رهنمود نداده. با این حال خطاست اگر تصور شود دامنه برداشت "آقا" از زندگی و سبک آن در همین سطح محدود می ماند؛ به هیچوجه! او به موازات ترویج فلاکت برای "عوام" و پیشنهاد شیوه های عملی برای زیست فلاکتبار، ویرایش دیگری از "سبک زندگی اسلامی" را نیز رواج داده که ویژه "خواص" قالب ریزی شده و برخورداری از همه چیز در همه جا تابلوی راهنمای آن است. اعضای طبقه حاکم و خانواده های آنها در اشرافیتی مُبتذل غوطه می خورند و از زندگی آسان در سایه ثروت آسان لذت می برند.

بسته ریاضتی صداوسیما برای صاحبان ویلاهای باستی هیلز و زعفرانیه نیست، رو به پورشه و بنز سوارها هم ندارد، با انگشت به "رهبر" و صاحب کارتل صدمیلیارد دلاری اشاره نمی کند، به آقازاده ها، صبیبه ها و "منزلها"ی همه چیز خوار فرمان روزه نمی دهد، همچنین آنهایی که خونشان از ما رنگین تر است، خصوصی واکسن کرونا زده اند و زمان تقسیم هرچه در صف اول هستند، می توانند نشنیده بگیرند.

مُخاطب کارگزاران آقای خامنه ای، کارگران فولاد اهواز و نیشکر هفت تپه هستند، زنان و مردان شریف بازنشسته باید گوش بسپارند، کارمندان، پرستاران، کسبه خُرد، بساطیها، کرایه کشها و بیکاران هستند که درس "سبک زندگی اسلامی" را باید فرا بگیرند. همه آنها فراخوانده شده اند که متواضع باشند، چشم بپوشند تا سهم شکمبارها و به یغما برندگان هستی آنها بیشتر و مُتورم تر شود.

از بذر این وقاحت، در سفره عید فرودستان سبزه خشم و انتقام می روید و روبروی آینه نوروز و سالی که با خود می آورد، جایی سزاوار می یابد.

کانال تلگرام نبرد خلق

@nabard_khalgh

https://telegram.me/nabard_khalgh

پیام شادباش سخنگوی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت عید نوروز و آغاز سال ۱۴۰۰

هموطنان عزیز،

عید نوروز، جشن جنبش بهار، آغاز سال ۱۴۰۰ و شروع قرن ۱۵ خورشیدی را از جانب خودم و رفقایم در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به همه شما شادباش می گویم. جنبش بهار، جشن شکوفایی و رستاخیز طبیعت بر شما خجسته باد. برایتان سلامتی، شادابی، سرسبزی، سرافرازی، صلح، آزادی و برابری آرزو می کنم.

«نرم نرمک می رسد اینک بهار،

خوش به حال روزگار...» (فریدون مشیری)

زنان و مردان ایران زمین،

اکنون که طبیعت دگرگون می شود و روشنایی بر سیاهی غلبه می کند، اکنون که درختان لباس رنگین به تن می کنند و «نغمه شوق پرستوهای شاد» نجوای عشق سر می دهند، آرزو می کنم که در سال ۱۴۰۰، ویروس کرونا مهار شود و ویروس ولایت فقیه از سپهر سیاست میهن ما به دست توانای مردم به طور کامل نابود شود.

همراه با شما در لحظه تحویل سال جدید آرزو می کنم که سال ۱۴۰۰، سال فرا رسیدن بهار آزادی، سالی سرشار از عشق و دوستی و بدون هر نوع ستم و تبعیض جنسیتی، مذهبی و ملی، سال تحقق عدالت، دموکراسی و استقرار یک نظام غیر دینی و سال دگرگونیهای ژرف در حیات اجتماعی مردم ایران باشد.

مردم عزیز ایران

طی قرن گذشته شاهد طوفانهای کلانی در ایران زمین بوده ایم. اما کمتر سالی همچون سالی که به پایان رسید، تضادهای درون کشور تا این اندازه عمیق و گسترده بوده است. سرکوب مردم حق طلب، ساختن سلاح هسته ای، گسترش بنیادگرایی اسلامی و توسعه جهل و خرافات برنامه اصلی سران حکومت است. در حالی که آنها از هر فرصتی برای چپاول و غارت مردم و ثروتهای جامعه استفاده می کنند، جامعه انزجار و نفرت به حاکمان مستبد و ظالم را روزانه با صدای بلند اعلام می کند.

این واقعیت با هزاران حرکت اعتراضی توسط کارگران، کشاورزان، تهیدستان، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، بازاریان، دانشجویان، زنان و جوانان که در سال گذشته صورت گرفت، تایید می شود.

رفتار حاکمان ایران در مورد همه گیری ویروس کرونا، اوج جنایت و درنده خوئی آنان را نشان داد. خامنه ای در روز ۱۳ اسفند سال ۱۳۹۸ همه گیری کرونا را کم اهمیت دانست. اما ابعاد فاجعه آن چنان زیاد است که او دو هفته پیش در روز جمعه ۱۵ اسفند ۱۳۹۹، گفت: «خطر از سال گذشته بیشتر است! امسال خطر را بهتر می شناسیم و می دانیم که خطر فراگیر شد در کشور.»

کارگزاران رژیم و در راس آن خامنه ای با پنهانکاری، دروغگویی، قرنطینه نکردن نقاط کانونی، که در ابتدا محدود بود و هزینه نکردن برای غلبه بر ویروس، خسارتهای زیادی را به مردم تحمیل کرده و در این میان کادر درمانی و به ویژه پرستاران آسیبهای زیادی دیده اند. حکم ضد انسانی، ظالمانه و جابرانه خامنه ای در مورد ممنوع بودن خرید واکسن معتبر از آمریکا و انگلیس ماهیت ضد مردمی نظام را بیشتر و بهتر برملا کرد.

مردم آزادیخواه ایران

اینک که سال ۱۴۰۰ آغاز می شود در زندانهای رژیم حاکم بر کشور ما تعداد زیادی از زنان و مردان به جرم دفاع از حقوق برحق شان به بند کشیده شده اند. با ستایش از مقاومت زندانیان سیاسی و عقیدتی که تحت شدیدترین شکنجه ها و رفتارهای ضد انسانی قرار دارند، به همه آنها درود می فرستم و یاد همه ی ایرانیانی که در سال گذشته در مبارزه علیه استبداد دینی جان فدا کردند را گرامی می دارم و ادای احترام می کنم به خانواده شهدا و زندانیان سیاسی. از کسانی که می توانند به ویژه از فعالان جنیش فدایی خواهش می کنم به یاری خانواده شهدا و زندانیان سیاسی بشتابند و از طریق ایجاد شوراهای محلی و با در دست گرفتن ابتکار عمل، به مردمی که درگیر مبارزه با ویروس کرنا هستند و مردمی که به کمک نیاز دارند، به ویژه کودکان کار و خیابان و نوجوانان بی سرپرست اقدام کنند با امید به آزادی به استقبال سال نو می رویم و با اتحاد و همبستگی بر دیو فقر، جهل و استبداد پیروز می شویم، دستانتان را صمیمانه می فشارم.

مهدی سامع

شنبه ۳۰ اسفند ۱۳۹۹



یادواره شهیدان فدایی

رفیق نسرين پنجه شاهی

گردآوری و تنظیم: امیر ابراهیمی

زنان فدایی که با حماسه سیاهکل به سازمان پیوستند، نسل تازه ای از مبارزان بودند که حتی دشمنان و دیکتاتورها در مقابل عزم و اراده آنان وادار به اعتراف شدند همان زنانی که در نبرد تا آخرین نفس می جنگیدند.



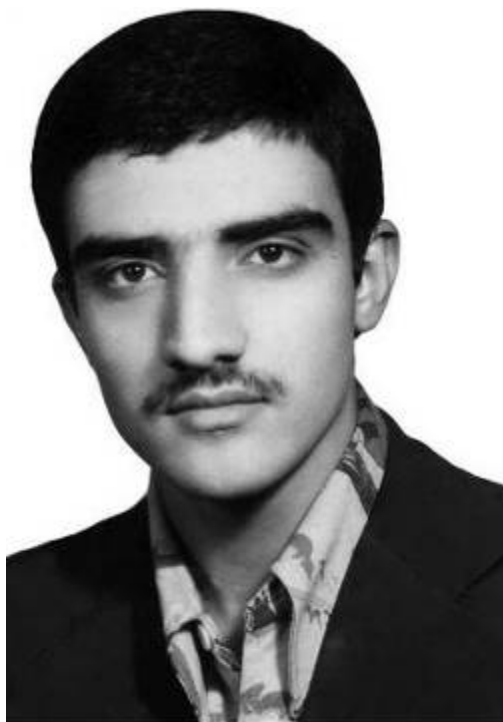
رفیق نسرين پنجه شاهی از جمله این زنان و متولد ۱۳۳۸ بود. او همراه با خواهرش سیمین پنجه شاهی دانش آموزانی برجسته و فعال و در ارتباط با رفیق پریدخت آیتی (غزال) به سازمان پیوستند

پس از ضربات جبران ناپذیر سال ۱۳۵۵ به سازمان، رفیق غزال در تلاش برای بازسازی ارتباطات افراد باقیمانده که در تداوم فعالیت سازمان حیاتی بود با خانه تیمی که رفیق نسرين هم در آن ساکن بود (در منطقه نارمک تهران) در ارتباط بود.

روز ۱۰ فروردین ۱۳۵۶ این خانه در محاصره ماموران ساواک قرار می گیرد و رفقا برای شکستن محاصره مجبور به درگیری شدند. طی درگیری آن روز که ساعتها طول کشید رفقا غزال پریدخت آیتی (غزال)، عباس هوشمند و سیمین پنجه شاهی به شهادت می رسند.

خانواده پنجه شاهی از جمله شناخته شده ترین خانواده های سیاسی در دوران رژیمهای شاه و شیخ بود. مادر رفقا پنجه شاهی، زنده یاد بانو شمسی انصاری (مادر ۵ فدایی شهید)، از جمله اعضای موثر «مادران خاوران» در دوران رژیم جمهوری اسلامی بود که در ۲۱ بهمن سال ۱۳۷۹ در اثر ایست قلبی چشم از جهان فروبست .

شهدای فدایی در فروردین ماه



رفیق یدالله سلسبیلی

رفقا: جواد سلاحی، خشایار سنجری، محمد معصوم خانی، حسین الهیاری، بیژن جزنی، حسن ضیاء ظریفی، عباس سورکی، مشعوف (سعید) کلانتری، محمد چوپان زاده، عزیز سرمدی، احمد جلیل افشار، حمید اکرامی، محمدرضا کامیابی، غزال (پریدخت) آیتی، سیمین پنجه شاهی، عباس هوشمند، یدالله سلسبیلی، علی میرابیون، جلیل آزازی، بهرام آق اتابای، عطا خانجانی، محمد آراز (بهروز)، آراز محمد وردی پور، غفور عمادی، عبدالله صوفی زاده، بردی محمد کوسه غراوی، قربان علی پور نوروز، حاجی محمد آخوندی، سعید جوان مولایی، انشاء الله اسدیان، علی محمد خوجه، فیروز شکری، آنه بردی سرافراز، قربان (آرقا) شفیع، علی اشترانی فرید، محمد ابراهیم مفتاح، فیروز صدیقی، نور محمد شفیع، محمد رسول عزیزیان، پروین افروزه، محمد حرمتی پور، منوچهر کلانتری، صدیق دیده ور، احسان الله ایمانی، فریدون آشوری، غلام حسین خاکباز، محسن رفعتی، مسعود رقابی، رویا علی پناه فرد، فرشته گل عنبریان، علی (مسعود) باختری، جمشید هدایتی و ... در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع توسط مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم



۳۳۳ شماره نبرد خلق در یک سی دی

قیمت ۱۰ یورو ۱۵ دلار

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع

همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیائیهها

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

NABARD - E - KHALGH

No 436 / 21 march 2021

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCE

NABARD /P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E – KHALGH in Telegram ///@nabard_khalgh --- https://telegram.me/nabard_khalghNABARD - E – KHALGH in Facebook //// <https://www.facebook.com/nabardekhalghe/>**آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران****در شبکه جهانی اینترنت****نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز،****دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان****www.iran-nabard.com****www.jonge-khabar.com****www.radiopishgam.com****www.fadaian.org**